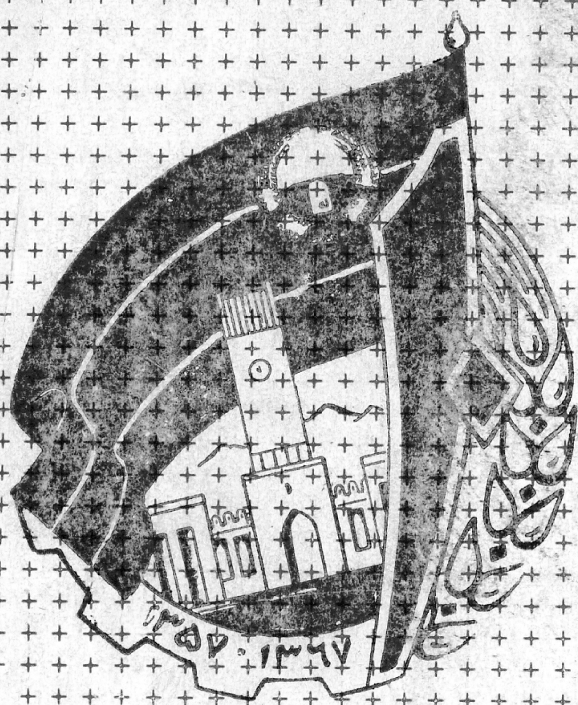


تاریخ خرقهٔ شریفه

قندهار

تألیف

عزیزالدین وکیلي پوپلزائی

خطاط هفت قلمی «کاظم شایسته فرهنگ»

- نام کتاب: تاریخ خرقهٔ شریفه قندهار

- تألیف: عزیز الدین وکیلی پوپلزایی

- ناشر : مرکز تحقیقات علوم اسلامی

- اهتمام : محمد گل «رامز» وشمس الحق «فضلی»

- چاپ اول: سال ۱۳۴۳

- چاپ دوم: سال ۱۳۶۷

- تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

- جای چاپ: مطبعهٔ دولتی

- شماره مسلسل : (۳)

مرکز تحقیقات علوم اسلامی

مدیریت عمومی نشرات

تاریخ خرقهٔ شریفه

قندهار

تألیف

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی

طبع دوم

کابل - ۱۳۶۷

اهداء

تاریخ خرقهٔ شریفهٔ (قندهار) را که دفعهٔ دوم در عهدجمهوری افغانستان و مصادف به دورهٔ اعلان صلح و آشتی ملی ازطرف مرکز تحقیقات علوم اسلامی در مطبعه دولتی ذینت چاپ یافته است. به عموم عالم اسلام وملت مسلمان افغانستان به ویژه به دوستداران صلح ، ترقی وعدالت اجتماعی اهداء میکنم .



(عزیز الدین وکیلی پوپلزایی)

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمۀ ناشر	الف
مقدمۀ مولف	۱
خرقۀ شریفۀ نبویه (ص) درقندهار	٦
معانی لغات	۱٤
اویس قرن	۱٦
پرتو وصول خرقه نبویه (ص) ...	۱۸
فرمان احمد شاه درانی ...	٤۱
وقفنامۀ خرقۀ شریفه	٤۳
فرما ن تیمورشاه ...	٤٥
فرمان تیمور شاه ...	٥۳
پنجاه من نان پخته ...	٥٥
جیره و مواجب مقرری علما	٥٦
فرمان تیمور شاه در ...	٥۹
فرمان زمانشاه در ...	٦۱
فرمان زمانشاه ...	٦۲
فرمان زمانشاه ...	٦٥
مقرری الحاج ملاحفیظ الله ...	٦۷
فرمان زمانشاه ...	٦۸
فرمان زمانشاه ...	۷۰
منظوری بیست تومان روپیه ...	۷۳
فرمان زمانشاه ...	۷٤
فرمان شاه محمود ...	۷٦

عنوان	صفحه
تعیین اوقاف	٧٨
فرمان شاه شجاع ...	٧٩
وقف نهر روضه باغ برای خرقهٔشریفه .	٨٢
فرمان شاه شجاع ...	٨٣
دو باب کار بانسرا ...	٨٥
فرمان شاه‌محمود درانی	٨٦
فرمان شجاع الملك .	٨٨
فصل دوم	
اجمال واختصار معلومات ...	٩٠
فرمان شیر علیخان ...	١٠٢
خرقه شریفه وموی مبارك	١٠٤
مسجد موی مبارك	١٠٧
هدیهٔ دروازهٔ نقره	١٠٨
ترمیم عمارت خرقهٔ شریفه .	١١٠
خدمت در راه صلح .	١١٢
بیانات غازی امان الله شاه ...	١١٤
اهداء پوش جدید ...	١٢٦
شرفیابی امان الله شاه به ...	١٢٨
ده نماز جمعه در مسجد جامع خرقه شریفه .	١٣١
پوش صندوق خرقهٔ شریفه	١٣٤
القاب متولیان ...	١٣٥
خاندان متولیان خرقه ...	١٣٧
دفن حکمران قندهار ...	١٤٠
حکمنامه هادر خصوص‌وظیفه ...	١٤١
واقعه شهادت در مقام ...	١٤٥
مآخذ و مدارك	١٤٩

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اله الا الله

محمد رسول الله

صدق الله العلی العظیم وبلغ رسوله النبی الکریم

۱۳۶۷

راقمه عزیز الدین وکیلی فوفلزائی

هدیهٔ تاریخ خرقهٔ شریفه



مقدمهٔ ناشر

کتاب « تاریخ خرقه شریفه حضرت محمد (ص) در قندهار »
تالیف عزیز الدین وکیلی پوپلزایی طبع دوم سال ۱۳۶۶
کابل ـ که معلومات توثیق شده در باره تاریخ ورود خرقه شریفه
به شهر قندهار و دیگر فیوضات خرقه شریفه در آن درج گردیده
عطش تحقیقاتی و معلوماتی محققین و پژوهشگران کشور ما و کشور
های دیگر را تسکین میتواند. ضرورت طبع و نشر این کتاب بمهم
وگزیده را در زمان حاضر در افغانستان خود مؤلف (عزیزالدین
وکیلی پوپلزایی) بجا و بحق اظهار نموده است .
تاریخ خرقه شریفه که در زمان سابق (سال ۱۳۴۶) به تعداد
پنجصد نسخه طبع شده بود دستیاب نمی شود حتی خود مؤلف هم یک
جلد از نسخه های گذشته را ندارد. حوادث ورویداد های که در قندهار
در مکان مقدس وپاك خرقه شریفه روی داده که تاسف آور
ترین آنها قتل وبه شهادت رسیدن محمد نبی متولی خرقه شریفه
می باشد . مقتضی این است که طبع دوم این کتاب که نواقص وکمبودی
های طبع اول نیز درین طبع از طرف مولف شخصا مستند تکمیل
گردیده به خوانندگان علاقه مند تقدیم میگردد اینك مرکز تحقیقات
علوم اسلامی این افتخار را به خود کمایی کرد که طبع دوم تکمیل شده
را به قارئین تقدیم میدارد و متوقع است که طبع و نشر این کتاب که

به همکار ی ریاست طبع ونشـــرصور ت گر فته به دیده قدرنگریسته امید است که مصدر و منبع خیرو برکت برای مردم کشور و کشور های همسایه ماگردد و مشی مصالحه‌ملی که به خیر جا معه افغا نـــی و انسا نی است هر چه زود تـــرتحقق یابد .

(اداره مرکز تحقیقا ت علـــوم اسلامی)

قال رسول الله صلى الله عليه وسلم



بقلم عزیز الدین وکیلی فوفلزائی

۱۳۵۳

هدیهٔ تاریخ خرقهٔ شریفه (قندهار)

بسم الله الرحمن الرحيم

تبارك الذی بیده الملك وهو علی کل شی قدیر ه الذی خلق الموت و الحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا

وصلی الله تعالی علی خیرخلقه سید نا محمد و آله و اصحابه به صلواة کاملة

امابعد

چون از پرتو وصول خرقه شریفه از بلاد عرب به دیار خراسان تا این زمان (۱٤۰۷ هجری قمری) شش صدو یازده سال می گذرد و پرتو نزول خرقه حضرت رسول کریم صلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم ـ مطابق حسن نیت کافه مردم مسلمان افغانستان باعث نهایت عزت وعظمت خاك وطن مقدس ما ندر مرور سالیان شده است .

افتخار دارم که سوابق این مراتبه افتخار را همدرین دورهٔ جمهوری افغانستان و مخصوصا دراین موقعیکه ازصلح وآشتی چندی میگذرد وازطرف قاطبه بهی خواهان ملت مسلمان افغانستان تایید

گردید ه است . یکبار دیگر یعنـی‌برای طبع دوم مر تب نـمـوده در دسترس استفاد ه و استفا ضه مردم‌با دیانت این خطه مقد سه و تما م پیروا ن حضر ت خیر البشر مـی‌گذار م .

* * *

در چهل سا ل قبل از امرو زدر آوا نی که تاز ه به تالیـف وتدوین آثار تاریخ وطن آغـا زکردم – یکی هم اولتر ومهمترتمهید تالیف و ترتیب تاریخ خر قه‌مشرفه‌متبر که فکر مرا بیشتر به طر ف این حقیقت جلب کرد .و مطابـق‌باین حسن نیت صفحا ت زیادی‌را مطالعه نمود م و برای اینکه نتایج‌مطالعا ت و معلو مات خودرا بیشتر موثق گردانید ه دست نشربسپارم‌مصمم شد م که بوطن آبا یی خود قندهار عزیمت کرده بشرف ادا ی‌زیار ت و استند را ك خصو صیا ت آن بار گا ه پر بر کت و عز مـت‌برسم .

به تاریخ شنبه (بیست‌و پنج)برج حمل سا ل ۱۳٤۱ شمسـی (۱۰ ذیقعدة الحرا م ۱۳۸۱ ق‌۱٤ ـاپریل ۱۹٦۲م) از کابل به صو ب قند هار حر کت کرد م واز صبح‌دوشنبه (بیست‌و هفت) حمل به تحقیق آثا ر آغاز کرد ه و نتایـج‌معلوما ت و مطالعا ت قبلی خود را با این ازدیاد معلوما ت جدید افزوده‌اثر ی بو جود آورد م .

انجمن تاریخ وزار ت معار ف به‌تعداد پنجصد نسخه در مطبعه‌دولتی کابل طبع و نشر نمود .

ومتاسفانه که نسبت قلت‌تعدادوهم اینکه (۲۱) سا ل از طبع اول آن می گذرد امروز نسخه یی از آ ن‌دستیا ب نمی گردد وخو شبختم‌که این فر صت مسا عد مژد ه داد تابه‌خواست اوتعا لی جل‌علی شا نـه العزیز ـ به تعداد کثیر طبع وبدست‌عمو م دیانت پرستا ن برسد .

تاریخ خر قه شریفه را هم بـه‌حیث يك مجمو عه مقدس از یادگار ها ی دینی و هم به حیث يك نشانه‌فاتحا نه از يك دور ه بز رگـك

اسلامی و افغانی که آخرین حد نبوغ عسکری و سیاسی خودرا در راه حصول استقلال کامل وتشکیل وتاسیس یك امپراتوری جدید اسلامی در میان تمام ملل آسیاهمد را ن عهد انتقال خرقه معظمه ثابت کرده است .از هرنگاه به حیث و ثیقه درجه اول تمام افتخارات دینی و اجتماعی به‌دست نشر می سپاریم .

وصول خرقه معظمه در کابل وقندهار ـ واین موهبت عظیم خداوند کریم به مردم مسلمان افغانستان یك زیارتگاه ، بزرگ ویك مرکزیت جدید اتحادو اتفاق بخشید و هر فرد مسلمان امید دارد که اوتعالی جلت عظمته به برکت روحانیت صاحب این خرقه مبارکه این ملت با دیانت را از همه آفات زمان محفوظ دارد . واین ملت را تامادام القیام درسایه شریعت اسلام پابند احکام دین و حبل المتین قرآن واین مرکز صلح وامید گاه قدیم عالم اسلام را به طور دایم شاد و آباد و آزاد داشته باشد .

سر قهرمان ملی افغانستان ـ احمد شاه افغان که اتحادواتفاق عموم اقوام و قبایل مسلمان راجدامدنظر داشت ، کوشش بسیار او این بود که یك مرکزیت بزرگ امپراطوری اسلامی افغانی رادرقلب آسیا بوجود بیاورد .

وتا چنان شد که بر حسب حسن اراده و حسن نیت آن غمخوار خلق الله خرقه مطهره حضرت سید الانبیاء که در سنه (۱۱) هجری قمری به ابی عمر و اویس بن عامر القرنی رحمته الله تعالی علیه رسیده و بعد ازوی به مروردهور در بغداد و سمرقند و بلخ وبدخشان موصول نموده پرتو نزول برکات داشت ـ در اواخر سنه ۱۱۱۸ هجری قمری به کابل این خطه پر آب و گل رسید و از خطه کابل در مرکز امپراتوری افغانستان (قندهار سر زمین پیشرو فاتحین اسلام واولین خطهٔ اعتلای رایت استقلال افغانستان درسنه ۱۱۸۲ قمری پرتو وصول نمودوتا امروز زینت افزای تمام بلاد کشور عزیز افغانستان است .

موجودیت خر قه واجب الا حترام‌حضر ت سید الا نا م (ص) برعلاوه
قد سیت وبر کت دینی که بـرا ی‌تمام عالم اسلام دارد ـ حسن‌ادا ی
خدمت و تولیت آ ن برای ملـــت‌مسلما ن افغانستا ن یك سندنهایت
موثق افتخار نا مه عسکر ی نیـــزباقی مانده و تا ماد م القیا م باقی
خواهد ماند .

زیار ت خر قه شریفه در قندهارمقدس ترین مرکز اتحاد و اتفا ق
ملیت های مسملا ن افغا نستان راتشکیل داد ه است و ملت مسلما ن
افغانستان که همیشه رو ی امیدبه‌آن‌آستا ن مقدس دارد به حکم (وشاور
هم فی الامر) برای مشور ت درامورخیر و منافع دینی و ملی بدور آ ن
زیار تگا ه اجتما ع نمود ه دست‌دعـا بر داشته و بر میدارند. واز
روحانیت صاحب خر قه استمدا دجسته قو ت سرباز ی وفداکار ی
رابرا ی حفاظت دین ووطن‌واستقلال‌می جویند .

در اواخر بر ج حمل ســـا ل۱۳٤۱ شمسی در این ایا می کــ
مصرو ف نوشتن خر قه شریفـــه‌بود م . محمد حق آخو ند زاد ه
متولی گفت :

از داخل این زیار ت و قتی یك‌تعداد کتا ب هارا سر قت کردند
از شنید ن این سخن سخت مشوش‌ودچار اندیشه شده گفتم : نها یت
دقت و کوشش شود تا خدای نـــاخواسته از طر ف کدام جمعیت‌فاسد
وتحریك شده از خار ج ،دستبرددیگر ی در این مقا م‌مقدس رخ‌ندهد
چو ن متو لی موصو ف سه بار وباتاسف بسیار این حکایت نمود
حین باز گشت خود بکابل به مقامات‌بزرگ خبر داد م . و مقصد ازآوردن
این رمز برای آن است که دســـت‌ناپا ك دشمن اسلام در مقا مات‌مقدس
هم گا ه گاه دراز میشود و حتـــی‌به قتل و جر ح افراد صالح نیـــز
مرتکب میشود . وموا ظبت هر چه‌بیشتر لاز م است .

اسناد مندر ج این کتا ب ، هـم‌اسناد تاریخ خر قه و هم اسنـــاد
ثبو ت علایق نهایت زیاد مـــرد م‌افغانستا ن در امور مقد ســا ت و

حاو ی هر گو نه معلومات درخصوص معرفی نام هـــای صاحبان ادارات
بزرگ دولت و حکومت و مسوو لین امور حسابا ت دفاتر موجود ماند
است بدون کم وکاست عینا نقـل گرفتم چه برای معر فی نا م های علم
ونویسنده گا ن یك تاریخ نا مــــه علمی و ادار ی نیز شنا خته میشود
ودر هر مساله حق به مرکز خودقرارمی گیرد .

* * *

شنوا ل المکر م سنه ۱٤.۷هجری قمر ی (مطابق جو زا ــ سال ۳٦٦
هجر ی شمسی)

کابل ــ افغانستا ن

عزیز الدین و کیلی پوپلزا یی

خرقهٔ شریفهٔ نبویه (ص) در (قندهار)

این همان خرقه مطهره است که حضرت محمد مختار (ص) و هم اهل بیت اطهار آنرا بدستان مبارک خودشان دوخته اند و حضرت خاتم المرسلین صلی الله علیه وعلی آله و اصحابه وسلم در اواخر عمر مبارک شان به برمی کردند. در حجت الوداع و وقت مریضی و حالت موت دربدن مبارک شان بوده و در لحظات اخیر زندگانی به امیر المومنین عمر رضی الله تعالی عنه وامیرالمومنین علی رضی الله تعالی عنه وصیت فرمودند که این جامه را به (ابی عمر و اویس بن العامر القرنی)(۱) که نادیده برمن عاشق شده است بسپارند. پس از ارتحال سردار انبیاء صلی الله علیه و علی آله و اصحابه وسلم، قرار امر مبارک حضرت رسالت، حضرت عمر فاروق (رض) وحضرت

---

(۱) معنی آن در صفحات مقدمات این کتاب مطالعه شود.
(وکیلی پوپلزایی)

علی بن ابیطا لب (رض) خر قـــه‌مبار که رابه سید التابعین او یس
بن العا مر القر نی سپردند .
آن دوست خداو ند تبار كوتعالی‌جل علی شانه پیش از آنکه خر قه
مطهر ه را دربر کند دور کعت‌نمازشکرانه بجا آورد و طلب آمرزش
امت حضر ت سردار کائنا ت نمودوخر قه معظمه را شفیع آورد .ت
وقتی که ابی عمرو او یس بن‌العامرالقر نی حیا ت داشت . لباس‌واجب
التعظیم حضر ت النبی الکریم‌صلی‌الله علیه وسلم را دربالای سر خو
نگاه میدا شت . پس از ارتـحا ل‌اویس بن العا مر القرنی بند گان
خاص حضر ت پروردگا ر (ج)خرقه‌مبار که را از ملك یمن‌نقـل داد
احترا ما و شر فا و تعظیما در غارحرا گذاشته‌و سالهای متمادی‌درآنج
به امانت و حفاظت بود تا آنکـــه‌شیخ الا و لیا قطب الا تقیاء دوس
محمد قدس سر ه مرد بزرگی ا زصلحا و قت بمژد ه آنکه خر قـــ
شریفه پیغمبر جلیل القدر اســلام‌وحضر ت رسو ل انا م است. آنر
باعزت و عظمت تمام از غار حـــرابرداشته در بغدادبه جهت زیار
کافۀ خلایق اسلام نقل دادو تازما ن‌سلطنت یلدر م بایزید (بن سلطا
مراد بن سلطا ن ار خان بن سلطان‌قرا عثما نلو) و تا زما ن ظهـو
قدر ت ابوالمنصور امیر تیمـــورگورگا ن که فاتح ملك بغـــدا
گردید (۱).
پر تو نزو ل داشت و اجمــا ع‌مسلمین ساکنین بلاد عرب و عج
به جهت تقدیس و زیار ت‌و صرف‌صدقا ت زر و مال بگرد آن‌اما ن
بابر کت اعطا ی حضر ت رب‌الجلیل‌می شتافتند . حجا ج افغا نستا
در زما نه های قدیم این خر قـــه‌شریفه را در مکۀ معظمه و بغداد
زیار ت کرده بودند .

---

(۱) خبر و رود امیر تیموردر بغداد تفصیل زیاد داردوبحـــ
جدا گا نه است . واما قسمتی ازآن‌را در ضمائم تاریخ احمد شا هـــ
آورده ام .
(وکیلی پوپلزایی)

درو قتی که جنگ تیمور بـــارو میه اختتا م یافت امیر تیمو ر
سر ف زیار ت خر قه شریفـــه حضرت سرور کائنا ت (ص) شتافت
شرف تو لیت آن امانت مقد س ومتبر ك رابر ذمت خود لاز م دیده
وفق آخرین تمنا ی خود که ادای تعظیم وایثار مال و جان رادربدست
ورد ن آن لباس بهشتی اسا س ازهمه اشیا و نوا در اهم والز م شمرده
رد ـ حین باز گشت از سفر بغداد باکسانی که در عرا ق عر ب بشر ف
شهدا ر ی آن امانت مبارك اتصا ف خدمت تولیت داشتند، باخود برداشته
بغداد به شهر سمر قند پایتخت ملك خودرسانید.(۱) وبرای حفظ و
حترا م آن امانت منحصرو مطهر عمار ت عالیشا ن بصر ف زر کثیر
یاد کرد و در سقف عما رت چندین قندیل مطلا که قبل از فتح بغدا د
در گر فته بود سا خته نصب کرد. وقریه ده بید را برای صر ف نذورات
مصارف متولیا ن و خوا جگــا ن آن آستا ن و قف کرد و چندتن
سادا ت عالی مقا م سمر قند راکه در ورع و تقو ی شهرت دا شتند

---

(۱) تیمور از قبیله بر لا س این طرف رود جیحو ن و در سنه ۷۳۶ ق
دنیا آمد و درسنه ۷۷۲ ق در خطه بلخ جلوس نمود و بعد سمر قندرا
رکز دولت خود قرار داد . صو ل امیر تیمور در بغداد و نقـــل
افتن خر قه شریفه از بغداد بــه ماوراء النهر درسنه ۷۹۵ ق و ۷۹۶ ق
ست . مذکور (سی وپنج) ســا ل سلطنت کرد و در سنه ۸.۷ ق در
هواز واقع هفتاد فرسخی سمر قند به عمر (هفتادویك) سالگی وفا ت
یافت .
چون مرکز دولت او سمر قند بودخرقه شریفه را در سمر قنـــد
گذاشت .
متولیا ن بغداد ی باآنکه فیض حفاظت آن گنجینه کرا مت راداشتند
ما امیر تیمور گور گا ن برای اینکه از فیوض و بر کات آن لباســـ*

زنگا ه اعتماد که مبادا توســـــطمشایخ بغداد ی از جا بیجا گرددویا
ینکه مشایخ مذکور واپس بو طـنخود نروند ـبشر ف تولیت آنمقرر
رمود . و تاسنه ۱۷.٤ هجریقمریدر همانجا بود .

درسنه مذکور ابوسعید او غلانحمکرا ن ترکستا ن شر قی کهآنرا
ز بنا ئر امیر تیمور گورگا ن میشمردند توسط (۱) شیخ محمدحبیب
وشیخ محمد نیاز خواست که خرقهشریفه را از سمر قند بهترکستا ن
چینی ببرد . در همین و قتشیـخآقا محمد و شیخ نظر محمدموقع را
غنیمت شمرد ه آن لباس مقد سومتبر ك را درسنه ۱.۷٤ هجـر ی
قمری به بلخ (یکی از شهر هــاوولایا ت معرو ف افغانستان)رسا
نیدند تا از تصر ف ابوسعیداوغلانحمکرا ن تر کستا ن چینی محفو ظ
بماند . خر قه شریفه توسط آ ندونفر و تاسنه ۱۱.۹ قمر ی زما ن

---

*بهشتی اساس مردم مسلمانخطۀماوراء النهر را خو بتر مطلـــع و
مستفیض بگرداند ، از عرا ق عرب به ماوراء النهر آورده درسمرقنـد
عمار تی برای نهاد ن آن بـــــــرافرا شت .

ماوراء النهر ـ ولایتی اســـــتبزرگ ـ شر قی اش فر غا نه ـ
غربی اش خوارز م ـ شمالی اشتاشکند ـ جنو بی اش بلخوسمرقند
ومقصد امیر تیمور هم همین بودکهاین اقلیماز پر تو نزو ل خر قـــه
پا ك سید لولا ك زینت و رفعـــتبزرگتر از سابق داشته ویكنشانه
دین دوستی و دیانت پرستی مردمماوراء النهر ازین طریق نیـــــز در
تاریخ آن سر زمین باقی بماند .

(۱) او غــل به مــعنی پسر و او غـلان جمع آن ا ست
چنانچه سیاد ت خا ن مشهور بهسید اوغلان شخصی درهندوستا ن
در عهد امپراتور ی احمد شاهدرانیزندگی می کرد و ممکن همین وجا
تسمیه درست باشد ، اوغلیمنسوب به اوغلان که نا م قو میســت ا ز
ازبیك .

(عزیز الدین و کیلی پوپلزایی)

حکو مت سبحا ن قلی خان‌در بلـخ‌شریف امانت داشت .

درسنه مذکور شیخ محمد ضیاءوشیخ محمد نیاز در این و قتی که حکومت بدخشا ن به میر یار بیگ‌تعلق داشت ، بکدا م منظـــو ر میخوا ستند خر قه نبو یه را ازراه‌بدخشا ن و چترا ل عبور داده بـه هندوستا ن ببرند . حین وصو ل‌به توابع بدخشا ن قریب کوتـــل دوراه‌ـــاین خبرـــبه میر یاربیگ‌رسید واو بلا درنگ ملازما ن خود رابه تعقیب متولیا ن (خواجگا ن)مذکورفرستاد واز سر کوتل دورا ه بـر گردانید ه در جوز گو ن قلعه بنـــاکرد ه خودش گذاشت که تاریخ‌پرتو وصو ل آن امانت مقدس در قلعـــه‌جوز گو ن بدخشا ن یکشنبـــــه (بیست‌و چار) شهر محر م الحرام‌سنه (۱۱.۹هجری قمر ی) است .

میر یاربیگ (اورا میر یاربیگ‌ولی‌می ستایند) . چو ن دانست که‌به تحقیق خر قه مطهر ه نبو یه(ص)با لای اشتر سفید بار است، نقل دادن آنرا تو سط شیخان مـــذکورکه ممکن بر همنونی کدام یـــک‌از اربا ب قدر ت ملك هند و یا بـــه‌منظو ر مفاد خودشا ن نقل داد ن‌می خوا ستند قطعا اجاز ه حر کت نداد.ومصلحت برا ن رفت تا خواجگا ن سمر قند ی که اجداد شا ن‌از زمان‌امیر تیمور تا این زما ن به خدمت تولیت خر قه شریفه ثم به‌ثم بسربرده اند ـ دراین و قت خوا ه از ضیقی معیشت و یا کمتر غفلت‌مردم‌در اداء (۱)حرمت آن امانت بزرگ

---

(۱)میر یاربیگ متو فی سنـــــه۱۱۱۸ قمر ی معاصر سبحان قلـی والی بلخ و ابو الغاز ی خان امیـــر بخارا است . قلعه جوز گو ن‌بد ـ خشا ن در عهد همین شخص بنـــا یافته و مذکور پس از مدت پنجا ه سا ل حمکرانی جوز گو ن و فا ت یافت .

میر سلطا نشا ه و میر محبو ب‌شاه جا نشینا ن او با دولت‌امپرا ـ تور ی احمد شا هی هم عصر میرمحبو ب شاه به همراه محمل خرقه شریفه درسنه ۱۱۸۲ قمر ی واردکابل شد .

میر یاربیگ سوا ی مراد بیگ‌امیر بخارا است که اشتبا ه‌نشود .

(وکیلی)

مبادر ت باین حر کت ورزیده‌اند ،برای بودو باش شیخا ن مذکور ،
در جوز گو ن جایگیر تعیین گردد ،وبرا ی گذا شتن خر قه مبار که د و
داخل شهر جای منز ه و مناسب بناءنماید و خواجگا ن حا مل خر قـه
بدستو ر ماکا ن به صفت شیـــخ ومتو لی و صا حب الد عوا ت برقرار
باشند .

ودراین راه مساعی تمام به کاررفت و میریار بیگ که مرد متدین
وصاحب قدرت وو زیرش آدینه‌محمددیوان بیگی که اونیز به اوصا ف
بذل و بخشش موصو ف بود د رادای این خدمت کمال اعتقادواحترام
واخلاص به جا آوردند . ودهـــــم حصه غله اها لی شهر جوز گو ن
راو قف خر قه معظمه نمودند .ودرظر ف دوسا ل به حوا لی زیارتگاه
عمارا ت جدید احدا ث گردیدوشهر جوز گون را ا ز تـــاریخ یکشنبه
(بیست‌و چار) محرم الحرا م سنه۱۱۰۹قمر ی فیض آباد نا م گذاشتند
وقطعه نظم آتی شاهد آن حقیقـــت‌است :

خر قـهٔ پا ك سعید عر بـی		میدهد از ریاض جنـت یا د
در هزار و صدو نه از هجرت		محمل او به جوز گون افتا د
جوزگون گشت لایق این‌فیض		زا ن سبب نام گشت فیض‌آباد

* * *

از پر تو و صو ل خر قه شریفه‌شهر جوز جو ن بنا م فیض آباد تا
سنه ۱٤۰۷ قمر ی (مطابق ۱۳٦٦شمسی) در افغانستا ن مشهور و
معرو ف ماند ه است .

جوز گو ن ــ به زبان در ی ممکن‌چهار مغز رنگ مقصد باشد ــ چه
جوز معر ب گوز واصل اسم منطقه‌مذکور گوز گو ن یاد شده است .
در همه حا ل چو ن خر قه پـــا كسید عر بی مدت(هفتادودو) سال
همد را ن جابود قابل احترام‌است.

فیض ــ به معنی بسیار شد ن‌آب‌رود و ریختن آب و خیر بســیا ر

وفاش شد ن خیز و نام فیض آباد در خور شا ن آن شهر خیلی به جا است .

میا فقیر الله شکارپور ی نقشبندی (متوفی سنه ۱۱۹۵ قمر ی) دربرابر سوال صو فی مولا داد قند هار ی که در شهر محر م الحرا م سنه ۱۱۸۳ قمر ی از آن عالم فاضل ومور خ معلوما ت خواسته است . موصو ف در مکتو ب هفتاد و چهار م از مکتو با ت خویش درباره خر قه شریفه به زبا ن عربی توضیحا ت داد ه وحتی از کسانی که خرقه پوشی نموده اند نیز یاد کرده است .

خر قه شریفه عبار ت از یک جا مهٔ ضخیم پشمی است که اصطلا حا آنرا قاقمه (۱) پشمی یاد کرده اند . هردو آستین مبا رک از طو ل دا من کو تا ه تر است . ازپشم ناز ک خالص اشتر بود ه رنگ مبار ک آن آسما ن گو ن است. برق وتجلی خاص دارد . به تناسب قامت انسا ن کو تاه به نظر می آید. استروفرا ویز (سنجا ف دا من) ندارد. دو بر پیش رویش نسبتا ژو لیده وتوسط رشته پشمی دو خته شد ه است . و چیز ی که انسا ن را به آخرین حد به حقیقت آن معتقد می گرداند همینکه لباس پشمی درمرورچهار ده قر ن حفظ شده و آسیبی به آن لباس پشمی نرسیده است .

درسنه ۱۰۷٤ قمر ی و قتی که خرقه شریفه از سمر قند برداشته شد . محل مبار ک آنرا زیا ر ت سخی شاه مردا ن نام گذاشتند . ودربعض ما خذ بیان شده که آنجارازیارت خوا جه خضر یاد کرده اند .

---

(۱) قاقم ـ بضم قا ف دوم ـ جانوریست که پو ستش بغا یت سفید وملایم باشد واز آ ن پوستین مـی سازند ـ و لهذا هر لباس خو ب و نفیس و بهتر را بدا ن منسو ب کرده اند .

اصطلا حا قا قمی و یا قاقمه یی یاد کرده اند و یاد می کنند و این اصطلاح در قدیم بسیار مرو ج بوده است .

(وکیلی پوپلزا یی)

واین برای احترا م همان مقـــــا م‌است .

در تاریخ حسین شاهی و تاریخ‌احمد نوشته است که : قندیل های طلا که امیر تیمور گور گا ن‌برای‌عمار ت خر قه شریفه در سمر قند وقف کرده بود تا عهد مراد بیگ‌خان موجود بود.و مذکور قندیل های مطلا راکه در سقف گنبد باقی‌بودازجابر کنده به علما و فضلا تقسیـم نمود . یعنی این و قتی بود که‌خرقه‌مبار که در افغا نستا ن پر تونزول وبرکا ت نمود .

معانی لغات

در صفحات این کتاب بعضی‌کلما ت مقد سه عر بی دیده‌میشود که تر جمه آن ضرور است :

خرقه ـ بالکسر جا مه پارینه وکهنه پارهٔ دو خته .

حرا ـ بکسر اول کو هیست به‌مکهٔ شریفه که حضر ت رسالـــت پناهی صلی الله علیه و علی آلـــه‌وسلم ـ پیش ا زنبو ت‌چند روز که‌در غار آن کوه به عباد ت مشغو ل‌بودندوحرا به معنی سزا وار ی .

تولیت ـ والی گردانید ه و پی‌درپی شد ن و عمل داد ن به کسی‌و ذمه وار ی .

متو لی ـ برسر کار باشند ه ودوستی دارنده .

والی ـ دوست و حاکم ومالك و به معنی خویش وقریب .

حجت الودا ع ـ حجت الودا ع‌عبار ت از حجی است که بعد ا ز ادای آ ن حضر ت نبی علیه السلا م‌با امت خویش وداع کرد وو فا ت شد .

چو ن این خر قه مشر فه متبرکه‌در دورا ن‌اخیر حیا ت بابرکا ت و

آن مبارك بوجود موجودات ومفخر كائنات سرور حضرت مريضی ام
ايام آن به مربوط اساس بهشت لباس اين بود می المختار سيد
كه است الثقلين سند و لكونين سيدا حضرت ی صايا و خرين
متبركه منوره خرقه آن خدمت وشرف ی هدار درنگا قهرمان هار ند
درساحه افغان ملت بزرگ ی سرافراز وسيله واين . دارد ر فتخا
مسلمان مردم دينی امتياز جهت به نشان مينو گلستان آن باغ روضه
استقلال شكوه از ی ياد ابد صبح وتا دارد ل تونزو پر جهان گوشه اين
ايقان و ق صد با م ومرد ميدهد ين متد ملت اين اجتماعی و دينی
مارا در راه تدين و تمدن اسلا می راهنمايی وارشاد ميفرمايد .
ونهر شاهی قندهار كه بعدانهر روضه باغ ياد شده و از سنه
۱۱۸۳ قمری و قف خدام زيارت وصرف صدقات جاريه گرديده
است به قرار اين اوصاف ميتوان از روضات جنتش به حساب
آورد .



* * *

دولت خدا داد ــ در اسناد دولت افغانستان مندرج اين كتاب جمله
(دولت خدا داد) مكرر ديده ميشود. بكار بردن اين جمله برای آن بوده
است كه استقلال كامل افغنستان را نشان ميدهد يعنی دولت افغا ــ
نستان را خدای بزرگ به ملت افغان اعطا كرده و در تاسيس و
تشكيل موجوديت سياسی اين سر زمين مستقل دست دخالت
ديگری شامل نبوده و اين ملت مسلمان خودرا مديون احسان كدام
دولت غير نميداند

اویس قرن

اویس قر ن ـ بضم اول و فتح واووقا ف وراء مهمله هردو مفتو ح ـ ناو لی کا مل منسو ب به قر ن ـچه قر ن بفتحتین نا م قبیله است در ملك یمن و به سکو ن را بخواند ن غلط است .

قرن ـ پدر قبیله ایست از یمن واو یس قر نی از آن است .واصل کنیت و لقب آن ولی کا مل در کتب معتبر باین عبار ت نوشته شد ه : (ابی عمرو اویس بن العا مـــــر القر نی).

اویس قر ن ـ که در عصرمبارك حضرت سرور کائنا ت و مفخـــر موجودا ت میز یست ـ اولین شخصی است که خر قه مبار که نبو یه(ص) برحسب امر و وصیت حضـــر ت رسول اکر م (ص) بدست اورسیدو آن ولی کامل از نهایت حر مت وآداب واحترا م تازمانی که حیـا ت داشت ،خر قه متبر که نبو یه را ،بالای سر خود نگاه میداشت .و هر لحظه تقدیس و تکریم و افتخار می نمود .

وشاعر ی در وصف آن و لـــی کامل گفته است :

عمر ها باید که تااز پشت آد م نطفه یی

بو الوفای گرد گردد یا شو دا و یس قر ن

یعنی این خر قه شریفه که ازسنه ۱۱۸۲ قمر ی تاسنه ۱٤۰۷ قمر ی د رمرکز قندهار پر تو نزو ل و بر کات دارد . ابی عمر واویس بـــن العا مر القر نی ـ در سنه (یازده)هجر ی قمر ی به زیار ت آن مشرف

شد ه و تا خاتمه عمر به شــر ف‌تولیت ونگاهدار ی آن مزید افتخار داشته است . چو ن هجرت حضرت‌رسو ل اکر م (ص)از مکه معظمه به مدینه منور ه ابتدا تاریخ هجر ی‌قمر ی وسنه (۱) هجری مصاد ف است به سا ل ۶۲۲ میلادی عیسوی‌ورحلت حضرت سرور کائنات«ص» سنه (یازده) هجر ی قمر ی‌مطابق‌۶۳۲ میلاد ی است . باین قــرار معلو م شد که خر قه متبر که د رسنه (یازده) قمر ی در ملک‌یمن برای اویس قرنی رسیده است .

پرتو وصول خرقهٔ نبویه در علی آباد کابل

چنانکه مذکور شد خر قه‌شریفه‌از سنه ۱۱.۹هجر ی قمر ی تاسنه ۱۱۸۱ هجر ی قمر ی در مدت (۷۹)سا ل در فیض آباد بدخشا ن‌پرتو نزو ل و برکا ت داشت تا آنکه دراواخر سنه ۱۱۸۱هجر ی قمـــر ی مطابق حسن نیت واراد ه دیندا رانه‌احمد شا ه دلیر امپرا تور افغانستان کبیر ـ توسط شاه و لـــی خان‌اعتماد الدو له بکابل انتقـــــا ل داد ه شد .

امور ادار ی ونظا می وسیا سی‌ولایا ت شما ل افغانستا ن‌از سنـــه ۱۱٦۳ هجر ی قمر ی (مطا بـــــق۱۱۲۹ شمسی) توسط مخلص خان درا نی پوپلزا یی در مرور پنج‌سال‌تنظیم و تحکیم یافت .و چو ن‌شر ح مکمل داستا ن های نظا می‌وسیاسی‌در پیرا یه صفحا ت این اثر مبارك گنجا یش ندارد . حذف واختصا رنمود ه و مخصو صا متون و اسناد وياد داشت های مربو ط به تاريـخ‌خر قه شريفه را ازنظر می گذرانيم وبدست نشر می سپاريم .

به طوری که مطالعـــــه شدچون‌خر قه شريفه نبو يه‌چند بارودرچند جا احتراما نقل داده شد ه و اينكه‌در اين دور ه امپرا توری احمدشاهی ازاثر بعضی حركات كه ا حتـمال‌مير فت حقو ق حرمت ارباب‌خدمت توليت به طور شايد در ست ادا ءنگردد و هم مبادا خر قه شريفـــه

بجا ی دیگر نقل داده شود-احمدشاه‌درانی که شهر جدید قندهار رادر سنه ۱۱٦۹ هجر ی قمر ی بنـــا گذاشته و اشر ف البلاد موسـو م سا خته بود از نظر نهایت حرمت‌وحسن ادا ی امانت منا سب دیدکه خر قه واجب التعظیم حضـــــر ت‌رسول کریم صلی الله علیه وعلی‌آله واصحا به وسلم که در شهـــــر جوز گو ن (فیض آباد) بد خشان از عهد مر حو م میریار بیگ ولی‌تا این زما ن (سنه ۱۱۸۱قمر ی) پرتو نزول و برکات دارد درمرکزامپرا تور ی جدید افغا نستـــا ن نقل داد ه شود . زیرا که‌در خلا ل‌این شهور در و لا یات شمال‌افغا- نستان بعضی مصادر اختلال وجودداشت و اندیشه برا ن بود تاخرقه معظمه از فیض آباد بطر فی نقـل‌داد ه نشود . و چنانکه قوا ی‌نظامی افغانستا ن مصاد ف بهمین‌اوقا ت‌برا ی تنظیم امنیت داخلی‌و ممانعت از تحریکا ت ومداخلات خار جـــی‌سخت مصرو فیت داشت .

چو ن احمد شا ه غا ز ی- ایا م‌تابستا ن -خزا ن - زمستا ن‌سال ۱۱٤٦ شمسی (مطابق سنه۱۱۸۱قمر ی) را در کابل گذ رانید . در برج حو ت سا ل مذکور (شو ا ل۱۱۸۱ ق-فبرور ی ۱۷٦۷ م) شا- هزاد ه سلیما ن دو مین پسر خودرا از قندهار بکابل طلب نمود .و او در بر ج ثور بکابل رسـیـد .احمد شاه دلیر که به جهت‌وارسی احوا ل و لایا ت شما ل افغانستان‌خود شخصا نیز مصمم حر کت‌بود، بعد و رود سلیما ن بکابل هشت‌روز دیگر توقف کرده به تاریـــخ (هشت) بر ج جو زای سال۱۱٤۷شمسی (یازد ه محر م ۱۱۸۲ ق- بیست‌و پنج می ۱۷٦۸م) از کابل‌جانب چهاریکا ر مرکز و لایت‌پروان حر کت نمود . و به تاریخ(ده)جوزاسر دار شاه ولی خان (۱) را بـــا

---

(۱)قواء نظا می قبل از اعزا م‌شاه و لی خان‌با می زا یی‌مصروف تنظیم و لایا ت شمال و تحت‌اداره‌دیگر رجا ل افغا نی خدمت مـــی کردند وو صو ل شاه‌و لی خا ن‌به‌آن‌سمت تاثیر بیشتر بخشید .
(وکیلی)

فوجی برای تنظیم ولایـات شمـال افغا نستـان فـر ستاد و خود ا
چهاریکا ر بکابل باز گشت . و دربرج سر طان (صفر ۱۱۸۲ق) ا
شهر کابل فرمان فرستاد که‌خرقه‌مبار که بکابل نقل داده شود .
محمود الحسینی و قایع نگاربا ین‌عبار ت نوشته است :(ازکابل‌فرمان
بسرافراز ی شاه و لی خان‌عزصدوریافته مقرر شد که خر قه متبر کـ
صدر نشین صفه اصطفا اعنی سالاراتقیاء و سرور انبیا را که آن‌حضرت
درایا م حیا ت بابرکا ت‌به خوا جه‌اویس قر نی نور الله مر قد ه‌مرحمت
فرمود ه بود . واز آ ن زمـــان‌الی ا لان بتداو ل در مملکـــت
ترکستا ن به ولایت بدخشان‌رسیده‌بود ـ با عزاز و اکرا م تمام‌برداشته
در دارالسلطنه کابل آورد. شاه‌ولی‌خان که حصا ر بدخشا ن را بـ
حیطه تصر ف و تسخیر در آورده‌وبرادر سلطانشا ه وا لی آنجا را
دستگیر کرد ه بود به مجردرسیدن‌فرمان ـ خر قه متبر که آن جنا ب‌را
برداشته و از جمیع طوا یف‌اوزبك‌نوكر گر فته بابرادر سلطا ن شاه
والی بدخشا ن در شهر کابـــل‌معاود ت نمود و تار ك افتخـــا ر
باعتبا ر سر افراز ی بسا ط بوسی‌براو ج طار م سود).

حقیقت چنا ن است که شاه‌و لی‌خا ن بعد از اعزا م شش هزا رفوج
که قبلا برا ی انتظا م امنیت‌ولایا ت‌شما ل افغانستا ن فرستاده شده
بود . فر ستاده شد .

وشش هزار فو ج دیگر که قبلااز قند هار به طر ف هرا ت‌وفاریاب
به همین مقصد سو ق‌داد ه شد ه‌بود . تاکید و رود ووصو ل هردو
قو ه د رمحا ل مورد نظر برا ی،همین بود که سر حدا ت قلمـــرو
شمالی افغانستا ن را انتظـــا م‌واستحکا م بدهند و تمهید این‌لشکر
کشی ها قبلاگر فته شده بود .احمدشاه امپرا تور دستور داد که فو ج
قند هار از رود مرو عبور نمود ه‌نقا ط مورد نظر را انتظا م بدهد و
فو ج کابل درنقا ط مورد نظـــــربرسد .

والبته تما م این سو قیا ت برای‌حفظ امنیت و حفا ظت خاك‌ازمدا ـ
خلات خار جی بود .

شاه‌و لی خا ن پیا م حکو مـت‌قوقا ن را که در بخارا بنا بد عوت
شاه مراد خا ن وارد شده وامیدورودبه حضور امپراتو ر احمد شــاه
بزرگ داشت . به کابل فرستا ده‌چو ن نماینده حکومت قو قــا ن
شخص رو حانی و رتبه اقضـــــی‌القضا ت و شیخ الاسلام داشت .
با او محتر مانه ر فتار شد . چو ن‌متن پیام مذکور در دست نیســت
مطا لبی بدست نمی آید. و تنهـا نقل سر صفحه و یاسر نا مه آن‌راکه
به خط محمد کلان خان عضد الدوله‌نقل بر داشته شده و د رجمله‌اسناد
مهم با قی مانده از نظر می‌گذرانیم .زیرا که این عنوا ن و القاب‌اهمیت
متن رانشا ن‌میدهد و برای‌موجودیت‌سیاسی واستقلال و مو قعیت هرچه
بیشتر مقام معنوی ا فـغا نستـان‌تاثیر بسیار دارد :

الحمدلله وحدهٔ لامعبوده سواه ـ من دادالمملکة الفاخرة النجارا الـى دادالسلطنة القاهرة ام البلادبلـخ بمحروسة احدمن الاقایم المعظمة الی جناب حضرت الامیرالجلیل الاصعدالامجد الاوحد الاسمی ا لا سنـی صاحب الشان الکثیرالدرجات مالك القدر الکبیرالبرکات سامی العظیـم البلادحامی الکریم العباد سعـادة السیدالخوانین السلیمانین المعظم امومن الممالك الساکنین المفخـم صاحب السلطنة القاهرة الملـوك الامم فخرالسلاطین الهند والعجم ادام الله ایامه الـزاهرة وافـاض علی الخلائق غیوث مکارمه الماطرة ولابرح الزمان بوجوده دائم المسرات الفتوحات والبلادآمنة مطمئنة تهمـی علیها بحسن انظاره سحب الخیرات امین .

انامن طرائق الرسالة علی التواصل المرادالجماعة الطرفین والاتفاق المملکة المکرمین ارجوالحضرتکم وعظمتکـم واشراف دولتکم باجازتکم بخیر عن المواسم المساعد الموافق احدمرة اتشرف ببلادالسلیمانیـة لخاص المدارج الحیة والمواحدة ولزیـادة الاماکن المقدسة وبشرف المصاحبة المبارکة فارجولمکارکم ان تفضلتم قبول ذالك وانکان دون القـدر الجناب سائـلاً الله یجـزیـك عن جزاء الخیر ویجعلك موردفضل واحسان وبعداهداء تحیات تبـادج فی سطور الطروس عبیرها ویشرق فی مطالع سماء الصحف منیرهـا تهدی الی مقامکم الاعلی وقدرکـم المعلی فالذی ابدیـه لحضرتکـم السعیدة العلیة الاعلی صانها عـن الزوال وجعلها محلاالمناط الامانـی والا مال والسلام فی شهودسنة الف مائة ثمانین (حد) .

از روی سنه معلوم میشود که این نامه قبل از ورود شاه ولی خـان نوشتة شده است .

محمد کلان خان عضدالدوله درختم نقل عبارت عربی مذکورنوشته است :

منقول از سرنامهٔ مبارکه دست‌آویز قاضی القضاة وشیخ الاسلام ایچی پادشاه اسلام پناه ولایت قوقانات ازدارالفاخرهٔ بخارای شریف بخدمت خاقان علیین مکان دارای‌دربان رضوان جایگاه احمدشاه پادشاه صاحب غازی رحمة الله‌تعالی علیه بحدود ترکستانات و تعویذات وادعیات نوشته مختوم‌ساخته ـ مهرمحمدکلان سنه ۱۲۱۷.

از جریانات اداری و سیاسی گذشته وخلص آنکه امپراتور افغانستان سرتاسر صفحات شمال ومنطقه های سرحدی افغانستان را تنظیم بخشید وبه قناعت مردم وهمسایگان پرداخت .

میرزا سنگ محمد مولف تاریخ‌بدخشان نوشته است :

(اعتضاد خلافت و فرمان روای اعتماد سلطنت کشور گشای وزیر اعظم دستور معظم نواب شاه ولی‌خان افغان که لسان الترجمان پادشاه بود صاحب اسرار وهمراز احمد شاه بنابر اهتمام سعادت منتظم از حصول مقصد اعلی ووصول بذریعه اقصی که ادراک آنرا سلطان بدون وجود آن وزیر باتدبیر محال دانسته از پیشگاه خلافت با قطاع توران و عبوربسر حد بدخشان محض به‌نیل سعادت از بدست آوردن و بدلوجان بردن خرقه متبر که‌مکرمه معظمه محترمه علی صاحبها الصلوة‌والتسلیمات مامور گردید .

در اسعد ساعات وا مجدا وقات با عساکر جرائر درانی وسپاه‌کابلی با اعلام عیوق سای وخیام مراحل‌آرای متوجه ترکستان گشته به ورود و افضای زوایای هزاره‌جات‌وتمامی امراء و حکام ازسردار بلخ و قباد خان وغیر همااز اعیان‌وارکان باستقبال شتافته و به ورود قندز قباد خان حصول این‌دولت را موجب شان وشوکت‌خود دانسته که از سابق ازین هم‌عرایض‌مشتمل بر استیلا و دست درازی امیر بمردم قطغن به خدمت‌پادشاه‌به دارالسلطنه کابل به توالی و تکرار مرسول داشته ووزیر معظم‌هم بالا صاله مامور به سمت بدخشان بود که آن راز مستورغیر از وزیر پادشاه احدی واقف



نبود و قباد خان آمدن وزیر راکه‌ازجمله کمك وامداد خود دانسته حرفی امیر را در میا ن آورده که‌انتقا م‌خود را دراین مورد از امیرسلطا ن شا ه خواهند گر فت ووزیر هـــم‌التماس اورا قبو ل فرموده بدریا ی عساکر نصر ت ماثر متو جه‌بدخشان‌گردیدند و مدعا ی خودرا مخفـــی داشته که مبادا آ ن بهشتی لباس‌را از جا ی بیجا ی سازند و ازحصول تمنا ی شا هنشاهی محرو م‌بمانند. چون رایات‌ظفر آیات نـــواب‌کار- میا ب باقشو ن نصر ت مشحـــون‌از ولایت تالقا ن عبور فرمودونصرت آباد را کسا ن امیر از پیشتـــا ز صر صر معسکر وا گذاشته روبـه عزیمت نهادند.

چو ن خبر واقعه به امیر سیـــدازکما ل غیر ت ومرد ی که‌ازوجود خود داشت درصدد آن بر آمدکـــه‌رفته درموضع ایمن آباد سر را ه برایشان گرفته یکی خود را به‌آنهابزنند که تارو مار نماید وسرکردگان این جر ئت را از امیر نه پذیرفتندکه منار ه در پیش کوه بلند ی‌بـر آورد ن و شمعی در پیشگاه آفتا ب‌افرو ختن‌چه صلاح باشد . باآنکـه اقسقا ل حیدر بیگ یفتلی که مردی‌بود سخن آور او به عرض امیـــر رسانید که اول فهمید ه شود کـه‌دولت خوا ه کیست ؟ در مقد مـــه ننگ و نا موس کدا می باما یاری‌می‌کند و بلکه خو بی خودرا کرده‌ایم که الحا ل جانبا ز ی تواند کردزیراکه‌بعد از ورود قلما ق‌کاشغر ی‌مردم بدخشی از نظر مر حمت اند کـی‌افتاده چندان سر گر می نداشتند. وازین سخن امیر فهمید که حقیقت‌چیست و علی الصبا ح که آفتا ب عالمتا ب لمعه پاش بسا ط زمیـــن‌گردید پیشر وا ن سپا ه وزیـــــر شاه و لی خان افغا ن رسید ن‌گر فتند واز تخت کوتل ریسکا ن تاسر پل چادر و خیمه زدند . وامیـــــرمحمد شا ه نیز ازین سو ی فو ج خودرا آراسته ومیخواست که‌بنا م‌نشا ن خود با هم ردوبدل نماید . فرقه فرقه از جانب امیر ازمـــردم‌ایلجار ی جدا گشته رو ی به‌خدمت وزیر شا ه ولی خان نهادند .

امیر هم بکار خود گردیده ه باتما می لشکر خود بجانب ایل
واسطه که مو ضعی است بین پساکو ه و چاه آب در غایت استحکام
بدانجا رفت .
وزیر شاه و لی خان خر قه شریفه راسعاد ت دارین دانسته باخود
گرفته دیگر چندا ن به سود وزیان بدخشا ن نپرداخت و آنجا که
مد عا بود رسید و تمنایی که داشت به حصو ل آن مشر ف گشت و با
خود میگفت :
شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر مقتضا ی همت خودکامران
شدم وبعد از تسخیر فیض آباد(...)را از جانب خود حاکم نموده مرا
جعت بدار الامان پادشاهی فرموده، امیر هم عزم فیض آباد نموده وارد
شهر گردید و آنرا که وزیر شاه ولی خا ن نایب الحکومه نموده به قلعه
فیض آباد مقرر کرده بود سلطانشاه به غیر حق جبرا به قتل رسانیده
وخود تکرارا به قلعه فیض آباد مقیم گردید).

* * *

چو ن در ج همه جریانا ت ازوظایف تاریخ دور ه امپرا تور ی
احمد شاهی است در اینجا اختصارورزیده ه و خلص آنکه منظو ر
امپرا تور احمدشا ه افغا ن اینکه :خر قه مطهر ه در داخل خاك مقدس
افغانستا ن و بیکی از شهر ها ی کوچك اطرا ف و مناطق سر حد ی و
در تصر ف یکی از حکا م ودر آنجا یعنی فیض آباد بدخشا ن بنابر
واقعا تی که در سر حدا ت قلمروآن سمت جریا ن وادا مه دارد د ر
معر ض خطراز جابیجا شد ن احساس میشود ، احتراما نباید گذاشت .چه
در صور تیکه تما می و لایا ت شمال این طر ف رود جیحو ن شامل
قلمرو سیا سی و ادار ی افغانستان است و حفظ جمیع امانا ت بزرگ
ومقد س تعلق بمرکز امپرا تور ی افغا نی دارد به قرار این حسن
نیت و آرزو ی عا مه مردم مسلمان افغا نستا ن بهتر است که آ ن

باس بهشتی اساس در جا یی که‌از دستبرد حواد ثخوبتر و دقیقتر
صوو ن و محفو ظ بوده محـــل‌استفا ضه برای عمو م زائرین‌اهالی
لایا ت باشد احتراما نقـل داد هشود . و طبعا قند هار وبالخصوص
ین شهر جدید آن که با مید ایـن‌مو هبت بز رگ واین عطیه عظیـمـ
وازد ه سا ل‌قبل(اشرف البلاد)نا م گذاشته شده است . شایا ن
ین شر ف و عظمت ودرخور ادا ی‌خدمت هر چه بیشتر در حفــظ و
نگاهداری این امانت لنگر ا فگـن‌هر هفت اقلیم دیده میشود وبایداین
مانت مطهر و مقدس به طوردایـم‌در همان مرکز بزرگ پر تو تجلی
ه جمیع اطرا ف‌قلمرو امپرا تور ی‌افغانی داشته وزائرین از هرولایت
رای ادای احترا م برسد .
وهم باید عهد ه تولیت این‌امانت‌پر از فیض وبر کت بدوش‌خدمتگار
الم اسلام احمدشا ه در درا ن‌باشدتا بتواند از جهت فتو ت این‌ملت
سلما ن باصد ق وایمان از عهده‌صرف نذو را ت وصد قا ت‌جاریـــه
وزمره و حفا ظت حقو ق اربـــا ب‌تولیت وموقو فا ت آن زیارتگـــاه
سبت به سایر اربا ب قـــدر ت‌وتمول خوبتر و بهتر بدرشود. »
(بقو ل تاریخ سلطا نی کـــه ازرساله تاریخ ابدالی نقل برداشته
ست) متولیا ن در شب اخیـــرصندو ق مبار ک‌را گشودند وموضع
ین الکتفین) خر قه مبارکه را ازمحل لمس مبار ك مهرنبو ت‌قطــع
وده از طریق آهن دره به بخاراشتافتند . واگر که احمد شـــاه
غا ن ازرو ی اشفاق ومراحم خاصی‌که در حق علما واتقیا داشت مـــی
واست خواجگا ن زیار ت خر قـه‌شریفه را از فیض آباد بدخشا ن‌به
سرف البلاد جابدهد ـممکن‌نشد .
ر و قت و صو ل محمل خر قــه‌معظمه از فیض آباد بدخشا ن‌بکابل

حترا ما منا سب دیده شد که د رخار ج ازحصار شهر در محل گوشه
رمنز ه و جا ی وسیع دامان کو ه گذاشته شود . (۱)ودر و قت پرتو
نزو ل خر قه شریفه ، در دامـــان سمت غر ب کو ه سمت شمال غرب
شهر که مشر ف به واد ی وسیع دشت علی آباد (ساحه پو هنتو ن
روزار ت زراعت حالیه) خیمه گاه سپا ه اعزا می ولایت بدخشا ن قرار
یافت و تا مد تی که خر قه نبو یه(ص) از برا ی زیار ت کردن مردم
طرا ف کابل در همین حصه (که بعدا زیار ت سخی شاه مردان نامیده
شد) گذ اشته بود وخیمه هـــا ی عساکر محافظ در اطرا ف آن ساحه
یعنی ارا ضی تحت کاریز علی آباداستوار بود واین عسا کر که د ر
تنظیم و لایا ت شمال وانتقـــا ل خر قه واجب التعظیم از فیض آباد
تاکابل خد مت کرده بودند خودرا خیلی ها سرافراز میدا نستند،واین
عساکر ی بود که در تمام لشکـــر کشی های عهد احمد شاهی اشتراك
داشتند و کار دید ه مردان مجا هدومبارز بودند .
قلعه وارا ضی علی آباد کابل به وزیر شاه و لی خا ن تعلق داشت.(۲)

* * *

مر حو م محمود طرز ی دروصف کابل گفته است :

افغانستا ن که دولت مختا ربافر است
کابـــــــل وراست مرکز و از جمله برتر است

---

(۱)دیوار های تاریخی شهر کابل تاآنو قت ها استوار و محیط بـــر
نوا حی شهر قدیم کابل بود .یعنی حصص خار ج آ ن دیوار اطرا ف،
شهر را خار ج حصار یاد می کردند.
(۲) علی آباد تا زما ن نوادگا ن وزیر شاه و لی خا ن در ید تصرف
آن خاندا ن بود .

در لفظ نام خوب وی ارآوری **نظر**
یا بی میان گل تو یکی آب چون گهر

کابل بود که تختگه دو لتست او
کابل بود که منبع هر عزت است او
کابل بود که هست به اسلام **از وامید**

زیرا که هر زمان زترقی دهد نوید

علی آباد

(اولین مقام خرقهٔ شریفه در کابل)



قلعه و باغ وساحه زراعتی موسوم به علی آباد در سمت شمال شرق چهار دهی کابل از مرور دوصد و بیست و پنج سال به همین نام مشهور است. دراین ساحه شاه ولی خان اعتماد الدوله زمین داشت. قلعه و باغ او در ساحه پوهنتون حالیه واقع بود (۱) در

---

(۱) محل پوهنتون و حصه یی از دارالمعلمین و مرکز تحقیقات اسلامی متعلق به وزیر شاه ولی خان و تازمانی که حافظ عطا محمد خان وحافظ غلام احمد خان پسران وزیر شیر محمد خان ابن وزیر شاه ولی خان حیات داشتند، مربوط آن خاندان بود و غلام رسول خان ابن غلام احمد خان تا هفتاد سال قبل ازامروز در حصه شرق دارالمعلمین حالیه قلعه و باغ داشت و قلعه کلوخک مشهور بود ودرسال ۱۳۲۵ شمسی تخریب گردید. کاریز علی آباد از ساحه جنوب ده نانه چی سر چشمه گرفته واز بین قریه جواد بیگ و قریه نوروزک به طرف باغ واراضی جریان می پذیرفت و اکنون هم جریان دارد.

اوایل سنه ۱۱۸۲ قمری وقتی که محمل خرقه مبارکه به کابل پرتو نزول نمود احتراما تصویب به عمل آمد که محمل خرقه شریفه در خارج حصار شهر و در دامان کوه در محل گوشه و منزه و دور از منازل گذاشته شود. و تاچندوقتی که زائرین از شهر واطراف کابل میرسند در همانجا مشرف شوند. چون زایرین به کثرت می‌شتافتند دروقت رو ز بالای سنگی که سوراخ دارد می گذاشتند وزایرین از سوراخ آن عبور می نمودند.

بعد از آنکه خرقه شریفه ازکابل به قندهار نقل داده شد (همچنان که محل قدیم خرقه شریفه درسمر قند بعد انتقال آن زیارت شاه مردان نام گذاشته شد.

بعد انتقال آن از کابل به قندهار، محل آن امانت مقدسه رانیز زیارت شاه مردان یاد کردند. و چنانکه درسنه ۱۱۸۷ قمری چاه آب نیزدر نزدیك آن حفر و درختان توت‌غرس گردید. و جلگه سمت غرب آن‌بنام چمن شاه مردان مشهور ماند).

واینکه خرقه شریفه توسط شاه‌ولی خان اعتماد الدوله از فیض آباد بدخشان به کابل نقل‌داده شد و هم اینکه کار یزوساحه زراعتی و جلگه سمت غرب آن اززمان خود و زیر تا دوره نوادگانش در تصرف آن‌خاندان وبه کمك‌آن خاندان قلعچه یی هم‌برای‌مسکن متولیان زیارت شاه مردان (۱)درنزد یکی آن تعمیر گردیده بود.

---

(۱)گنبد زیارت موسوم به‌سخی شاه مردان ـ در سنه۱۲۹۸ شمسی از طرف سرور سلطان‌علیا حضرت سراج الخواتین‌والده غازی امان‌الله شاه ـبه شکرانه‌حصول استقلال کامل افغانستان تعمیر گردید و درسال ۱۲۹۹ ش‌اتمام یافت. و قبلا محوطه یی از سنگ داشت. ودیگی از مس‌نیز تهیه نمود. و مفصل این گزارش را در دیگر صفحات نیزنوشته ام.

این افتخا ر برای آن خانواد ه‌باقی‌مانده . چراکه پسر ونواده گان وزیر هم در زمان خود مردا ن صاحـــب‌قدر ت بودند .

روایتی است در و قتی که وزیرشاه‌و لی خان و پسرش وزیر شیر محمد خان در نزدیك کاریز(پـــوهنتو ن حالیه) قلعه وباغ طـرح‌و احدا ث نمودند ، به همان حر مت‌این سا حه را علی آباد موسو م کردند . و البته این قصه ایست‌که از زبانها شنید ه در اسنـــاد نخواند ه ام . وهم روایتی است‌که‌شخصی علی احمد نا م یکنفرپهلوان در اینجا آبادی نمود ه وبنـــــا م‌اوعلی آباد مشهورماند ه است .اما مسکن گزید ن خاندا ن وزیر شاه‌ولی خان در کابل در گذر وزیـــر نزدیك بالا حصار واین سا حــــه پوهنتون کاملا محقق است.

وصول خرقهٔ شریفه

در قندهار

امپراتور بزرگ افغانستان احمدشاه درانی وصول خرقه مبارکه را در کابل منتج فیوضات غیبی و عطوفات لاریبی دانسته بعد از صرف صدقات و زیارتش با خود برداشت. یعنی خودرا مطلقا مسوول خدمت و نگاهداری و شرف تولیت آن دانست و کلید صندوق مبارك را شخصا به ید اختیار خود گرفت و در خارج حصار شهر کابل در محل گوشه و آزاد و منزه و امان کوه گذاشت ودستور داد که خیمه‌گاه عساکر محافظ در اطراف بعید آن استوار گردد و چند هفته از برای زیارت کردن اهالی شهر واطراف کابل گذاشت و محل آن در کابل همین جایی است که مردم سخی‌شاه مردان یاد می کنند.

وسال انتقال خرقه شریفه رااز کابل به قندهار اینجا باید تصریح کرد که:

اول حمل سال ۱۱۴۷ شمسی مطابق دوم ذیعقدة الحرام سنه ۱۱۸۱ هجری قمری است.

احمد شاه درانی که از ایام بهارسال ۱۱۴۶ شمسی تا برج حوت سال مذکور در کابل اقامت داشت. در برج حوت سال ۱۱۴۶ ش از کابل به قندهار فرمان فرستاد وشاهزاده سلیمان دو میـــن

پسر خود را بکابل خواست.وتاریخورود او د رکابل برج ثور ســا ل ۱۱٤۷ شمسی مطا بق او ایل محرم‌الحرا م سنه ۱۱۸۲ قمر ی است . احمد شا ه درا نی به تاریخ(هشت)جو زا (یازد ه) محرم جانــب چهاریکار عزیمت نمود و روز(ده)جوزا (سیزده) محر م شاهو لــی خان و زیر را جانب بد خشــا نفرستاد :

اینکه تاریخ و صو ل خر قــه‌شریفه در قندهار (نه) ربیع‌الاول سنه ۱۱۸۲ قمری (مطابق ۳ برج‌اسد) تعیین شده ممکن سهوواقعه نگار باشد و حقیقت چنا ن مینما یدکه تاریخ و صو ل خرقه در قندهار (۹)جماد ی الاو ل مطابق اوایل‌برج‌میزا ن باشد .واینکه نسبت‌گرفتاری های مهمه در انتقا ل خرقه شریفه‌احترا ما از عجله کارگرفته شد ه باشد طر ف قبول می نمایـــد وشاهزاد ه سلیما ن درانی درایا م تابستا ن از کابل به همراه محمل‌خر قه متبر که عزیمت قنـد ها ر نمود ه باشد . واین یاد داشتـــی‌بود و چو ن در ماخذ (۹) ربیع‌الاول سنه ۱۱۸۲قمر ی تاریخ و صـــول‌خرقه معظمه در قندهار تعیین شده تردد نمی ورزیم .

(افاض علینا من بر کاته) رجال‌موظف که عده زیاد علما و عساکر وخوانین بودند خر قه شریفه را بااعزاز واکرا م تمام‌برداشته‌در منزل اول در علاقه میدان رسانیدند و درسرا ی مسجد ی نزدیك ده افغانان بالا ی صند لی گذاشتند . بعدبر داشتن از آنجا ا هـــا لی آنگوشه سرا ی را زیار ت قرار داده‌اطراف‌صند لی را دیوار کرده پوشانیدند. شمعد انها گذاشتند . زیا ر ت‌مو صو ف موجود اس ت‌و به همیـــن آداب تا قندهار رسانیدند و تاریخ‌وصو ل خر قه شریفه در قندها ر (۹) ربیع الاو ل سنه ۱۱۸۲قمر ی(مطابق سو م برج اسد ســا ل ۱۱٤۷ شمسی) است‌ودر اولیـــن‌مسجد جدید التعمیر که در سنـــه

۱۱۷۲ قمری کار تعمیر آن اتمام‌یافته بود گذاشتند(۱) و تا سنه
۱۱۹۰ قمری در همانجا بود .
درایام طی طریق محمل خرقه‌شریفه از فیض آباد تا کابل واز کابل تا قندهار محمل مبارك رابر پشت اشتر می گذاشتند.ودروقت فرود آوردن در هر منزل‌مفروشات‌جدیدی را که قطعا استعمال‌نشده بود ـ هموار کرده صندوق مبارك‌رابالای آن ودریك حصه مرتفع می گذاشتند . ودر هر بار فرودآوردن مبلغ کثیر نذر و صدقه می کردند و در هر منزل بعد فرودآوردن رقعه یی نوشته و حکم آویختن بگردن اشتر میدادند ومی‌نوشتند که با لای این اشتر خرقه مطهره حمل شده وهیچ کس حق‌بارکردن وسوار شدن ندارد واین اشتر ازخدمت آزاد است‌واشترآن آزاد شده را حمایت می نمودند. واهالی در هر منزل ـ محل‌فرودگاه خرقه شریفه را سنگ چینی واحاطه میکردند .
احمد شاه‌بزرگ ـ که شهرجدید قندهار را درسنه ۱۱۶۹ قمری‌بنا واشرف البلاد نام گذاشت .وقتی‌این فیض ربانی به آن شهر پرتو وصول و نزول نمود ـباور میشودکه در عالم روحانیت و کرامت‌این حقیقت را دریافته شهر بنا کرده‌خود را ازباعث‌ورود ووصول خرقه متبرکه به آن نام قبلا اشتهار داده‌بود و چنانکه حق‌به مرکز خود قرار گرفت واین نام رادرسکه‌بی دولت و فرمانها ووثایق ونامه ها درج نمود . یعنی درافغانستان‌دو افتخار (فیض آباد)و (اشرف البلاد) از همین احترام پرتونزول خرقه واجب التعظیم حضرت‌رسول کریم (ص) ایجاد شده است .

---

(۱)این مسجد به سمت جنوب گذر بر درانی واقع است وقندهار- یان حال (زاړه مسجد) یعنی مسجدقدیم یاد می کنند .

واما اشرف البلاد از لحاظ مجاهدت در راه دین اسلام وحصول استقلال وپیوستگی دادن همه ولایات معروف از کران تاکران در داخل یك قملرو و در تحت یك نظام امپراتوری اسلامی به تمام معانی ترجیح و تفاضل دارد .

وقندهار قهرمان را مرکز بزرگ اجتماعات و صلح وامنیت عمومی افغانستان می توان قبول کرد .

* * *

اهل حق را زندگی از قوت است   قوت هر ملت از جمعیت است

تاریخ انتقال خرقهٔ شریفه

در نظم

تاریخ انتقا ل وو صو ل خر قــهٔ‌شریفه از جوز گو ن (فیض آباد)
ه اشر ف البلاد (قندهار) به‌قراراین نظم بیان شده است :

هی خر قه با سعا دت که شــد — خراســا ن ز فیض قدو مش‌منور
علی جنا ب احمد آن شاه و ا لا — که بد ر تبه اش بر تر ازبام اخضر
ه بازو چو رستم به هیبت چو دارا — به حشمت سلیمان به تکمین‌سکندر
طیعش زمه تا به ماهی جها نی — بپا بو سش آسما ن حلقه بر در
آنجاکه آمدزوپیش‌داشت مسکن — حب حق تعالی و حــب پیمبــر
رستاد در جوز گو ن بهر تعظیـم — ولی خان وزیر خود آن نیك اختر
ه تا آورد خر قه شاه لــولاك — حبیب خدا شا فع روز محشــر
ا و ردش از جوز گون‌آن نکونا م — بصد عز و تکریم بسیار و صد فر
م از ربیع او ل وروز دوشنبه — که شد قند هار از نزولش معطــر
لف ماته ثما نین و اثنــا ن — خرد گفت بنو یس تا ریخش اند ر

(۱۱۸۲ق)

نظم فو ق به خط صو فی عبدا لحمید خان ـ در مدخل درواز ه و
لان زیار ت خر قه شریفه درسنه۱۳۲۷ قمر ی نقش شده است .

قندهار و خرقهٔ شریفه

«کلام محمود طرزی افغانی»

خوش آب و خوش هوا ولطافت‌نثار شد
شیرین‌بود که نام خوششش قندهار شد

فخر رسل محمد مختار کزشرف
عالـــــم بنور او شده از جهل بر طرف

یك خرقه مقدس از ثوب‌پاك‌خویش
بهر اویس کرده عطا در زمـان پیش

آن خرقه مقدس پاك این‌زمان‌کجاست
پرسی کجابگوی که در قند هار ماســـــت

این است فضل باقی این شهربی نظیر
قدسیتش‌قیاس کن ای ذات خوش‌ضمیـــر

دراین و لایتست اراضی پرشرف
انهار بس‌بزرگ درا ن جاری هر طـــر ف

اقوام پرسلاح اصیـــــل دلاوری
در روی‌شان ستاده چو شیران غاوری

قندهار و خرقهٔ شریفه

کلام علامه اقبال

دو کشور سر بر اقبال شاعرشهیر ق ـ در برج عقرب سال
۱۳۱ شمسی حینی که از کابل وارد قندهار و به زیارت خرقه
ریفه مشرف شد .بااحترام آن‌شهر وزیارت مقدس گفت :

ندهار آن کشور مینو سواد	اهل دل را خاک او خاک مراد
وی آن‌شهراست ماراکوی‌دوست	ساربان بربند محمل سوی‌دوست
رقه آن برزخ لا یبغیان	دیده مش درنکته (لی خر قتا ن)
مد از پیرا هن اوی ی او	داد مارا نعرهٔ الله هو

اولین فرمان دولت افغانستان

در خصوص مقرری متولی خرقه شریفه قندهار

در اول باید گفت که : مقصد ازدرج این همه متون واسناد آن است که علایق مزید واحترام نهایت زیاد مردم مسلمان افغانستان را در حفظ و نگاهداری خرقه واجب الاحترام حضرت سید الانام از مرور تاریخ نشان میدهد .

چون سرقهرمان دلیر افغانستان احمد شاه امپراتور بعد وصول خرقه معظمه در قندهار ووصول خودش بعد از یك سفر فاتحانه از بلاد شرقی امپراتوری به قندهار - از ابتدای سنه ۱۱۸۳ هجری قمری اراده لشکرکشی برای تنظیم بلاد غربی قلمرو امپراتوری افغانستان داشت.و تاعشره ثانی شهر محرم الحرام سنه مذکور خدمت تولیت خرقه معظمه را بدوش خود و کلید صندوق مبارك محمل خرقه را بدست خود و آن امانت نهایت بزرگ را در اولین ، مسجد بنا کرده عهد دولت خویش (زاهره مسجد) نگاهداری می نمود. مطابق رای و تصویب و انتخاب اعضای دولت - الحاج مولوی عبدالحق (ولد حاجی ملاشکرولدحاجی ملاز لال قوم یعقوب زایی الکوزایی را به خدمت تولیت خرقه مبارکه مقرر فرمود و به مهر خود و اعضای دولت و مسوولین امورادار ه و حساب فرمان نوشت که

اینك سراسر نقل مهر ها وعبارات فرما ن را درج مینمایم، و سراسر
نقل عبارا ت اسناد وار قام دولت افغانستا ن ـ بر علاو ه خد مـــــت
نگاهدار ی و حفاظت خر قه مشرفه برای معر فی نا م ها و تذکار اصطلا ـ
حا ت ادار ی وطرز انشا ه (قرن ۱۱، ۱۲) هجری و بزرگی همت واستقلال
کامل افغانستان تاثیر بسیار دارد.

فرمان اعلیحضرت احمد شاه‌درانی – که در شهرقندهار برای مقرری متولی خرقهٔ شریفه نوشته اند

الملك لله
الحکم لله یا هو یا فتا ح
احمد شاه دردرا ن
۱۱۷۵



اعوذ بالله تعا لی ـ حکم همایون‌شد : آنکه بنابر مرا حم بیکرا ن خدیوا نه و مکار م بی پایان‌خسروانه‌در بار ه فضیلت و کمالات پناه‌افادت وافا ضت دستگا ه‌حا جی ملاعبدالحق‌درانی الکوزا یی که درین و قت‌ذره از پر تو انوار خورشید جهان‌افروز خسروا نی تجلی بخش شبستان‌ـ آمال وامانی مشا ر الیه گردید ه ازابتدا هذه السنه مبار که او ایل‌ترکی سا ل گاو اورا بر تبه رفیع‌المرتبـه‌تولیت خر قه مشر فه متبر کــــه حضر ت سید المر سلین و خاتــم‌النبیین (ص) که در اشر ف البلاد احمد شاهی است سر افراز ممتازبین الا مثا ل والا قرآن فر مودیم‌که چنانچه باید و شاید واز جو هر کاردانی و صلا حیت اوسزد و آیدبلوازم امر مزبورو مراسم شغل مذکور قیام‌واقدا م داشته در سر پرستــی و عزت واحترا م و محافظت خر قــه‌مبار که و جمیع متعلقا ت امرتولیت مزبو ر لاز م سعی واهتمام تمــا م‌به عمل آورد ه دقیقه از دقایــــق ملزو ما ت امر مزبو ر رافرو گذاشت ننمایدونحوی نماید‌که‌حسن‌خدمت‌او

ظا هر شود و هم تحصیل دعا ی‌خیرجهت ذا ت ستوده صفا ت اشرف
بوده باشد و خر قه مبار که را به‌نحو ی که در صندو ق است‌درهمان
صندو ق باشد و سر صندوق که‌قفل‌شده است به هما ن‌نحو بسته
باشد و بدون حکم نوا ب‌همایو ن‌مابه حکم دیگر ی سر صندو ق مزبور
را باز نکند ومرد م که زیا رت‌می‌نمایندهما ن صندو ق را زیار ت
کنند واحد ی از خد مان اشـر ف‌تخلف نور زد . حکا م و عمال‌ومبا-
شرین و جمهور خلـق الله‌سکنای‌اشر ف البلاد احمد شاهی و غیر ه
حسب المقرر حا جی الحر میـن‌حا جی عبدالحق متولی خر قه متبرکه
وملزو ما ت‌امر مزبور را متعلـق‌با و شمرده دربا ب زیار ت آ ن
نحو ی که امر شده معمول داشته‌تخلف نور زند. مستو فیا ن عظا م
ولشکر نو یسا ن کرا م صور ت‌رقم مبارك را در دفاتر لا زمه ثـبت‌و
حسب المقرر معمو لدا شته‌در عهده‌شنا سند .

فی (۲٦) شهر محرم الحـرا م‌سنه ۱۱۸۳.

نقو ش مهر های ظهر فر ما ن‌دارا ی این عبار ات است :

۱-افوض امر ی الی الله -عبده‌محمد قاسم -۱۱٦۰
۲-عبدالرحیم ابن علی ر ضاء
۳-افوض امر ی الی الله -عبده‌محمد هاشم
٤-آصف بار گاه شاه در ا ن زدل شده‌غلام بهادر شهو لیخا ن
٥-عبده گل محمد
٦- لااله الاالله الملك‌الحق المبین-عبده یاقو ت
۷- لااله الا الله الملك الحق‌المبین-عبده امان الله
۸-عبد ه سعاد ت .

وقف نامهٔ خرقهٔ شریفه

نهر جدید قند هار مشهور به نهر احمد شاهی که امپرا تور احمدشاه درانی در زما ن حیا ت حفر و آبادسا خته ومرد م قند هار (شـــاه واله) یاد می نمودند.
نهر مذکور وارا ضی تحت آ ب آن که مال و ملك در خور شـا ن خدمت تولیت خر قه مشر فه مکرمه دیده میشد . در شهر رجب المرجب سنه ۱۱۹٦ هجری قمر ی (مطابــق بارس ئیل شمسی) به مهر هفت پسر آن امپرا تور بز رگ و قف خر قه شریفه گردید . چرا کـــه احمدشا ه مر حو م خود این حسن نیت را داشت وامپرا تور تیمورشاه برو ی سند معتبر به مهر خود وشش برادر خود این حسن نیت را

به جا آورد (۱) و قفنا مه خر قـــه‌شریفه که بدست حا جی عبدالحـق الکو زا یی متولی (ابن حاجـــی‌ملا شکر ابن حا جی ملازلال‌یعقوب زا یی الکوزا یی) سپرده شـــده‌سرا سر متن آن از ین قرار است :
هـوالله تعالی مالك الملك والاستحقـاق ولله مـیـراث السموات والارض وهو بکل شی خبیر .

---

(۱)وفا ت احمدشا ه بابا ظهـــرپنجشنبه (دوم) ربیع الاو ل سنه ۱۱۸٦ق در ولسوالی مر غه ودفن‌درسا حه دولت خانه شهر جد یـد قند هار جمعه (۳)ربیع الاول .
جلوس تیمور شا ه (۱۹) جمادی ا لا و لـــــی سـنه ۱۱۸٦ ق ،
انتقا ل مقر دولت امپرا تو ر ی‌از قندهار به کابل ـ صفر سنـــه ۱۱۸۷ق، ختم کـــار تعمیر خرقه شریفه وآرامگاه احمد شاه بزرگـ درسنه ۱۱۹۱ق، تاریخ تحریروثیقه‌آرا مگاه ا حمد شاه بـزرگ‌درسنه وقف نـامه خرقه شریفه ر جـــب سنه ۱۱۹٦ ق .

الملك لله
علم شد از عنایا ت الهی
بعالم دولت تیمور شا هی
۱۱۸۶

بسم الله الر حمن الر حیـــم ـحمدا لمن و قف علی خفیا تالسرایر ومر کو ذا تالضما یر و شکرا لمنواقف من کنه معر فة افهها م الواقفین من ذ و ی الابصار و البصا یـــروالصلواة و السلام علی النبـــی المصطفی المجتبی المعلی اشر ف الا وایل والاواخر وعلیالهآلطاهرین الوا صلین و اصحا به الکا ملیـــنالمجتنبین صا حبی المکار موالماثر من یو منا هذا الی یو م تبلیالسرآیر

امابعد

برای هدایت ضیا ی واقفا نحقایقآثار نا متنا هی وواقفا ن پیشگا ه دستگا ه امکا ن و پرده کشا یرموزکنو ز اسرار الهی ـ که ضمایـــر بیضا نظا یر شا ن ـاز اشعا تشار قات مشکوة .
الذین یو منو ن با لغیب ویقیمونالصلواة ومما ر زقنا هم ینفقـــو ن جا میست جهان نما وبر کا شفا نسرایر کار خانه کن فکا نـکه خاطر آفتاب تاثیر شان از پرتو لمعات بارقات :- منتنالو ا البر حتیتنفقوا مما تحبون ـ به مثابه مر آتیست.

حقیقت نما صورت این معنی روشن وهویدا و معنی این صورت مبرهن وپیدا ست که اقدام در طریقه انفاع واتفاق و قیام نمودن به وظایف بذل و انفاق ـ مورث جزای جزیل و مودای من کان یزید حرث الاخرة من دله فی حرثه بر این معنی از واضحات ذیل است و شك نیست که فاضل ترین خیرات جاریه ونافع ترین میراث مستمره وافیه که ثمرات آنها به فیضان شایسته لامقطوعة ولا ممنوعة موصوف است . ودوام آنها بر توالی ایام وشهور منطبق و بقای آن باتمادی اعوام ودهور موافق است و نه زمانه ناساز رابر انقطاع آنها دستی ونه از تزلزل دوران ناشکیبا ارکان بقایش را شکستی است و آفتاب عنایت ابدی و نجوم سعادت سرمدی از آفاق اقبال مقهلی وازسمای اجلال صاحبدلی طالع و لامع تواندگشت که بعد از ادای مراسم فرایض وواجبات و پس از اجرای لوازم نوافل و مستحبات همگی اوقات بر حرف انواع خیرات ووقف اصناف مبرات که هریك آنها عندالخالق والخلایق موجب حصول درجات علیه ووسیلهٔ وصول به مراتب عالیه است . بموجب کلام حقیقت نظام .

حصلوا الاخرة بترك الدنیا ولاتحصلوا الدنیا بترك الاخرة مصروف و معطوف دارد بیت :

گوی مراد در خم چوگان سروریست کانرا بخیرخواهی بیچارگان سریست

لاجرم هریك ازبندگان خداوندوادار وپیروان طریق انیق حضرت احمد مختار بر رضای ایزد کردگاروخوشنودی جناب سید ابرارو ، مصداق کلام با بشارت ایثار الدنیا حسن العبادة وافضل السعادة ـ مبادرت بروقف ضیاع وعقار وبذل صحار و انهار نمایندتا

بـــعر و ج د ر جـــــــا ت فی مقعد صدق عند ملیك مقتدر مشهور و معرو ف گردند .

پس در صور ت هر صا حبا نـــیعقو ل معقو ل و عارفا ن حقیقـــت شنا س فحو ل که‌پنج روز ی درین‌سرا ی سپنج وماوا ی پر درد ورنج رخت اقا مت افگنده و افراد اورا قلیا لی وایا م بی ریب و مین من‌حیث والو جهین بانظا ر اعتبار دیده وسنجید ه اند بقر ینه‌و قیاس‌استدلال کرده اند که عمو م‌معا شر ناســـاز پیرو جوا ن عاقبت ازین جها ن سالك طریق و حشت رفیق فنـــــاوخسرا ن واز پی هم روا ن‌وشاهان با عز ت وناز وگدایا ن باعدم آزدمساز باکمال سوز وساز بسو ی شهر ستا ن عدم گر م عنان‌خواهندبود . لهذا عاقلان عار فو عا مـلان واقف آنا ن اند که درین دار غروروسرا ی پر فتو ر در صر ف ما لو اموا ل حتی المقدو ر به محضـــــرضا ی خدای غفور به هیچ و جـه اهما ل و قصورننمایند تا بفحوا ی حقانیت مقرون من عمل صالحا من ذکر وانثی وهو مؤمن فلنحیینـــا حیواة طیبة ولنجیز ینهم اجرهـــم باحسن ماکانوایعملون. آیـــه ۹۷ سوره نحل .

من عمل صالحا من ذکر وانثی وهو مو من فلنحیینه حیواة طیبة و لنجیز ینهم‌اجر هم با حسن ماکنوایعملو ن آیه ۹۷ سور ه نحل

از لطایف بیعد یل حضـــــر ت‌مستعا ن جلیل مستوجب‌اجر جمیل وجزا ی جزیل شوند وذیل مرا م‌به‌نیرو ی بازو ی اعتصا م بهر حا ل در انجا م این مها م برمیا ن‌اهتمام‌استوار سا خته جلوه گر میدا ن‌عدیم الطو ل والعرض .

سابقو ا الی مغفر ة من ربکـــــم‌وجنة عر ضها کعرض السـما ء و الارض اعدت للمتقین ، باشد.

بنابرا ن در ین آوا ن میمنـــت‌اقترا ن که اوایل جوش بهار دولت گیتی امتداد واو اخر عمر و زوا ل‌روزگار اربا ب حسد و عنادومبدا ء

سال فرخ فال سعادت قلیل بارس ییل وشهر رجب المرجب سنه (۱) سنیه ست وتسعین ومائه بعدالالف من الهجرة النبوية عليه الصلوات كملها و من التحيات اجملها استما مول عطيات حضرت خالق البريات و مشمول حقايق ومعانی این مقالات عاكس مرات حقیقت نمای آیات و زوایات فوق الذكر المورد بالعنايات الابدیا والسعادات السرمدية تاج السلطنه القاهره وسراج الدولة الباهرة اعظم الملوك والسلاطين قهرمان الماء و الطين دافع سموم الظلم و النوايب بالراى والتدبيرا بصايب مالك رقاب ملوك الافاق و الملاك المخيم جاها فوق السماء والسماك جلال الدنيا و الدين مروج الاسلام ومعين المسلمين ظل الله فى الافاق والارضين .

بیت

بپای جاه فلک راکشیده زیررکاب
بدست امر جهان راگرفته زیر نگین

وانکه در عهد حکم و فرمانش
هست سایر فلک بدو رانش

کس پراگنده نیست جز گلبرگ
هیچ مظلوم نیست جز بیداد

اختر دولت زمین وسماء
گوهر نسل آدم و حوا

جز نصرت سواد نامهٔ او
شب دولت مداد خامهٔ او

---

(۱) سنه ۱۱۹٦ هجری قمری مطابق دهمین سال جلوس تیمورشاه برتخت امپراتوری درانی .

بیت

کریم خلقه خلق الا لهی عدیم الشبه م ن‌مال و جا هی
تعالی رایته الی اللا تنا هی مطا عا فی الاو امر و النوا هی

* * *

السلطا ن بن السلطا ن‌والخاقان‌بن الخاقا ن مهر سپهر دولت‌وانتباه ماه فلك حشمت و جاه المو یدبتا ئیدا ت الاله تیمور پادشا ه لا زا ل جلال ملکه وسلطا نه وافاض علی‌العا ملین بر ه و احسا نه‌ونو باوگان حدیقه جا ه وجلال ویگانه گو هرا ن‌عزت و اج لال‌درار ی ابهت و اقبا ل نقا ط دوایر بر وافضا ل بهمیـن‌نتایج خاندا ن سعاد ت نشـا ن و سلاله های سلسله شهـا مت و شان‌شا هزاد ه سلیما ن و شا هزاد ه اسکندر و شا هزاد ه پرویز وشا هزاد ه دارا ب و شاهزاد ه شهـا ب وشا هزاد ه سنجر طول الله اعمار هم بمضمون آیه وافی هدائیه:

مثل الذین ینفقو ن اموا لهم فـی‌سبیل الله کمثل حبة انبتت سبـع سنابـل فی کل سنبلة مائة حبـة‌والله یضا عف لمن یشاء موفـق بتوفیق ایزد ی گشته در حین‌صحت‌نفس و اعتدا ل مزا ج از رو ی‌رضا ورغبت و قف صحیح مخلد مو یـد‌شرعی نمودند همگی و تما می نهر جدید مشهور به نهر احمد شا هی‌واقع در اشر ف البلاد احمد شا هی مع آب وارا ضی معینه متعلقه آ ن‌که‌ازآب نهر مزبور مشرو ب و زراعت میشود و بند آب نهر موصو فه‌ازرود خانه ار غنداب جدا میشود واز طرف مغر ب و شما ل‌به جانـب‌مشر ق و جنو ب جار ی وبه باغ جدید‌مبینهٔ خاقا ن علیین آشیا ن‌احمد شاه درد را ن انار الله لـ البر ها ن که بمنزل با غ موسو م‌است . منتهی میشود و سلطـا ن مبرور در حین حیا ت خود به ما ل‌حلال و سعی جمیل بر ضا ی رب جلیل حفر و آباد سا خته و مـا ل‌مملو ك و مورو ثی واقفین مزبورین است سوا ی با غ دیوا ن خانـه وحر مسرا و انار با غ و مجلس با

ومنزل با غ که از آب نهر مزبو رحقا به دارد ومشرو ب میشود واز اوقا ف مزبور ه سو ی و مستثنـــی‌است و سوا ی طاحو نه جد ید کــه عالیجا ه رفیع جایگا ه فضیلت وکما لات پنا ه افاد ت وافا ضـــت دستگا ه علامی فهما می اعلم العلماءوافضل الفضلاء مقر ب الحضر ت الخاقانیه اقضی القضا ة ملا فیض‌الله‌خا ن پشینما زسر کار خاصه‌شریفه وقاضی عساکر نصر ت ماثر که برسر نهر مزبو ر به مال و رجا ل‌خود آباد و به آب نهر مزبو ر درگر واست‌وسوا ی ملاك متعلق‌به آن نهرکه به ار بابی عمل وبه تصرف مــردم‌است و از قرار ارقا م مغفورونواب همایو ن ماتعلق به آنها دارد مقرر ومشرو طبر آنکه موقو فا ت مذکورات بکل قلیل و کثیر مو فیها او منهـــامن ... الدا خلیةو الخا ر جیة .

وقف مزار فیض آثار سلطا ن ،جنت مکا ن بود ه باشد و تولیت جمیع محا صلات و متعلقا ت آن رابه‌فضیلت و کما لات پناه حا جـــی الحر مین الشر یفین حا جی‌عبدالحق درانی الکوزایی متولی خرقه مبارکه مفوض و مرجو ع داشته که‌هرسال‌وهر ماه و هر روز جمیع محصولات نقد ی و جنسی آن را از قرار ی‌که‌معین و مشخص و رقم‌مبار ك درآ ن با ب بشر ح و تفصیل صـــــا درگردید ه خر ج بلقو ر یو میه‌وصرف فقرا و مساکین وارباب استحقا ق‌وفاتحه ودعا ، جهت رو ح‌کثیـــر الفتو ح خاقا ن مبرور و مغفر ت وآمرزش اوحاصل وواصل نماید و واقفو ن مزبور و ن نهر مغو ته رامع محدو دا ت معینه آن ازتصر ف خود خار ج و بو قفیت موقوف‌نمودندکه احد ی از معا شر مرد مان ا ز وضیع و شریف بو جهی ازو جو ه‌تغییرو تبدیل در آ ن راه نداد ه‌از شایبه ریب و ریا معرا و مبـــــرادانند .

هذا و قفا صحیحا شر عیا مخلدامو یدا صد قة جا ریا لاز ما جاذمابه جمیع شرایط الد عو ی و الشها دةحیث لایباع ولا یو هب ولایود ثولا ینتقل من ملك الی ملك‌و لایبد ل‌بوجه من الوجو ه وسبب من الاسباب فمن بد له بعد ما سمعه فانما اثمه‌علی الذین یبد لو نه والله سمیـــع علیم و کان ذا ك فی تاریخ‌الصدر .

تاریخ صدر شهر رجب المرجب‌سنه ۱۱۹۶ هجر ی قمر ی مطابـق بارس ئیل شمسی و از تاریـــخ تحریـر آن و قف نامه تاااین سنهٔ ۱٤۰۷ هجر ی قمر ی دوصدویازده‌سا ل می گذرد .
درو قف نا مه مذکور سه مهردارا ی این سجع ها نقش می‌باشد:

یار ب لطف کن بر سرسلیما ن

* * *

یار ب دل کا میا ب دا راد
سا لار سرا ن دارا ب داراد

* * *

یارب چون سوای‌تو روز رستخیز
ندارد فر یاد رس پرو یز

* * *

شهزاد ه شها ب

ورقه و قفنا مه به خط زیبا ی‌نسخ‌ونستعلیق و به کاغذ تقریبا یك‌متر وبیست‌و پنج سانتی طو ل‌و تقریباسی سانتی عرض می باشد به‌ساعت (سه) بعد از ظهر چهار شنبـــه(بیست‌و نه) حمل ســـا ل۱۳٤۱ شمسی در منز ل شخصی آخو ندزادهٔ حا جی عبدالرزا ق (ولدحاجی عبدالحمید و لد محمد صدیق ولـدمحمد عثما ن و لد حاجی حفیظ الله ولد حا جی عبدالحق آخو ند زاده)که موصو ف به عمر هشتاد سالگی واین و قت به مرض فالج گرفتاربود ـ ارا ئه گردید و برای در ج تاریخ خر قه شریفه بدون انــد ك‌اختصا ر نقل بر داشتم تا حفـــظ صحیفه روز گار بماند .

* * *

در تاریخ خر قه شریفه دو باروقف ارا ضی را مطالعه نمودیم‌ـاول وقف ارا ضی قریه ده بید سمر قندمرکز ماوراء النهر به فرمان امیر تیمور گور گان ـ و دوم درقندهار نهرشاهی به‌فرمان‌تیمورشاه‌امپراتور

افغانستا ن ، و البته موقو فا ت‌خرقه‌معظمه در طو ل مدت چهار ده صد سا ل از هر قسم زیاد بوده واما دربلاد خراسا ن و قف قریه ده بید سمر قند و نهر شاهی قند هارخیلی‌بزرگ است .

احمد شاه بز رگ در زمان حیا ت‌اگر که ارا ضی نهر شا هی راوقف خدمت تولیت نمود ه بود واما چون‌درسنه ۱۱۸۳ و ۱۱۸٤ ق مصرو ف یك لشکر کشی و هم دچارمریضی‌شدید گردید ـ ممکن نشد که وقف نا مه یی به طور مشخص دریـــن‌خصوص بنویسد . واما چو ن ایـن حسن نیت را داشت فرزند جانشین‌او تیمور شاه باتفا ق برادرا ن‌خود وقف نا مه یی به تاریخ شهـــــررجب المرجب سنه ۱۱۹٦ هجر ی قمر ی نو شت که سرا سر متــن‌آن در این کتاب مندر ج است .

علم شد از عنایا ت الهی

بعالم دولت تیمور شاهی

اعوذ بالله تعا لی ـ حکم همایون‌شد : آنکه فضیلت و کمالات پناه حاجی الحرمین الشریفین حا جــی‌عبدالحق درانی الکو زا یی متولــی خر قه مبار که نهر شاهی اشر فـالبلاد احمد شا هی بالطا ف رو ز افزو ن شاها نه سر افراز گشتــه‌بداند عریضه که درین و قت د ر خصوص احوا ل خود واینکه مد ت‌پنج‌ماه است که هر روز مقــدار پنجاه من بوز ن تبریز ی نان پخته‌از بابت حاصل نهر شاهی بــــه خیرا ت فقرا ، ومساکین داده وبعدازآ ن به سبب خشك آبی و قلت غله تا حا ل مدت دو ماه است کــه‌روز سی من نا ن پخته‌به مردم می دهد وامسا ل آب بسیار شده‌استودربا ب منزل باغ که حاصل ندارد مناصفه آن باغ انگور شود وایکه‌عالیجا ه میر علی خان اسحق زایی امیر آخور باشی سر کار سلا لــــه‌دود ما ن دولت واقبا ل نقا وه‌خاندان ابهت و اجلال فرزند ار شد ارجمندسعاد ت نمو ن نایب السطنته‌القاهره

شاهزاد ه همایو ن رمه خودرا همه‌اوقا ت در میان حاصل نهرشاهی سر میدهد ووالدا ن فضیلت پنا ه‌یك‌روز گو سفندا ن اورا از میانـــه حاصل برو ن کرد ه و روز دیگرآدم‌های خود را گفته بوده‌که بیست ـ سی نفر جمع شوند و گوسفندا ن‌را د رمیا ن حاصل سر داده خـود پنهان شوید و قتی که آدم های ،حاجی عبدالحق بیایند گوسفندا ن رابیرو ن کنند شما جمعیت خودرابرآنها برد ه بز نید روز دیگر کـه پسرا ن فضیلت پنا ه برسر حاصل‌بوده رمه آنها در حاصل آمده رمه اورا برو ن کرده است مردم امیـرآخور برو ن شد ه وپسرا ن‌فضیلت پنا ه و چند نفر کسا ن اورابسیار زده اند که یك ماه ونیم افتاده اند وازشکم‌آنهاخون‌میرود و شا هزاد ه‌بعد ازآن حا جی الحر مین‌را طلبیده وتسلی و استمالت کرده خاطرجمع‌نمود ه ومواد دیگر انفا ذ حضـــور ساطع النور نموده بود رسیدمضامین‌آن خالی را ی جهان آرا شدـاموری که انجا م داد ه ومیدهد خو بست‌درین‌و قت به فرزند عزیز امرشده که به حقیقت دعوا ی آن فضیلـت‌پنا ه ومیر علی خان رسیده هرگاه واقعی چنین کار کرد ه باشد اوراتنبیه نماید به همه با بخاطر جمع بود ه مشغو ل امور خود باشد.فی(٤)شهر جماد ی الثانی سنـــــه ١١٩٧.

کسانی که در ظهر ورق فرما ن‌مهر کرده اند ـنا مها و عبارا ت نقوش مهر هریك شا ن ازین قراراند :

١ـاقل خلق الله عبداللطیـــف‌الجا می .
٢ـعبده نور محمد ـ١١٩٨
٣ـعبده محمد بهادر
٤ـصد شکر کانچه بود مرامطلب‌مراد
ازغلامی دولت شاهم رحیمداد
٥ـیا هاد ی لاری موسو ی
٦ـعبده محمد هاد ی الموسو ی‌ـ١١٩.

پنجاه من نان پخته

در هر روز

ازسنه ۱۱۸۲ هجری قمری در کابل و بعدا در قندهار در هر روز پنجاه من نان پخته برای خیرات فقراء و مساکین از طرف دولت افغانستان منظور گردید.ودرقندهار از حاصل نهر شاهی که وقف خرقه شریفه گردیده‌بود،این اصول جاری بود . وارسال این فرمان امپراتورتیمور شاه‌درانی‌موید و مصدق آن گزارش است، وخیرات عام مقرر بوده‌است .

جیره و مواجب مقرری علما

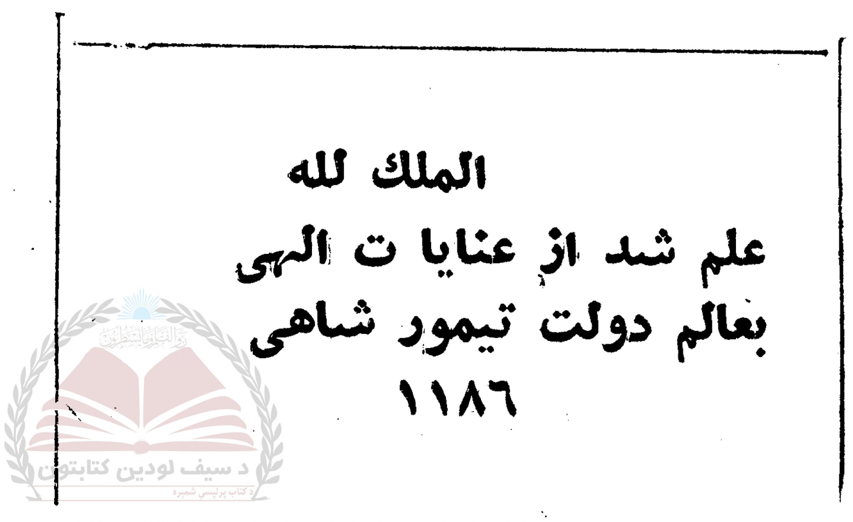
از طر ف دولت امپراتور ی افغانستا ن برای علما مواجب مقرر ی مستمر ی منظو ر بود ه وارقا می‌که در خصوص زیار ت مقد سـه خرقه شریفه وموقو فا ت‌آن صا درگردید ه موید این حقایق نیز مـی باشد واین رقم شاهد این حقیقـت‌است که سراپا متن آن ازنظر مـی گذرد . وازرو ی رقم ثانی معلو م‌میشود که از سنه ۱۱۹۰قمر ی‌مقدار یك من ده آثار نان جیره بـه پنج‌نفر عالم که در خر قه مبار کـه سوا ی پنج نفر که دا خل‌دستو ر العمل بوده‌اند مقرر بوده است .

در فرما ن مور خ ربیع الاول‌سنه۱۲۱۶ ق نیز در این خصو صـ اکیدا هدایت داد ه شده است‌ومتن‌فرما ن دراین کتا ب مندرج‌است .



منظرۀ عمارت خرقۀ شریفه (قندهار)

بسم الله خیر الا سماء



اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایو ن شد : آنکه فضیلت و کمالات پناهان ملاباشی وملامدا ح امین محکمه وملا الیاس و ملا پیر محمد کاکری وملا دوست محمد عزیز تبریز ی وغیره ملایا ن اشرف البلاد احمد شاهی بالطا ف روز افزو ن شاهانه سر افراز گشته بدانند که درین وقت فضیلت و کمالات پناه حا جی الحر مین الشریفین حا جی عبدالحق درانی الکوزا یی متو لی خرقه مبارکه ونهر شاهی اشر ف البلاد مزبو ر بعرض اشر ف رسانیده که ایشا ن بالا تفا ق باو دعوا و گفتگو دارند که از بابت خیرا ت نهر شاهی جیره مقرر ی بایشا ن بدهد وهرروز ه در این خصوص به او مکابر ه مـی نمایند . بنابرا ن مقرر فر مودیم که ایشا ن هریك جیر ه و مواجب مقرری مستمر ی دارند که می گیرد. این

بلغو ر و غیره که از بابت حاصـل نهر شاهی پخته میشود ، خیرا ت عام است که هرکس که در آنجـا حاضر باشد و به فقراومستحقیـن ومساکین و غیره داد ه میشود و به‌مصار ف آنها میرساند باید که‌ایشان را هیچ و جه در آن خیرا ت وبـه‌حا جی عبدالحق مشار الیه دخـل وزجوع و کار ی نباشد و ادعاوگفتگودر آن خصو ص ننمایند قد غـن لاز م دانسته در عهده شنا سند ـ تحریر فی ۱۲ربیع الاو ل سنـه ۱۱۹۸ .

کسانی که در پشت و رقه‌فرمان‌مهر کرده‌اند . نقوش مهر ها دارای چنین عبارا ت است :

۱ـاقل خلق الله ـ عبدللطیـف‌الجا می

۲ـعبده نور محمد

۳ـ عبده محمد بهادر

٤ـصدشکر کانچه بود مرامطلب

مراد از غـلامی دولت شا هــم

رحیمد اد

٥ـبنده محمد ها دی لاری‌موسوی

الملك لله
علم شد از عنایا ت الهی
بعالم دولت تیمور شا هی

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایون‌شد : آنکه عمال و مستنا جرا
مالیا ت حا ل و استقبا ل اشر ف‌البلاد احمد شاهی بالطاف شاها
سر افراز گشته بدانند که چون‌قبل‌ازین حسب الر قم مبار ك مطـــ
آفتا ب شعا ع از تاریخ غره شهــر رمضا ن سنه ۱۱۹۰ــاز ابتدا ی
ما هه سنه پیچی ییل سال میمو ن‌یومی مقدا ر یك من ده آثار بوز
تبریز نا ن جیر ه موا زی پنج‌نفرملایا ن که در خر قه مبارکه‌سوا
پنج نفر که داخل دستور العمـــل‌میباشند از سر کار مقرر بوده‌ا
که بر ین موجب میگر فته و بخر چ‌عمال آنجا مجری می شده :

پنج نفر برنفر ی نان یو می ده‌آثار یك‌من ده آثار

دریتو لا فضیلت و کمالا ت پناه‌حا جی الحر مین الشریفین حا

عبدالحق درانی الکوزایی متولی خرقه مبارکه بعرض اشرف رسا-
نید که رقم مذکور مفقود گردیده استدعای رقم مبارک مجدد نمود.
بنابران مقرر فرمودیم که بحصول اطلاع بر مضمون رقم مبارک بر
وجه سابق برین حسب الرقم مبارک مقرر و مهم سازی می نموده
اند حال نیز بر قرار دانسته مایحتاج خود نموده بدعاگویی دوام
دولت خداداد مشغول باشند.

مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی صورت رقم مبارک را
در دفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمول داشته در عهده
شناسند. تحریر به تاریخ شهر رجب سنه ۱۲۰۵.

کسانی که در ظهر فرمان مهر کرده اند - عبارات نقوش مهرهای
شان ازین قرار اند:

۱-لااله الا الله الملک الحق المبین - عبده نور محمد
۲-عبده محمد رحیم
۳-یا غفار الذنوب
۴-صد شکر کانچه بود مرا مطلب مراد
از غلامی دولت تیمور شه رحیم داد
۵-علی رضاء الموسوی

فرمان زمانشاه

در خصوص مو قو فا ت خر قه شریفه

امپرا تور زمانشا ه درانــی ا زاوایل سنه ۱۲۰۸ قمر ی یعنی ازا
ود خود به قندهار برای صر فصد قا ت خر قه معظمه از حاص
ر شاهی قند هار مقدار نقــد وجنس غله و کاه و هم مبلغ بیسبت
ی تو مان رو پیه رابرای صر فصدقا ت و خیرا ت عام منظو رنـ
مفصل معلوما ت از متن فر ما نهذا برمی آید که عینا نقل و در
ریخ میشود .و در فرما ن مورخ‌شهر صفر سنه ۱۲۰۹ ق (مرد یا
نی نفر ی کار وخد مت حشـــردسته جمعی برای لای کشی نهـ
اهی و قف شریفه منظو رفرموده‌است .
ودراین سلسله اسناد از نظر می‌گذرد .

الملك لله
قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان رابنا م شاه‌زمان

اعوذ بالله تعالی ـحکم همایو نشد :آنکه چو ن قبل ازین حسـ
ر قم مر حمت شیم سلطا نرضوان‌مکا ن انار الله بر هانه تولیت نهـ
حمد شاهی که واقع است‌در اشرف البلاد احمد شاهی‌با فضیلت‌کمالا
ناه حا جی الحر مین الشر یفیـــن‌حا جی عبدالحق درا نی الکوزا
تو لی خر قه مبارکه که نهر مزبوروقف صحیح شر عی میبا شد مقر
بوده که از روی راستی وهوشیاری‌متو جه آباد ی نهر مزبور و کشـ
زراعت و ضبط و محصو لات نقدی‌وجنسی ارا ضی نهر مزبور راسوا
نزلباغ و مجلس با غ وانار باغ وباغچه دولت اسرا و دیوا ن خانـ
بار که و آسیا ب وسوای زمیـــن‌ها اربا بی و باغا ت نهر احمدشاه
اقی تمام آنرا به سر حد وصول‌وتصر ف خودآورد ه یو م به‌یوم‌غ
ا به تما م نان پخته وخیرا ت‌نمایدکه نقد و جنس نهر مزبور بدیـ
وجب است نقد بیست و دو تومان برا یی دوازد ه توما ن
سبز ده تومان غله دویست و پنجاه خروار
کاه دو صدو پنجاه خروار

که مساو ی چهار توما ن را ازوجه مزبو ر ه دونفر نوکر بگیردکا
خدمت نا ن و گوسفندا ن نمایند وهمه مقداری کاه را هر شب جمعا
گوسفندا ن خریدار ی وذبح و طبخ نمود ه خیرا ت نماید و فاتحه‌ودعای
خیر به جهته رو ح پر فتو ح خاقان‌جنت مکان علیین آشیا ن‌انارا لله
برهانه حاصل نماید ــ درینو لا از پیشگاه خلافت‌و جها نبانی‌استدعای
امضای رقم مبار ک‌مطاع نمود ه‌لهذابنا بر مرا حم بیکرا ن شاهانه در
باره حا جی الحر مین الشر یفین،حاجی عبدالحق مشار الیه ازابتدای
شش‌ما هه هذا لسنه مبار که‌اودئیل‌تولیت نهر وقف مذکور بدستـور
سابق بعلاو ه تولیت خر قه متبر که‌در بار ه او مر حمت وبر قـرار
فرمودیم که از قرار معمو ل قبل درلوازم آن پردا خته به نحو ی‌کـه
رقم سلطا ن رضوا ن مکان در آ ن‌با ب صادر شده و در دست دارد و
حکم همین رقم مبارك هرسا ل‌حاصل‌ومحصو ل نهر احمد شاهی و قف
مرقو مه راجمع آور ی واز قراری‌که مقرر است خیرا ت نماید. حکا م
وعمال حال و استقبا ل اشرف‌البلاداحمد شاهی حسب المقرر بدستور
قبل به نهر و قف رجو ع نداشته‌داخل اوقا ف سرکار خاقا ن جنت
مکا ن دانسته و تولیت آنرا به‌عهده‌حاجی عبدالحق مذکو ر مقرر دانسته
قلم و قدم کوتا ه و کشیده دارنـد وبه‌هیچ وجه من الوجوه چیزی بـه
نهر مذکور حوا له و مطالبه ننموده‌رجو ع ندارند .

مستوفیا ن عظا م کرا م دیوا ن‌اعلی صور ت ر قم مبار ك را دردفاتر
لوازم ثبت و حسب مقرر معمو ل‌داشته از جوانب در عهده شناسند.

تحریر به تاریخ شهر صفر سنه۱۲۰۸.

• • •

کسانی که در پشت و رق فرما ن‌زمانشا ه درا نی مهر کرده اند ــ
عبار ات‌نقوش مهر های شا ن‌از ین‌قرار است :

۱ـالله اکبر .
۲ـبه تیمورشه چو شاهی‌از کریم
است علم از خانه زادان قدیم است
۳ـپور آل احمد جام اســـــــت‌یوسف
٤ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌شکور
٥ـلااله الا الله الملك الحق‌المبین‌ـعبده نورمحمد
٦ـحافظ شیر محمد
۷ـبسم الله الر حمن الرحیم
۸ـمنتظر لطف الهی ر حیمداد
۹ـعلی رضاء الموسو ی
۱۰ـشرف یافت از نام محمداحمد
۱۱ـ عبده محمد بن فتح‌الله
۱۲ـعبده غزنین
سه مهر دیگر خوانده نشد .

قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان

نگین حکم جهان را بنام شاه زمان

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایو نشد : آنکه یگانه گو هر اکلیـــــل
شهر یار ی و در صد ف ابهت و نا مدار ی قره باصر ه دولت واقبال
غر ه ناصیه سطو ت واجلال فرزندارشد ارجمند کا مگار نا مدا ر والا
گهر شا هزاد ه سلطا ن حیدر طول الله عمر ه بالطا ف بیکرا نشاها نه
سر افرا ز گشته بداند که دریــــن ولا فضیلت و کمالات پنا ه حاجـــی
الحر مین الشریفین حا جی عبدالحق درانی الکوزا یی متولی خر قه مبارکه
ونهر شاهی و قف اشرف البـــلاد احمد شاهی به حضور مبار ك عرض
نمود ه که حسب الر قم سلطا ن جنت مکا ن در خصوص حفر نهر مذکور
مقرر است که همه ساله جما عـــه درانی سکنه چهار بلو ك اشـــرف
البلاد احمد شاهی مرد یاور میدهند که نهر مزبو ر حفر ولای کشی می
نمایند استدعا نمود که دریـــــن خصوص رقم مبار ك صادر شود که
از قرار معمول قدیم حا ل هم مردیاور بدهند که هرسا ل نهر مزبور

حفر شود . لهذا باید آن فر زنــــدقدغن نماید که جماعه درانی موافق
رقم سلطان جنت مکا ن وبدستورومعمو ل سابق مردیاور باو بدهند که
سا ل بسا ل‌نهر مزبور را حفرولای‌کشی می نموده‌باشند . حسب‌المقرر
معمول دارند و در عهد شنا سند.تحریر به تاریخ شهر صفر الظفـــر
سنه ۱۲.۹

* * *

کسانی که در ظهر ورق فرمان‌مهر کرده اند ـ نا مها و عبارا ت
نقوش مهر های شا ن ازین قراراند:

۱ـبه تیمور شه چو شاهی ا ز کریم است
علم از خانه زادان قــدیم است
ـ سرکار وکیل الدوله

۲ـکرا می الموسوی ـ۱۲.۸

۳ـپور آل احمد جا م است‌یوسف

۴ـبدولت خواهی سلطا ن دوران
امین الملك شد از دل و جان

۵ـحافظ شیر محمد

۶ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌اسلام

۷ـسلام قو لا من رب الر حیم

۸ـالعبد المذنــب خانه زا د ـ۱۲.۱ .

۹ـالعبد المذنب محمد شریف ـ۱۲.۸

مقرری الحاج ملاحفیظ‌الله

به رتبهٔ رفیع المرتبهٔ تولیت خرقهٔ متبرکه

الحا ج ملا عبدالحق آخو ندزاد ه‌قوم الکو زا یی که به تاریـخ(۲٦) محر م الحرا م سنه ۱۱۸۳هجری ،قمر ي بفرما ن امپرا تور احمد شاه غاز ی ـمتو لی خر قه متبر که درقند هار مقرر شده بود .موصو ف درسنه۱۲۱٤ هجر ی قمر ی(مطابق‌قوی ئیل شمسی) فو ت شد . وبه جا ی او درسنه مذکور به فرمـــان‌امپرا تور زمانشا ه‌غاز ی درانی ـ الحا ج ملاحفیظ الله آخو ند زاد ه‌ابن مر حوم عبدالحق آخو ند زاده برتبه رفیع المر تبه تولیت خر قه‌متبر که مقرر گردید .

قرار داد ز الطا ف خویشتن یزدان

نگین حکم جهان را بنا م شاه زما ن

اعوذ بالله تعالی حکم همایون‌شد:آنکه در این و قت فضیلت پناه‌حاجی
الحر مین ملاحفیظ‌الله‌درانی الکوزایی‌وله‌حاجی عبدالحق متو لی خر قـــ
متبر که حضرت سیدالمر سلین و خاتم ا لنبیین (ص) بعرض اشرف
رسانید که قبل‌از ین حسب الر قم‌مبار ك خاقا ن خلد آشیا ن انارالل
برهانه حا جی عبدالحق والدعار ض‌بر‌تبه رفیع المر تبه تولیت خر ق
متبر که که در اشر ف البلاد احمدشا هی است‌مقرر و سر افراز بو
وحا ل فو ت شده از خد مـــــت‌اشر ف استد عا ی صدور رقـــــ
مبار ك دربا ب تولیت بنا م خودنمودلهذا عرض‌عارض رابدر جه اجا بت
مقرو ن واز ابتدا ی سه ما هه آخرهذه السنه قو ی ئیل اورابدستو
والد ش بر تبه ر فیعه تولیت خرقه‌مبار ك سر افراز فرمودیم که‌چنانچ
باید و شاید واز جو هر تقو یت وصلاحیت اوسزد و آید درسرپرستی

وعزت و احترا م و محافظت خر قه‌مبار ك و جميع متعلقا ت امر توليت
وبلواز م ومراسم امر مزبور لاز مه‌سعی و اهتمام تمام به عمل آو رد
دقيقه از دقايق ملزو ما ت امـــــرمذكور را فرو گذاشت ننمود ه‌نحوی
نمايد كه حسن خدمت و صلا حيت‌او ظا هر شود و هم تحصيل دعای
خير جهت ذا ت ستود ه صفا ت،اشر ف بوده باشد و خرقه مبار ك
رابه نحو ی كه در صندو ق است‌به همان نحو در صندو ق باشد و
سر صندو ق كه قفل شده اســت‌به همان طريق باشد و بدون حكـم
نوا ب همايو ن ما بحكم ديگری سرصندو ق را باز نكند ومرد م كه به
زيار ت بيايند صندو ق را زيا ر ت‌كنند واحد ی از فرما ن اشـــر ف
تخلف نور زد و حكا م و عمال درخرقه مبار كه‌و ملزوما ت امر مزبور
را متعلق باوشمر ند و دربا ب‌زيارت‌نحوی كه امر شده معمول داشتــه
تخلف نورزند .

مستوفيا ن عظا م و شكرنويسان‌كرا م صور ت رقم مبار ك رادردفاتر
ثبت نمايند ١٢١٤.

قرار داد زالطا ف خویشتن یزدا ن
نگین حکم جهان را بنا م شاه زمان
۱۲۰۷

(اعوذ بالله تعالی ـ حکم‌همایون‌شد : آنکه چو ن درینو قت‌فضیلت وکمالات پنا ه حاجی الحر میـــــن‌الشریفین ملا حفیظ الله و لد حا جی عبدالحق الکوز ی به حضور مبار ك‌عرض نمود که قبل ازین حسب‌الرقم مبار ك مطاع تولیت نهر و قف احمدشاهی که واقع است در اشــر ف البلاد مذکور بعهد ه حا جی‌عبدالحق‌والدا و ونهر مذکور و قف صحیح شر عی میباشدمقرر بود ه که‌متوجه‌آباد ی و کشت و زراعت و ضبــط محصو لات نقد ی و جنسی ارا ضی‌نهر مز بور سوا ی منزل باغ‌ومجلس با غ وانار با غ و باغچه دولت‌سراودیوا ن خانه مبار که و آسیا ب‌و زمین های اربابی و باغا ت نهـــــراحمد شاهی باقی تمام آنرا بسر حد وصول و تصرف خود آورده یو م‌به‌یوم عذر اتمام نا ن پخته‌و خیرا ت‌می نمود که به قرار جنس بدین موجب نــقد بیــست و د و تــــــومان

غله دویست و پنجا ه خروا ر ـ گاه دویست و پنجاه خـــر وار
ومساو ی چهار توما ن راز وجه‌مذکور نو کر میکرد که خد مت می
نمایند و ... نقد و قیمت کاه راهرشب جمعه گو سفندا ن خریدار ی
نمود ه خیرا ت نمایند و فاتحه ودعای خیر بجهته رو حخاقا ن جنت
مکا ن حاصل نمایند .

الحا ل والدا و فوت شده‌استدعای‌امضا ی رقم مبار ك بنام خود نمو
لهذا عرض عارض را با نجا حمقرون‌واز ابتدا چهار ما هه هذ ه السنـــ
مبار که قوی ئیل ـ فضیلت‌و کمالات‌پنا ه حا جی ملاحفیظ الله مشارالیـ
وغیره اولاد حا جی عبدالحق‌درعوض‌والدش بر تبه تولیت نهروقف احـ
شاهی بر حا ل و بر قرار فرمودیم‌که بدستو ر والدش در خد مـــ
مذکور متو جه بوده به تقدیم مـــی‌رسانید ه باشد و عشر نقد و جنـ
محصو ل نهر مزبور را به‌تصر ف‌وصرف‌مایحتا ج خود نموده تتمـــ
غله را موافق معمول سابق بلقو ر ونقد و قیمت کاه را که‌از آن جملـ
چهار توما ن را دونفر نوکر گر فته‌که بخد مت خریدار ی رو غن‌وغیـ
ملزو ما ت بلقو ر گر فته و جه راروغن‌ونمك و همه جهت بلقـــو
ابتیاع و خیرات نموده وفــاتحــه‌ودعا ی خیر جهته رو ح خاقـــا
رضوا ن مکا ن حاصل نمایند .وچون‌نهر مذکور و قف وخار ج جمـــ
وتولیت آن به آن فضیلت پناه‌مفوض‌ومرجو ع است متو جه آن گردیـ
در آباد ی آن ساعی بوده باشد .مستو فیا ن عظا م کرا م دیوانا
صور ت رقم مبار ك مطا ع‌را دردفاترلازمه ثبت و حسب المقرر معمـ
داشته در عهده شناسند. تحریربه تاریخ شهر جما دی الثا نی
(۱۲۱٤)

* * *

عبارا ت نقوش مهر های پشت‌فرما ن ازین قرار است :

۱ـ عبده شکور

۲ـ حافظ شیر محمد

٣ـاحقر العباد گل محمدـ١٢.٦

٤ـعبده محمدرحيم

٥ـبدو لتخواهی سلطا ن دورا ن   امين الملك شد ا زدل وجا ن

٦ـچوفضل ايزد و لطف محمد ی يار است

وزير اعظم شاه زمان وفادار است ـ١٢١٣

٧ـالهی بحق شهٔ پنجتن   نظر ی كن بحال حسن ـ١٢.٩

٨ـياغفا ر الذنو ب

٩ـغلام شاه زما ن مير هوتك

١٠ـلااله الا الله الملك الحـــق المبين ـ عبده محمد شريف

١١ـعبده علی رضاء الموسوی

١٢ـشرف يافت از نا م محمــداحمد ـ١٢.٧

١٣ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌عباس ابن هاشم

١٤ـابن علی ر ضاء عبدالر حيم

١٥ـلااله الاالله الملك الحـــق المبين ـعبده محمد حسين

١٦ـلااله الا الله الملك الحـــق المبين ـ عبد ه غزنين ـ١٨١٤

اشهد ان لا اله الا الله

و اشهد ان محمداً عبده و رسوله

عزیز الدین وکیلی پوپلزائی تحریر نمود
کابل سال ۱۳۶۶

... شریفه (قندهار)

منظوری بیست تومان روپیهٔ نقد معاش

همه ساله برای متولی خرقه شریفه

امپراتور زمانشاه درانی به‌تاریخ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۱۵قمری برای الحاج حفیظ الله متولی مبلغ بیست تومان روپیه نقد موا جب همه ساله منظور نمود که بروفق برات نقد از خزینهٔ قندهار ازمدرك مالیات چهل یك آن ولایت اخذکند . واین فرمان شاهد آن حقیقت است . چهل یك چی مالیات قندهار همدرین عهد فیض الله خان پوپلزایی بود .

بسم الله خير الا سما

الملك لله
قرار داد ز الطاف خویشتن یزدان
نگین حکم جهان را بنا م شاه زما ن

اعوذ بالله تعالی ـ حکم‌همایو ن‌شد : آنکه بنابر تحصیل دعـــای خیر بجهته ذا ت بابرکا ت اشرف‌ارفع اعلی از ابتدا شش ما هه هذه السنه مبار که پیچی ئیل ســـال‌میمو ن هرسا له مبلغ بیست تومان برا ت نقد به صیغه موا جب همه‌ساله در و جه فضیلت پنا ه حاجی الحر مین شریفین حاجی حفیظ الله‌مقرر و مر حمت فرمودیم‌که هرسال از مالیا ت و جوه چهل یك اشرف‌البلاد احمد شاهی از عمال آن باز یافت و صر ف مایحتا جخود نموده‌به دعا گو یی دوا م دولت خدا داد قیا م نمایند .

حکا م و عمال حا ل واستقبا ل‌اشر ف البلاد حسب المقرر ازتاریخ مذکور هرسا له مبلغ بیست تو ما ن‌وجه موا جب فضیلت پنا ه نامبرد ه را هرسا ل از و جه چهل یك آنجامهم ساز ی و قبض در ضمـــــن

سواد رقم مبارک که باز یافت و بخرج‌خود مجر ی و محسو ب دانسته هر ساله درین خصوص رقم مجـــــددمطالبه ننمایند .

مستوفیا ن عظا م کرا م دیوا ن‌اعلی صور ت رقم مبار ك رادردفاتر لازمه ثبت و حسب المقرر معمو ل‌داشته در عهده شنا سند . تحریر شهر ربیع الثا نی سنه ۱۲۱۵.

* * *

اعضا ی دولت و حکو مت‌ومسوولین امور حسابا ت که در ظهر ورقه فرما ن مهر کرده اند نقوش مهـرهای هریك ایشا ن دارا ی ایـــــن عبارا ت اند :

۱ـعبده شکور

۲ـآنکه دلش روشن از نور علی‌است گل محمد خلف‌شاه‌ولی‌است

۳ـحافظ شیر محمد

٤ـچوفضل ایزد و لطف محمد ی‌یار است
وزیر اعظم شاه زما ن و فادار است . ۱۲۱۳

٥ـمیر هوتك غلام شاه زما ن

٦ـیاغفار الذنو ب

۷ـلااله الا الله الملك‌الحق‌البمین‌ـعبده محمد شریف

۸ـعبده علی رضاء الموسوی

۹ـشرف یافت از نا م محمداحمدـ۱۲.۷

چوبر گزید ه سبحان و ظل‌معبود است
فراز مسند شاهی مقام محمـود است

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایو ن‌شد : آنکه فضیلت‌و کما لا ت‌پناهان ملا خدابخش ملا باشی و ملانصرالله‌امین محکمه احمد شاهی وملاالیاس وملا پیر محمد کاکر ی و ملادوست‌محمد ترینی و غیر ه علمای اشر ف البلاد احمد شاهی بالطا ف‌شاهانه‌سر افراز گشته بدانند که دریـــن ولا فضیلت و کما لات پناه حاجی‌الحر مین الشریفین حا جی‌حفیظ‌الله درانی الکوزا یی متو لی خر قه‌متبرکه‌بعرض اشر ف رسانید ه‌که ایشا ن باتفا ق هم در با ب‌خیرا ت وبلقورباوگفتگو می نمایند دعوا می کنند درین خصوص قبل ازین‌هم که‌گفتگونموده اند ر قم سلطا ن جنت مکان صادر شد ه بود که ایشا ن هریک‌موجب و جیر ه مقرر ی دارند و هر سا ل .... واین خیرا ت ازبابت‌حاصل نهر و قف احمد شا هی هر کس از فقرا و مساکین که حا ضرباشد می گیرند و ایشا ن را باین خیرا ت کار ی نباشد حال هم بایدبه نحو ی که مقرر شد ه در آن باب

گفتگو نکرده به حاجی حفیظ اللــــهدرین خصوص دخل و رجوع نداشته باشند که به نحو سابق مــعمو لدارند حسب المقرر منظو ر ومعمول دارند و در عهده شناسند .تحریربه تاریخ شهر ربیع الاو ل سنـــــه ۱۲۱۶.

* * *

کسانی که در پشت و رق فرمان مهر کرده‌اند ، عبارا ت نقوش هر یك مهر از ین قرار است :

۱

۱ــبسم الله الر حمن الرحیم

۲ــمحمداکرم

۳ــالعبد المذنب گلستا ن

٤ــالعبد المذنب رجب علی

۵ــاقل خلق الله علی ر ضـــــاءالموسوی

٦ــزلطف احمد والطا ف سبحا ن شکر از جا ن غلام شاه جیلان

۷ــافوض امر ی الی الله ــ عبده‌فتح الله

تعیین اوقاف

چو ن احمد شاه غاز ی ـدرنقل داد ن خر قه واجب الاحترا م حضرت سیدا لا نا م و شر ف خد مت تولیت آن مقام خدمت بزرگ نمود وهـم باین منظور که بیك خانواده علمی معاونتی شود و املاك مورو ثـــی خاندا ن شاهی در جمله او قا ف محسو ب گردد . در اول شهـــر جما دی الثا نی سنه ۱۲۱۹ هجری قمر ی مکررا و قف نا مه نوشته شد که اینك خلاصه عبارا ت آنرا ازنظر می گذرانیم .

اوکه هریك مصابیح انوار ا بتداءمفا تیح ابوا ب اقتداء اند ـ علی‌هذا لخصوص بر چهار یار کبار که هرکدا م از وزرا ی دولت محمد ی و امنا ی ملت احمدی اند رضوا ن‌الله‌تعالی علیهم اجمعین امابعد ـ

چو ن واهب العطـا یا و رازق‌البرایاً هر گاه بند ه از خواص عباد خود را که به عواطف لم یزلـــی‌مخصوص گرداند ابوا ب خزا یـــن رحمت خودرا برو مفتو ح سازد وهرآیینه اورا بدو لتی که حر متزوا ل بدا من اجلال‌آن نتواند رسید و به‌نعمتی که پای نقص پیرا مون کما ل آن نتوا ن گشت‌در میا ن سایـــرعباد خود امتیا ز بخشد و تما می همت اورا مفتح ابوا ب خیرواحسان‌ومرشح اسبا ب برو امتنان سازدو حسن صور ت این معنی‌در مرا ت‌هدایت سما ت الرا جی الی‌ر حمـة الله تعالی بنده‌گا ن اعلیحضــر ت‌المو ید بتا ئیدا ت الاله شجا ع‌الملك پادشا ه لازا ل‌جلال ملکه وسلطا نه‌وبا قی شهزاد ه گا ن بلند مکا ن آرایش نمودند . چنانچه بـد یده‌تحقیق مشاهد ه و به‌نظر تدقیـــق ملاحظه فرموده‌که امتعه این جهان‌راشر ف زوا ل و در ورطه انتقا ل است مگر آنچه وسیله تقـــر ب‌به حضر ت خلاق علی الا طلاق بوده باشد چنانچه ما عندکم ینفد و مـــاعندالله با ق ـ بدین معنی ناطـــق است واز جمله وسایل یکی‌صدقا ت‌قرار یافته و از جمله صد قا ت و مرسوما ت مبرا ت یکی تعیین‌اوقاف‌است . زیراکه بمرور ایا م‌وشهور به صفایح اعصار و دهور مدا م‌الایام‌اتقیا باقی میماند .

بنابرا ن بنده‌گا ن عالیشا ن گیتی‌ستا ن معظم الیه و باقی شاهزادگان عالیشا ن همت خود هارا بر افاضه‌صد قه جاریه مصرو ف داشتند و در تاریخ غر ه شهر جما دی‌الثا نی‌سنه (۱۲۱۹) یکهزار و دو صد و نوزد ه از هجر ت نبو ی صلعم و صحبه وسلم بود که بـــه مضمون صدا قت مشحو ن آیه کریمه مثل الذین ینفقو ن اموا لهم فی‌سبیل‌الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل‌فـی‌کل سنبلة مائة حبته وا لله یضا عف

لمن يشاء و الله سميع عليم ـ بـه‌مضمو ن هدايت رهنمو ن حديـــث شريف اذاما ت الا نسان انقطع عنـه‌عمله الا من ثلثةالا من صد قةجارية او علم ينتفع به او و لد صالـــح يدعو له و به مطالعه اين حديـــث که گفته اند :

بزرگ عيش بگور خويش فرست   کس نيارد ز پس تو پيش فر ست

موفق به توفيق ايزد ی گشته امابعد اين ذکر يست در بيان آنکـــه وقف کردند و تصدق نمودند .ازخالص املاك و طيب اموا ل خالصا له تعا لی در حا ل صحت ذا ت و نفا ذجميع‌تصرف شر عيه خود صالحـــا را ضيا همگی و تما می مواز ی دوحجر طا حو نه که واقع است د ر نهر سر کاری قريه صالحا که ا زرود ار غندا ب ....

وقفا صحيحا لاز ما و صد قةجارية نـــا فذ ة . . . ..و شـــــــرط کرد واقف معظم اليه که متو لی اين‌دو حجر طا حو نه فضيلت‌و کمالات پنا ه افاد ت وافا ضت دستگا ه‌ملاياسين و لد مر حو م ملاعبدالغنی بارکزا يی گر جی زا يی ايضامتولی‌مقبره منوره خاقا ن عليين آشيا ن و بدا ن طريق که حاصل يك حجـــرطا حو نه رابه مصار ف جير ه ملا زمان و باقی خد مه های رو ضـــه‌خاقا ن مبرور رسانيد ه و حاصـــل يك‌حجر طاحونه ديگر رابه مصارف‌حصه کبوترا ن رو ضه متبر کـــه ميداد ه باشد و ثوا ب موقو فـــه‌بروح پر فتو ح آن موصو ل باد .

ومشرو ط فر مودند که چـو ن‌فضيلت پنا ه مذکور از دست ساقی اجل شربت کانفس ذايقة الموت رانوش کند سر رشته اختيار د ر قبضه اقتدار اولاد مذکور باشد ...واين واقفان اين مر قو مه رااز‌املاك بيگار ی اخرا ج‌و تسليم فضيلـــت‌پنا ه مشا ر اليه فرموديم‌ومذکو ر قبول نمود ....

وقف نهر روضه باغ

برای خرقه شریفه

شجاع الملک شاه در دوران سلطنت اول نهر روضه باغ قندهار رابرای خرقه شریفه وقف نمود وسند آنرا به مهر خود به حاجی حفیظ الله متولی سپردواین استعین عبارت وقف نامه موصوف:

* * *

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و سلام علی عباده الذی اصطفی امابعد ـ

بر ضمایر ارباب فراستو اصحاب کیاست پوشیده نماند که به مضمون آیه کریمه معظمه مکرمه مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلةماته حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسععلیم و به موجب حدیث صحیح صریح حضرت افضل البشر علیهو علی اله افضل الصلواة والتحیات اذامات الانسان انقطع عمله الا منثلثة الا من صدقة جاریة او علم ینتفع به ....

* * *

شجاع الملک شاه در دران

الملك لله
شد از عین عنایا ت الهی
مسلم بر شجا ع الملک شاهی

درینو لا جنا ب آفتا ب عالتماب صحیفه سلطنت و کا مگار ی ....
مروج قواعد شریعت غرا ....

خلد الله تعالی ملکه وسلطا نه وافاض بر ه واحسانه و قف کردو تصد ق نمود خالصا لله تعالی ـ ازبرای حا جی الحر مین الشریفین حاجی حفیظ الله بن حا جی عبدالحق درانی الکوزا یی واخر ه للعا لمین الفقراء تما می یك زوج ارا ضی متعلقه معینه آن که واقع است در اشرف البلاد احمد شا هی مشهور به نهر رو ضه با غ و محدو داست باین حدو د شر قا متصل است اما بـر ارغنداب پیوسته است بز مین های عاشقه ـ شما لا متصل است بـ ه دامنه کوه ـ جنو با متصل است به نهر ناگمان بکل قلیل و کثیر هو فیه ومنه و بجمیع حقو ق ومرا فقش و بجمیع آنچه از آنها دارندو شمرند واضا فه کنند . و قفا شر عیا صحیحا و شرط کردند واز نظـر معظم الیه که متولی این و قـف

حاجی مذکور مادا م حیاته وبعـدازآنکه حا جی مزبور از دست‌ساقی اجل شربت ضرور یه کانفس ذایقة‌الموت نوش نماید .

متولی این وقف رجو ع کـــردحضرت قا ضی اسلام نافذ الامر و الاحکام دارالسلطنه کابل درحالیکه‌عالم بود به محل اختلاف مجتهدین مواضع خلاف اعنه الدین رضـوا ن‌الله تعالی‌علیهم اجمعین در ضمـــن مرافعه شرعیه بر خصم حاضر شی‌حکم کرد . بر صحت‌این مو قو ف اولا و بلزو م آن ثانیا فصار هـذاوقفا صحیحا شر عیا لاز ما مسجلا جا معا نافذ ا بجمیع شرا یـــط وصحت الد عو ی و الشهادة بحیث الا باع و یو جب ولایور ث‌ولایمهرولایبد ل و کان ذلك بمحضـــــــر المسلمین فی تاریخ بیست‌و دو ی‌شهر ربیع‌الاو ل سنه ۱۲۲۱

حافظ شیر محمد

* * *

المتوکل علی الله‌الصمد
خادم دین نبی شد محمد
۱۲۱۹

توضیح : حافظ شیر محمداشرف‌الوزراء پسر اشرف الو زرا شاه‌ولی خان است و دراین ورقه وقف نا مه‌مهر کرده است .
مولوی محمد خان ـ اقضی‌القضاة‌وخانعلوم بوده است .

دوباب کار بانسراو بازارچه

وقف خرقه شریفه

محمود شاه درانی به تاریخ شهرربیع الثا نی سنه۱۲۲۳ قمـــــری فرمانی برا ی تایید و قف خر قـه‌شریفه صادر نمود ه وثابت مــی گردد که دوبا ب کاربانسرا و بازارچه در شهر قند هار برای مصارف زیار ت واهل تولیت خر قه شریفه‌وقف ومـقرر بوده واین فــر مان ثانی موید آن است :

فرمان محمود شاه درانی

اعوذ بالله تعالی ـ حکم همایون شد : آنکه حکام وعمال حال واستقبال اشرف البلاد احمدشاهی بالطاف موفوره شاهانه سر افراز گشته بدانند که چون حسب الارقام و دستخطهای مبارک موازی دوباب کاروانسرای شاهزاده سلیمان و بازارچه دروجه فضیلت پناه حاجی ملاحفیظ الله متولی خرقه متبرکه مرحمت گردیده بود که حاصل آنرا بجهته جیره خدمه و روغن چراغ و تعمیر و غیره امورات خرقه میرسانیده باشد . ازخدمت بنده گان اعلیحضرت شاهنشاهی ظل اللهی استدعای امضای رقم مبارک نمود بنابران امرو مقرر فرمودیم که به نحوی سابق موافق ارقام و دستخط های مبارک از ابتداء هذه السنه مبارکه لوی ئیل فیروزی تحویل سال نهنگ در وجه مشارالیه مرحمت وعنایت فرمودیم که به نحو یکه از خود خرج کشید و خرابه راآبادکرده است حال سال بسال حاصل ومنافع آنرا به مصارف خرقه منوره متبرکه میرسانیده باشند وموازی دوازده باب دکان که ازجمله دکاکین وبازارچه مذکور که به غلط نهایی دروجه ملانصیر و ملاجمعه و ملا باشی و ملا صحبت وملا

عبدالر حمن و غیر ه مقرر شــــده‌بود از و جه آنها موقو ف دانستــه بدستو ر سابق در و جه حاجـــــی‌حفیظ الله مشار الیه بر قرار دانند که هر ساله حاصل ومنافع دکاکین‌بازار چه ودوبا ب کاروانسرا رابه مصار ف خر قه متبر که میرسانیده‌باشد و میرو خا ن درانی فوفلزایی وغیره که رقم و دستخط لبا ســـی‌نموده بودند احکا م آنهاراموقو ف دانند و هر گاه بعد ازین هـــــم‌احد ی رقم و یاد ستخط حاصـــــل نمایند حکم آنرا منظو ر نه نمایندواز با بت‌ما لیه‌دگا کین‌و مرسومات دار و غه ها ی با زار ی و کوتوالی‌وبیگار و سیگار و صادر یا ت‌وغیره بهر اسم ورسم که حوا له شـــودمعا ف ومرفو ع القلم دانسته به‌هیچ و جه من‌الو جو ه مزا حم‌و متعرض‌نشوند .

مستوفیا ن عظا م صور ت رقـم‌مبار ك را در دفاتر لاز مه ثبـــت نمود ه در عهد ه شنا سند .

فی شهر ربیع الثا نی سنـــــه۱۲۲۳).

کسا نی که در ظهرو رق‌فرمان‌مهر کرده‌اند ـنا م ها وعـبارا ت نقوش مهر ها ی شا ن ازین قـراراست :

۱ـزلطف احمد والطا ف سبحا ن شکر از جا ن غلام شاه جیلان ـ نظام الملك .

۲ـلطف حق شامل حال میرعلم .

۳ـبسم الله الر حمن الرحیم :

٤ـاقل خلق الله محمد حسیـن‌المو سوی .

٥ـعبده یحیی

٦ـابو القاسم الحسینی

۷ـافوض امر ی الی الله ـعبده‌میر عبدالله

الملك لله

شد از عین عنایت الهی

مسلم بر شجاع الملک شاهی

دراین آوان میمنت نشان که اوایل جوش بهار دولت گیتی امتداد ...و مبداء سال فرخ فال سعادت قبیل سیچقان ئیل و شهر رمضان المبارک سنه .... بعد الالف من هجرة النبویه علیه الصلوة اکملها و من التحیات اجملها ست... المویدبتائیدات اله شجاع الملک پادشاه لازال جلال ملکه وسلطانه به مضمون آیه وافی هدایه الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة .... الخ .

موفق به توفیق ایزدی گشته درحین صحت و اعتدال مزاج ازروی رضا ورغبت و قف صحیح مخلد و مویدشرعی فرمودهمگی و تمامی دکاکین ادراک خواجه سرا که واقع است در اشرف البلاد احمد شاهی دررو بروی سرای ادراک مذکور مشروط بر اینکه فضیلت و کمالات پناه افادت و افاضت دستگاه ملایاسین بارکزایی گرجی زایی متولی مقبره سلطان علیین آشیان انارالله بر هانه سال بسال مالیه و

وجه کرایه آنرا باز یافتو صرفروشنا یی مقبر ه سلطا ن مبـرور
رسانید ه احد ی دیگر را به دکاکینومالیه وو جه کرایه آن غرضــــــس
ورجوعی نباشد . حاصل ومنافـــعواختیار دکاکین مذکور ومالیهوو جه
کرایه آن به فضیلت پناه ملا یاسینمشار الیه است و از شایبـــــــه
ریب و ریا معرا و مبرا دانند و قفاصحیحا شرعیا مخلدا مو یدا صدقة
جارية جازما .....

بخش دوم

اجمال و اختصار معلومات

درخصوص خرقهٔ شریفهٔ در قندهار

(۱۱۸۲ ق-۱۳٤۷)

تالیف

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی

به تفصیلی که مذکور شــــد ـشاهو لی خا ن وزیر ـ خر قه‌مطهره
حضر ت سید لو لاك را از میـــرسلطانشا ه ابن میر یاربیگ‌تسلیم
گرفت و بعد تلاو ت آیاتی چند ازقرآن کریم و صر ف صد قا ت و
نذورا ت بسیار آن امانت بزرگ‌ومقد س را که از عر صه یکصدو
سی و شش سا ل به خاك افغا ـنستا ن انتقا ل یافته وسی و پنج
سا ل در بلخ و هفتاد و چهارسال‌دربدخشا ن پر تو نزو ل وبرکا ت
داشت .

باعزت و عظمت تمام درسنـــــه۱۱۸۱ قمر ی از طریق پروا ن‌به
کابل رسانید وبعد مد تی ازکابل‌براه میدا ن ـورد ك ـغز نه‌ـ مقر‌ـ
قلات ـ شهر صفا ، به تاریخ نهم‌ربیع الاو ل سنه ۱۱۸۲ مطابـــق
سیچقا ن ییل شمسی هجری قمری‌به شهر جدید قند هار رسانیده‌شد.
ودر اولین مسجد جدید التعمیر که‌درسنه ۱۱۷۲ قمر ی ده سال پیش از
ورود خر قه مطهر ه به سمت جنوبی‌گذر بردرا نی و درنزدیکی خانـــه
وزیر شا ه و لی خا ن واقع است‌گذاشتند و تاسنه.۱۱۹ قمر ی د ر
همان مسجد قد یمی (زاره مسجد)بود .

امپرا تور تیمور شا ه درسنـــه١١٨٦ قمر ی در آغاز قصدحرکت موکب از قند هار به جانب کابل-دربا ب خر قه شریفه فرمود که : باید پس ازین خر قه مبارکه قطعابه اماکن دیگر منتقل نگردد ونباید این لباس جلائل اساس دستخوش‌صا حبا ن قدر ت گردد و چنانکه در قرو ن پیشتر قدر ت مندان‌وقت‌خر قه معظمه را از جابیجا ساخته بودند ، بعد ازین از مرکز قندها ردر هیچ یك محل دیگر برده نشودو باین سخنا ن همه علما حضور فتوا داده در همان مسجد قدیم (زاړه-مسجد) که درسنه ١١٧٢ قمر ی‌بنا یافته بود . گذاشت وخود بـه جانب کابل حر کت نمود . واز بدوحرکت در جنوب شر قی حوا لـــی مرقد احمد شاه بزرگ والد ما جدخود ـ نقطه خیلی خوش هواو مصفا رابرای اعمار مقا م خر قه نبویـــه‌تعیین فرمود و آنچه در فرمــــا ن احمد شاه غاز ی برای حقو ق‌تولیت‌تعیین شده بود تاسنه ١١٩٦قمری ادا مه داشت .

ودر سنه مذکور و قف نا مـــه‌نوشت و متن آن دراین رسالـــــه تاریخیه مندر ج است . و توام‌باو قا ت تعمیر آرا مگاه احمد شاه‌کبیر عمار ت خر قه مطهر ه را به‌صورت‌علیحد ه با مسجد جا مع‌و محو طه وسیع و حوض آب به طور خیلـــی‌مرغو ب از خشت پخته و گچ‌وچونه وسنگ مطابق مهند سی ومعمار ی‌استادا ن قند هار ی آراست ،ودر وقت تکمیل تعمیر (غر ه شهــــــررمضا ن المبار ك‌سنه ١١٩٠ ق‌مطابق پیچی ئیل شمسی ـ سا ل ‌میمون)خرقه مبا ر که را با نتهای عــزت وعظمت از مسجدقدیم (زاړه‌مسجد)از نزد یکی منزل شاه ولی خـــا ن مر حو م با صر ف‌صدقا ت‌ونذورات‌بسیار وادعیه و تکبیر ا ت‌ودرود بروح مبار ك حضر ت سیدالاو لین‌والاخرین محمد صاد ق الوعدالامین (ص) بر داشته در عمار تی که تاا‌کنو ن (سال ١٣٦٦ش) زیـــب و زینت تمام دارد و باآ ن عظمت‌وشان‌پابر جا ست ، گذاشت .ودرهمین سنه برا ی جیر ه عالمان و متولیان‌خرقه معظمه فرمانی به عنوا ن عمال ومستا جرا ن مالیا ت ولایت‌قندهاردر بر قرار داشتن جیر ه پنج نفر

عالما ن و پنج نفر متولیا ن صادرنمود و مقدار یك من ده آثار بوز ن تبریز نا ن پخته مقرر داشت و درسالیا ن دراز این رسو م بجـــا میگردید .

بعد از آنکه خر قه مبارکه د رعمار ت جدید منتقل گشـــت . و تیمورشاه بکابل معاود ت نمود علما و اعیا ن انجمن حضوربعرض رسانیدند که خاقا ن کبیر (احمد شاه درددرا ن) ازرو ی نهایـــت احتیا ط خر قه شریفه رادر حجره‌مسجد و درنزدیك‌خانه وزیر شاه‌ولی خان گذاشته و تمام اکابر و اعیان‌وعلمای وقت در اندرو ن شهـــر مراقبت و موا ظبت می نمودندوالان‌که خر قه مبار که در صحن‌روضه باغ انتقا ل یافته و چنانکه د رقرون‌گذشته چند مر تبه توسط اربا ب تولیت از جابیجا گردید ه مبـــاداخدا ی نا خواسته روز ی از قندهار بدیار دیگر منتقل گردد .وامپراتورتیمورشا ه تا هنگا م معاود ت دفعه سو م‌به قندهار به تشو یش بسرمی‌برد .

تیمور شاه درسنه ۱۱۸٦ قمر ی‌در دا منه علی آباد محل اما نـــت خر قه شریفه را که درسنه ۱۱۸۲قمر ی گذاشته شده بود ملاحظـــه کرد . و آنجا را مانند زیار ت‌دشت‌ده بید سمر قند که بعد از انتقال خر قه مبار که به شهر بلخ زیارت‌شاه مردا ن نام کرده بودند_جایگاه خرقه را در دا منه علی آبـــادکابل ــ اونیز احتراما زیار ت شاه مردا ن نا م گذاشت و محل‌وموضع‌خرقه شریفه را که ازمدت چهارسال سنگ چینی شده و توغ بالا یش‌نصب کرده بودند ـفر مود که د ر نزدیك آن جایگا ه چاه آب بـرای‌وضو و نوشید ن زائرا ن حفـــر شود ودر ختا ن تو ت در زمین‌وقفی‌غرس گردد . اما اینکه بعضی جماـ عا ت از رو ی حسن عقید ت آنجاراقدمگاه حضر ت امیرالمو منیـــن علی کرم الله و جه تصور نمود ه‌وسنگ سوراخی را که صندو ق‌محمل خر قه معظمه را از طر ف روز باین‌مفهو م که از قامت زائرا ن بلنـــد باشد می گذاشتند . سنگ‌ذوالفقارنا م گذاشته اند . این یك حســـن

تعبیر عا میانه است و حقیقت‌همان‌است که درسنه ۱۱۸۲ قمر ی چند گاهی خر قه نبو یه درآن محـــــل‌منز ه و گوشه از حدود شهر قدیم کابل قرار داشت (۱)

امپرا تور تیمور شاه ـ درسنـه۱۱۹۶ قمری که این و قت با ر دیگر وارد قند هار گردید باین دلیل که‌باید اربا ب تولیت ـبعلاو ه آنکـه حسبا و نسبا قند هار ی و معتمدملت اند ـاز نظر و ضع گذار ه نیز بیشتر ملتفت و متو جه ادای‌خدمت‌تولیت باشند ـ نهر شاهی (شا ه واله) را به ا را ضی آن که از آب‌مزبو ر مشرو ب می گردد‌ـو قف کرد و در اختیار اهل تولیت‌خر قه‌نبو یه سپرد ـ ودرسند و قف‌نامه مهر های برادرا ن خودرا نیز نقش‌نمود تا باین ثوا ب بزرگ همــــه فرزندا ن احمد شاه غاز ی مر حوم شریك باشند و بدعا ی خیر یاد شونه.

---

(۱)در اوائل دور ه سلطنـــت‌امان الله شاه ـ علیا حضر ت‌سراج الخوا تین والد ه آن پادشاه بـــه‌شکرا نه حصو ل افتخا ر استر داد استقلال افغانستا ن و هم بایـــن‌افتخا ر که نیاکا ن مادر علیـــا حضر ت به آورد ن خر قه شریفـه‌توفیق یافته بودند بصر ف پو ل شخصی خود جا ی آنرا عمار ت وبنا ی‌گنبد آهن پوش نمود.

ودرسا ل یکبار ظر ف بزرگـــــ‌سنگی را که بنا م دیگ سخـــــی مشهور شده است .

مملو از مالیده نموده وبطـــو رنذر بفقرا توزیع می نمود وا لا ن مرد م آنرا زیار ت‌سخی میگویند.ودر همین عهد بحسب فرمان غازی امان الله شاه درائر عرض‌اهـــــل‌تشییع نا حیه چنداو ل که‌نوشتـه بودند برای تد فین و فیا ت شا ن‌در شهر کابل جای مشخص ندارند دا منه علی آباد ـ تعیین گردید وچنانکه گمان شده است این مدفن اطرا ف زیار ت سخی از عهددرانی‌سدو زا یی است حقیقت ندارد .

وثیقه و قف نا مه به طول تقریبایك متر و (بیست‌وپنج) سانتی و عرض تقر یبا (سی) سانتی به‌خط‌خوش نسخ و نستعلیق به تاریخ شهر رجب المر جب سنه ست وتسعین و ما ته وبعدالا لف (۱۱۹٦ هجری قمر ی)نوشته شدوهفت‌برادر :

تیمور شاه ـ سلیما ن ـ اسکندر-پرویز -دارا ب ـ شهاب-سنجر- دراین و ثیقه مهر کرده‌اند . واین‌وثیقه را هفت برادر که همه به‌قید حیا ت و در قندهار درایا م سفراین‌سا ل حاضر بودند ـ بدست خود به ملا حاجی عبدالحق الکوزا یی‌متولی سپرده اند .و سراسر متن دراین رساله مندر ج است .

به تاریخ (بیست‌و شش) شهرشوا ل الکمر م سنه ۱۱۹٦ ق به عنوا ن شا هزاد ه هما ن رقم دو لت‌امپرا تور ی صادر گردید و گفته شد که یك قسمت ارا ضی تحت‌آب نهر احمد شاهی که از طر ف اها لی با غها در آن احدا ث شده.مالیا ت آن با محصو لات زراعتی زمین های مذکور به اجزا ، موقوفات‌خر قه نبو یه (ص) افزوده گردد .

در فرما ن مور خ (ده) ربیع‌الاو ل سنه ۱۱۹۷ ق که دراثر عرض ملا عبدالحق متو لی صادر گردید ه‌مربو ط به موقو فا ت خر قه‌مبارکه واز حا جی علی نقی و صاد ق‌نا م‌تاجك تلو کانی ـ دربا ب‌دوز وج املاك نهر شاهی یاد شده واز حا جیا ن صدیقی و کسا ن دیگرنیز اشار ت نمود ه است .

در فرما ن امپراتور تیمور شاه‌مور خ(چار) جماد ی الثانی سنه ۱۱۹۷ ق‌که به حا جی عبدالحق‌عنایت شده تا کید گردید ه که هر روز مقدار پنجا ه من بوز ن‌تبریزی‌نان پخته از بابت حاصل نهرشاهی به خیرا ت فقرا و مساکین داد ه‌شبود . ودر این فرما ن ثابت‌گردید که منزل باغ نیز از موقو فات‌خرقه‌معظمه در شمار آمده چنانچه‌درسنه مذکور متو لی خر قه نصف‌ارا ضی‌منز ل با غ‌را برا ی احداث‌انگو ر با غ استد عا کرده بود ودراین‌فرمان‌شاهزاد ه همایو ن به خطا ب نائب السلطنته القا هره‌واز حا جی‌عبدالحق به عبار ت فضیلت‌وکمالات

حا جی الحر مین الشریفین یادشده‌واز میر علی خان اسحق زا یی ــ امیر آخور باشی شا هزاد ه همایون(۱)نام برده شده‌است .

در فرما ن مور خ (دوازده) ربیع‌الاو ل سنه ۱۱۹۸ ق امپرا تــو ر تیمور شا ه از نظر مسا عد ت‌باامورخانگا ه علمی قند هار وسرپرستی مدرسه و نظار ت اوضا ع مفروشات‌زیار ت خر قه نبو یه ــ تاکید شده واز چند تن عالم و شاعر بزرگــــ‌ك‌قند هار به شمول ملاخدابخشـــس اسحق زا یی حوا زایی ملا باشی ــملامدا ح رئیس محکمه شر عیــه ــ ملاالیاس ــ ملاپیر محمد کاکــــر وشاعر ــ ملا دو ست محمد تبریزی متخلص (عزیز) نام برده و برای‌هریك معاشا ت و ماکو لات منظور گردید ه است .

فرما ن مورخ سنه (۱۱۹۰ ق)مطابق پیچی ئیل سال میمو نـوقتی از نزد متو لی مفقود گردید ــدراثرعرض حا جی عبدالحق متو لــی ــ فرما ن ثانی از حضور امپرا تــو رتیمور شا ه صادر گردید. و بــــه جوا ب عرض اوکه گفته بود :

وضع فرش های نمدی بر هم‌است‌وپنجر ه های عمار ت شکســت و ریخت پیدا کرد ه .

درفرما ن مور خ (چــــهارده)ذیحجة الحرا م سنه (۱۲۰۰ق) امر شد که بر آورد کرده و فرش‌قالین‌ازو لایت قاین بیاورند . وثابت‌گردید که ناسنه مذکور ــاز نمد هـــا ی‌مقبو ل قند هار ی در زیار ت خرقه شریفه‌فرش بود ه و بعد از آ ن‌به‌قرار فرما ن امپرا تور تیمور شا ه قالین های قاینی برای فرش زیارت‌خر قه معظمه خواسته شند ه و در

---

(۱)کتا بی که به عنوا ن زیـب‌تاریخ ها نوشته شده و نسخه خطی آن در کتابخا نه نسخ خطــــــــی‌تاشکند درسا ل ۱۳۵۹ شمسی به نظر نگارند ه رسید باسم همیــــن‌شاهزاد ه نوشته شده است.(وکیلی پوپلزا یی)

این فرما ن از جمعه خان الکوزا یی نائب شاهزاد ه همایو ن بلقـــب نائب شاهزاد ه همایو ن بلقــــب وکیل مالیا ت قند هار وعبدالحـق متو لی و غلام علی پیشخد مــــت وادرا ك خا ن دارو غه دفترشاهزاده همایو ن یاد شده و شـاهزاد ه ،همایو ن نایب السلطنه مخا طــب گردید ه است .

امپرا تور زمانشا ه که به تاریخ پنجشنبه (یازده) شوال المکرم سنه ۱۲۰۷ ق در بالا حصار کابـل بر مسند امپرا تور ی موروث نشست در اولین فرمان به عنوا ن شاهزاده همایو ن در مورد زیارا ت بابرکا ت وموقو فا ت قند هار خاطر نشا ن ساخت و گفت که :در پردا خـت و معا ف زیارا ت وموقو فا ت...علماوسادا ت و استما لت ر عایـــا ی اشر ف البلاد و تمام توابعا ت ومربوطا ت دقیقه یی از دقایق نامر عی نگذارد .

امپرا تور زمانشا ه در فرما ن مور خ شهر صفر سنه ۱۲۰۸ بـــه عنوا ن حا جی عبدالحق متولـــــی نوشت که : از و جه عواید نهـــر احمد شاهی (شاه واله)مساو ی چهار توما ن را دونفر نوکر بـــه جهت خد مت زیار ت بگیرد و گفت که متولی موصو ف از موقو فا ت برو فق فر مانها ی سابق استفاد ه کند .

در فرما ن مور خ شهر صفرسنه ۱۲۰۹ ق به عنوا ن شاهزاد ه سلطان حیدر پسر خودکه فرما نروا ی قندهاربود نوشت که : باید مردم سکنـــه چهار بلو ك قند هار کما فی السابق برا ی حفر نهر احمد شاهی و قف خر قه شریفه افراد کمکی بدهند .

آخو ند زاد ه عبدالحق الکوزایی(اولین متولی خر قه مبار که د ر قندهار) در سنه ۱۲۱٤ق و فا ت یافت . و بر طبق استد عــــا ی پسرش ، حا جی حفیظ الله که چندوقت با اشترا ك برادرانش ـحاجی نعمت الله ـملاو لی محمدـ حاجی عبدالغیا ث بخد مت زیار ت خر قه معظمه مشر ف بود ـبه حسب فرمان امپر ا تور ز ما نشا ه در ا نــــی مور خ جماد ی الثانی سنه ۱۲۱٤ق ـ مطابق ابتدا ی چهار ما ه قوی

ثیل) بر تبه متولی خر قه‌بر قرارگردید . و بروی تاکید ر فت تا دهم حصه عواید ارا ضی تحت آب‌نهر احمد شاهی (شاه واله)را ، صرف حوایج خود و باقی و جوه‌نقد و غله و کاه را مانندگذشته صرف نا ن پخته و خریداری گو سفند خیرا ت و رو غن و تیـــل ومواجب خد متکارا ن زیار ت خر قه‌مشر فه بنما ید . و در فرما ن‌مورخ مذکور عواید نهر احمد شا هی‌برای‌صرف خر قه معظمه ــ نقدبیست ودو توما ن ــغله دویست و پنجاه‌خروار ، کاه دویست و پنجاه‌خروار تصریح شده .

ودر فرما ن امپرا تور زمانشاه‌درانی (مور خ ربیع الثا نی سنـــه ۱۲۱۵ق از ابتدا ی شش ما هـــه‌پیچی ثیل سال میمون) باین مطلب صدور بخشید که :

مبلغ بیست تو ما ن بر ا ت نقدبه‌صیغه موا جب همه سا له برا ی حا جی حفیظ الله متولی مقرراست‌وهرسا ل از مالیا ت و جوه چهل یك اشر ف البلاد احمد شاهی‌ازنزدعمال باز یافت و صر ف مایحتا ج خود بنماید و به عنوا ن حکا م وعمال تاکید این مطلب کرده که از تاریخ‌مذکور هرسا ل مبلغ بیست ودوتوما ن و جه نا مبرده رااز و جه چهل ویك مهم ساز ی نموده ودیگرفرما ن طلب ندارند .

در شهر صفر سنـــه ۱۲۱۶ ق‌محمود شا ه از راه سیستا ن وارد مرکز قند هار گردید و به تاریـــخ(سیــــــز ده) ربیـــع الا و ل جلوس بر تخت امپراتور ی نمود ودر فرما ن (مور خ (بیست‌ویك) ربیع الاو ل سنه ۱۲۱۶ ق ــ ا زابتدای هشت ماهه سنه‌تخاقو ی‌ثیل (سال مر غ)رتبه تو لیت حا جی‌ملاحفیظ الله را مانند دور ه زمانشاه درا نی تایید فرمود و فرما ن‌ثا نی‌محمود شاه (مور خ ربیـــع الا و ل سنه ۱۲۱۶ق) به عنوا ن حکـــا م‌وعمال و مبا شرا ن دیوانی اشر ف البلاد احمد شاهی ــ راجع بـــــه‌حفر و لای کشی نهر شا هی وقف خر قه مبار که ــتوسط مردم چهاربلو ك تایید گردید ه وفر مان‌سو م محمود شاه درا نی در قند هـــا ر(مورخ ربیع الاو ل سنه ۱۲۱۶ ق)

به عنوا ن فضیلت و کمالات‌پناهان‌ملاخدا بخش ملا باشی (قو م اسحق زایی) و ملا نصر الله امین محکمه‌شهر قند هار وملا الیاس وملاپیر محمد کاکر ی و ملادوست محمـــد ترینی و غیر ه علما صدور یافته و گفته شده که باید عالمان مذکو رازبابت حاصل نهر شاهی و قف‌خرقه با حا جی ملا حفیظ الله متولی‌دعوی‌گفتگو ننمایند .

به تاریخ (بیست‌و نه) شهـــرسنه ۱۲۱۸ ق ـ شا هزاده کامران فرمانروا ی قند هار به عنوا ن‌سر ـدار محمد کلان خان امین الو جوهات قند هار و سند و شکار پورراجع‌به موقو فا ت زیارا ت قند هار که نخست مرا تب احترا م خر قه‌شریفه‌درنظر است . نوشت :

حاصلات موقو فا ت و توابـــع‌زیارا ت و متبر کا ت خدا م‌زیارا ت ومشایخ که حـ ق‌تولیت آنها مـــی‌باشد و در هیچ صور ت ودرهیـــچ با ب به هیچیك از علما وسا دا ت‌ومشایخ و فقرا مزا حمت‌و تکالیف نرسد .

در فرما ن مور خ (بیست‌ودو)شهرربیع الاو ل سنه۱۲۲۱ق که‌ازحضور شجا ع‌الملك شاه صادر گشتـــه‌نوشته است : شجا ع الملك شاهـ وقف کرد از برای حاجی الحر مین‌الشریفین حا جی حفیظ الله ابـــن حاجی عبدالحق درانی الکو زایـــی‌تما می یکزو ج ارا ضی متعلقـــه معینه آن که واقع است دراشرف‌البلاد احمد شاهی مشهور به نهر روضه با غ و قف حا جی مذکو رباشد .

در دوره سلطنت ثانی محمو دشاه درانی به تاریخ شهر ربیـــع الثانی سنه ۱۲۲۳ـ مطابق ابتدای‌سنه لو ی ئیل سا ل نهنگ به‌عنوان حکا م و عمال قندهار نوشته‌است:

موازی دوبا ب کار ونســرا ی‌شاهزاد ه سلیما ن وبازار چه‌دروجه فضیلت پناه حا جی ملاحفیظ اللـه‌متو لی خر قه مبارکه مر حمـــت گردید ه بود که حاصل آنرا بجهته‌جیره خد مه و رو غن و چرا غ و تعمیر و غیر ه امورا ت خر قه می‌رسانید .

بنابرا ن امر و مقر رفرموديم که به نحو سابق سال بسال حاصل ومنافع آنرا به مصارف خرقه منوره متبر که میرسانیده باشند، وموازی دوازده باب دکان که ازجمله دکاکین و بازار چه مذکور که به غلط نمایی درو جه ملا نصیر وملا جمعه و ملا باشی و ملا صحبت وملاعبدالرحمن و غیره مقر رشده بود ، ازو جه آنها موقوف دانسته بدستور سابق درو جه حاجی حفیظ الله مشار الیه بر قرار دانند که هرساله حاصل و منافع دکاکین بازار چه ودوباب کار بانسرا را به مصارف خرقه متبرکه میرسانیده باشد . واز بابت مالیه دکاکین و مرسومات داروغه های بازار ی وکوتوالی و بیگار و صادریات و غیره بهر اسم ورسم که حواله شودمعاف ومرفوع القلم دانسته به هیچ وجه من الوجوه مزاحم ومتعرض نشوند .

علیست شیر خدا وامیر شیرعلی

۱۲۹۰

صاحب معظم والا شا ن مهربا ن‌سردار میر افضل خان حـکـمرا ن دارالقرا ر قندهار را واضح خاطـرسا می آنکه :

درین‌و قت فضیلت نشا ن مـــلاعبدالله آخو ند زاد مولد رحمت الله آخوند زاد ه نواد ه غیا ث آخو نـدزاد ه مر حو م شرفیا ب دربارمعلی گردید ه د ربا ب تولیت‌ومجاور ت‌مزار فیض آثار خر قه شریفـــــه عرض واظهار کرد که از آبا و اجدادمجا ور ت و تولیت مزار مذکـــور بما خانواد ه تعلق داشته ودیگری‌را دخل و غرض نبود ه حال بعضی ازمرد م اجنبی را هوای مجاو رت‌و تولیت مزار(۱)مذکور درسرافتاده مارا به مجاور ت آنجا آرام نمـــی‌گذارند . و چند قطعه دست آویزو

---

(۱)مزار ــ جا ی زیار ت.اکثـــــراطلاق‌این لفظ بر قبر کنند . یعنی استعما ل این کلمه برای زیار ت‌خر قه شریفه درست است .واماچون عمو ما کلمه مزار برای قبر انسا ن‌بزرگ و مزارا ت برای قبو ربزرگان اهل تقو ی یاد شده است .درایـــن‌متن درست نمی نماید .

سند و تمسکا ت که درباب استحقاق مجاور ت و تولیت مزار فیض آثا ر
مذکور در دست داشت از نظرشهریاری گذ رانید ودست آویز جدید
به مهر سر کار وا لا مطالبه نمود.چو ن سر کار والا رابر احـوا ل
مجاور و متولی مزار مذکور علـــم واطلاع حاصل نیست لهذا صور ت
تحقیق این مد عا وانجام مقصــد ملا عبدالله آخوند زاده حوا له بـه
رای صوا ب نمای صا حبی فرموده نگارش می یابد که خودش نوشتجات
وتمسکا ت مشا ر الیه را ا زنظـــر خود گذرانید ه و علم به حقیقـــت
عرض واظهار او آورده هرگاه تولیت و مجاور ت مزار فیض آثار مذکو ر
حق ملا عبدالله باشد به ملا عبدالله سپرد فرما یند که به خدمت آنجا
قیا م واقدا م ورزیده آنچه حاصـل و قفیات او ست د خل وعمل داشته
وبه مصر فی که سابقا مقرر بود ه برساند هر گا ه دیگر ی ازخاندا ن
مشار الیه را از روی استحقا ق به قرار سابقه با مشار الیه د رامـــر
تولیت وماحصل و قفیا ت شرکت ومدا خلتی باشد همان تقسیـــــم
سابقه را مابین شا ن بر حـــا ل واستوار بداند که هر کدام حـــق
خودرا مالك وقابض بوده یکی بـــر دیگری ستم شریکی نداشته باشند.
واگر چنانچه از مرد م اجنبی کسی را با ملاعبدالله آخوند زاده در امر
مذکور دعو ی و گفتگو ی غیر حق باشد البته خود آنصاحب بکلـــی
ممانعت خواهند فرمود که مزاحـــم حال مشار الیه نشود فقط تحر یـــر
شنبه (هفت) شهر شوا ل المکرم سنه ۱۲۹۵.
(علیست شیر خدا و امیرشیرعلی)
۱۲۹۰

* * *

فرما ن امیر شیر علـی خان ـ این فرما ن دور ه محمد زا یی در
خصوص زیار ت خر قه شریفـــه قندهار به خط وانشا و محمدنبی
خا ن (واصل) دبیر الملك نوشتـه شده و قبل از آ ن سندی به نظـــر
نرسید ه است . در پشت فـرمان مهر دبیر دارا ی سنه ۱۲۹۰ خوانده
میشود و در همان سنه بعو ضـــ محمد حسن ـ این رتبه رایا فتـــه
است .

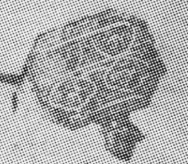
خرقهٔ شریفه و موی مبارک

در شهر قندهار ـ دو زیـــارت بزرگ ـ (خرقه شریفـه و مو ی مبارك) موجود است . در سنـــه ۱۳۲۵ هجری قمر ی امیر حبیب الله خان بشر ف زیار ت واحترا م آ ن دو زیار ت مقد سه رسید وخدماتی را انجا م داد ـ سیاد ت پناه (۱) میرمحسن آقا ی پشینی شرحی نوشته که سرا سر عبار ت اورا در جملـه تو ضیح و حوا شی این کتا ب مفید ومغتنم میدانیم و آن این است :

(از آنجا که توجها ت شنشـــه شهنشا هی شاه سعاد ت بنیا ن

---

(۱) میر محسن آقا به تاریخ یکشنبه (هجده) شهرشوال المکر م سنـــه ۱۳٤۱ هجر ی قمر ی در شهـــــر قندهار فو ت وهمانجا دفن گردید. موصو ف شخص عالم و فاضـــــل و در خو شنو یسی هم دستی داشت پسر کاکا ی شاه عبدالعظیم پشینی (شاه آقا ی قلعه قاضی) بود .



فرمان اعلیحضرت امیر شیر علی خان ـ بخطوانشاء میرزا محمد نبی (دبیر الملک) در خصوص خرقهٔ شریفه (قندهار) واصل

المو يد بتاييد الملك الديا نسلالةالسلاطين آل افغا ن التی ابتهجت
بهم‌القرو ن و الازما ن اعلیحضر تسرا ج الملة والدین دا م ملك دایما
مصرو ف تر قی اعمار بلادوامصا رشاهانه شا ن است ـ از ابتدا آمدن
موکب مسعود او به قندهار بسـی‌آثار عمرا ن و تر قیا ت نمایانـی
برو ی کار آمده است که برخی ازآنها بیان کرده میشود .

چنانچه تعمیر قلعه قند ها ر که‌به مرور زما ن بر هم ورخنه رخنه
گردید ه بود از سرنو بطرز جدیدترمیم گردید ک در صفا یی‌وزیبایی
رشك بلدا ن عالم گردید . وارگ‌شهر قند هار و سلامخانه مبار که و
عمار ت برج و کوتی جدید ارگـك‌وگلدانی هاو فوار ه ها درآن‌سا خته
شده است و بازار ها به کمال ،آرایش انجا م یافت واماکن متبرکه
چنانچه: خر قه شریفه که در دایره‌وصحن او وسعت کرده سرای طر ف
شر قی اوراخرید ه در دایره اش‌داخل کردند و صحن اورا وسعت
دادند و نیز دالانها ی سمت‌جنوبی‌اورا آبادنمودند و امام وموذن‌وخدمه
ومدرس وطلبه را مقرر فرمودندونیزمسجد جا مع‌شاه که آباد کرده احمد
شاه مر حو م است جانب شمال آ ن‌زمین های خالصه سر کار ی وخر
یدار ی در آن داخل کرده دایر ۀاورا وسعت داده دالان های شمالی
اورا از سرنو تعمیر نمودند و نیزمسجد جامع سردار کهند ل خان ،
مرحو م را از طرف شمال‌و جنوب‌او سراهای به قیمت بسیار خرید
دایره و مسجد اورا دوچند ازسابق‌کلان نمود ه و نهر پاتا ب رادراوسط
او اجرا داد و دوصدبا ب دکـان‌که در حقیقت یك بازار طولا نـی
است برای مصار ف وی آباد و جای‌موی مبار ك را در آن ساخته به آن
بقعه شریف نهادند و مسجد عثمان‌آباد واقع بازار شکار پور و غیر ه
مساجد را تعمیر نمودندو عما رت‌کو هکرا ن و کو تی جدید منزل باغ
که مزین به تخت پادشاهی است‌وکو تی یخچا ل و کوتی سر بند و
حفر نهر ها و ساختن سر ك ها وپك ها از آن جمله یکی حفر نهر
مبارکه سرا جیه است که از دریای‌هلمند اراضی حالیه غیر مـز روع
را به زحمت زیادی در ظر ف چهارسا ل که موازی هشت هزار مرددر

آن کار میکرد تا حفرآن انجا م‌یافت‌که یکی از آثار عظیمه عصرسراجیه
ست واز نتایج مستحسنه سفـــرخیر یت اثر همایو نی علی هذالقیاس
در هر ولایت که قدو م میمنت لزوم‌والا رسیده ه یك آثار تر قی نشان
به یاد گار مانده ه این همه به‌سعی‌واهتمام عالیجا ه سردار محمـــد
عثما ن نایب سالار ملکی سر داردرجه دویم‌بانجا م واتمام رسیده).

• • •

سفر امیر حبیب الله خــان د رقندهار سنه ۱۳۲۵قمر ی (۱۲۸٦
شمسی و ۱۹.۷ میلادی) است ازقندهار به هرا ت عزیمت نمود واین
سیا حت تاسنه ۱۳۲٦قمر ی ادا مه‌یافت .

مسجد موی مبارک

مسجد موی‌مبارك در قندهار کـه‌اولین مسجد شهر جدید (اشر
البلاد احمد شاهی) است و گذ رپیوست مسجد موصو ف نیز ب
مسجد موی مبار ك یاد میشود ـدرفرصتی که امپراتور احمد شـ
بزرگ مصرو ف امور بلاد شر قی‌قلمرو افغا نی بود ـبفرموده‌وهدا
آن سهر قهر مان ملی این اولیـــن‌مسجد در شهر جدید قند هار ـ
سنه ۱۱۷۲ قمر ی (۱۱۳۸ توشقا ن‌ئیل شمسی) به پایه اکمال رس
در سنه ۱۱۸۲ قمر ی خر قه مطهره‌ومو ی مبار ك در حجر ه هما ن‌مس
گذاشته شد . در سنه ۱۱۹۱قمر ی‌دراین و قتی که خر قه مطهر ه
عمارت جد ید (درساحه رو ضه باغ)احتراما نقل داده شد ـ مسجـ
موصو ف بنا م مسجد موی مبار ك‌مشهور ماند و بنابراولیت وقدا
بنا آن قند هار یا ن(زاړه مسجد) یاد می کنند . نگارند ه این کتا
مسجد موصو ف را صبح سه شنبه(چار) بر ج ثور سا ل۱۳٤۱شم
دید م که در صحن حویلی ـ هفت‌درخت سرو و چند اصله در خـ
تو ت موجود وو ضع عمار ت‌قدامت‌آنرا نشان میدهد .

هدیهٔ دروازهٔ نقره

دروازه زینه داخل عمارت خرقه مطهره که از صحن اندرون روضه به طرف صندوق محمل خرقه مبارک میرود قبلا از چوب ساخته شده بود (۱) در عهد امیر حبیب الله خان به جای آن دروازه نقره باندازه تقریبا دو متر طول و تقریبا یک متر و (بیست و پنج) سانتی عرض با چوکات آن از طرف حکومت به توسط سردار خوشدل خان

(۱) در برج حمل سال ۱۳٤۱ شمسی از آخوندزاده محمد حق متولی خرقه شریفه سوال کردم که بعد نصب دروازه نقره دروازه چوبی آن را کجا برداشتند؟ گفت: در منزل شخصی خود برده نصب کرده ام و موجود است ــ محل گوشه و منزه است. (وکیلی)

لویناب نایب الحکو مه قند هـار(ابن سر دار شیر دل خان لوینا
مرحو م)اهدا شده واین عبا ر تدرو ی نقش شده است :
(در زمان سلطنت اعلی حضر تسراج الملة والدین- هدیه لوین
خوشد ل نا یبالحکو مه اشر فالبلادقندهار تقدیم شد ۱۳۳٦ هـ .)
بضا عت نیاورد م الا امید خدایا ز عفو م مکن نا امید



عبار ت فو ق را ساعت(یازده)قبل از ظهر جمعه (سی‌ویك)ب
حمل سا ل ۱۳٤۱ شمسی نقـــل بر داشتم .



۱۳۳٦ هجر ی قمر ی مطا بـــق۱۲۹۷ هجری شمسی است و
برج حو ت همین سا ل افغانستاناستقلال کامل خودرا اعلان نمود

ترمیم عمارت خرقهٔ شریفه

امیر حبیب الله خان در سنـــــه۱۳۲۵ هجر ی قمر ی از کابل بـــ
قند هار عزیمت نمود . و حین‌وروده‌به قندهار به زیار ت خر قه‌شریف
مشرف گردید و فرمود که آن زیارت‌بزرگ ترمیم و مجددا رنگ آمیز
ونقا شی شود ـ و برا ی سر عت‌کار خرقه معظمه وسایر ابنیه مقدس
قند ها ر ـ از هرا ت یکعده نفـــراهل فن نیز حکم احضار صدورنمو
تا با مور خطا طی ، نقا شی،رنگـ‌مالی ، مهندسی ، عمارا ت بزرگـ
قند هار بپر دازند .

صو فی عبدالحمید و لد نصرالله‌خان از قبیله خوا نئه زا یی بار .

زا یی ساکن‌چهارکو چه قندهار(۱)درسنه ۱۳۲۷ قمر ی از هرا ت وارد
ندهار گردید داخل عمار ت خر قه‌مطهر ه وعمار ت مو ی مبار ك‌حضرت
سید لولاك را مجددا رنگ آمیز ی‌و نقا شی نمود و هم با مور خطا طی
لواح تاریخ پرداخت . در سقـــف‌عمار ت خر قه شریفه این بیت‌نو-
شته شده است :

اینجا بیا که‌رو ضه خرقه‌محمداست   اینجا بیا که نور یقین جلوه میکند

---

(۱)صو فی عبدالحمید در سنه۱۳۰۷ قمر ی در قندهار متو لـدو
به عمر (نه) سالگی با فا میـــــل‌ایشا ن در هرا ت رفت . علوم‌ریاضی
طبیعی ، هندسه ، هیا ت قد یمه،جغرافیا - تاریخ -از معلمیـــــن
خصو صی آمو خت .

ودر سنه ۱۳۲۷ قمر ی از هرا ت‌با مر امیر افغانستان به قنـد هار
احضار گردید . د رامورمهند ســی‌تحت منزل باغ و ترمیم مـزارا ت
خدمت نمود . درسنه ۱۳۳۲ قمر ی‌به کابل احضار یافت .

درسنه ۱۳٤۳ قمر ی کتـــا ب‌جغرافیا ی ولایا ت شمال افغانستا ن
را ترتیب نمود و درسنـــه ۱۳٤٤قمر ی رئیس شر کت‌تعدیل صنایع
ودر سنه ۱۳٤۵قمر ی رئیســــــ‌مطبعه‌نو ت و صکو ك مقرر گردید.

خدمت در راه صلح

درآغاز اعلان‌جهاد استرداد استقلال‌افغانستان (برج حوت سال ۱۲۹۷
شمسی) از اثر دخالت و خیا نــت‌دشمنا ن را حت و آسایش و صلح
وآرا می ملت مسلما ن افغانستا ن،دراین ایا م که قبایل پشتون قندها
از شهر احمد شاهی به‌عزم‌غزوجهادوحرز ناموس اکبر کمر همت‌بست
به طر ف سر حد افغانستا ن د رحرکت بودند ــدر شهر قند هار
واقعه بس خطرنا ك رخداد .وتفصیل‌اینکه: یکنفر از سادات سنی مذهب
که روز های قبل تبلیغ جهاد نمود ه‌بود ــ پسر نوجوا ن اورا کشته د
برابر درواز ه سرای میرا ب باشی‌شهر قندهار دفن کـرده پای او
برون کشیده بودند و به طور غیرمحسوس به نفر ی اهل جهاددرسپیر
بولدك خبر داده و گفته شد که شماجهاد استقلال را آغاز کرده ایدخبر

ندارید که دشمن خانگی فر زندا نشما مرد ماهل سنت و جما عت ر
می کشند . رو ی این اطلاع وایـن‌واقعه هولنا ك که زمان حکو مـ
خو شدل لوینا ب بود ا هـــل غزا ت از سپین بولد ك رو گردا
شده وارد شهر قند هار و بسیارنفر را کشتند . برای دفع این‌واقع
خونین حا جی عبدالحمید آخو ند زاد ه متولی خر قه شریفه در بی
اجتماع وارد شده خدمت بز رگـك‌در راه صلح نمود . ودیگر علمـا
قندهار نیز باو ی همفکرو همکارشده آن واقعه خونین جنگ داخل
را دفع نمودند . وبعد انجا م آن‌واقعه فهمیده شدکه دست خیا ن
خار جی دخیل بود واین حر کـــت‌دریك مر حله حساس با عث ناکام
گردید . در ضمایم تاریخ خرقـــه‌متـــو لـی خر قـه شریفـــ
به درج ایـــن خلـص اکتفـــاورزیدیم زیرا که خدمت مصلحا ن
متولی خر قه شریفه در واقعه آ ن‌ایا م خیلی ها قابل‌احترا م است
همان ایا م بود که مجاهدین قندهاربه محاذ کدنی به‌حرز ناموســـ
اکبر آماد ه جان سپار ی بودند .

بیانات غازی امان الله شاه

د رمسجد جا مع خر قه شریفـه واقع در قندهار

غاز ی‌امان‌الله شاه به تاریـــخ‌یکشنبه (هجده) برج میزان سا ل ۱۳۰٤ شمسی (یازده ـ اکتو بـــر۱۹۲۵م) از کابل به قصد قندهار حرکت نمود و روز دوشنبه (نزده)میزا ن در میدان مسجد جا مع‌خرقه شریفه به اهالی قند هار گفت :

(چو نکه ا زخدمت به وطن بالاترعشقی ندار م واین مسلك را نخبـه آمال خود می شمار م لذا استفاد ه‌از موقع را بغرض تا مین امور وطن عزیزم افغانستا ن و تهیه طریـــــق‌بختیاری ملت محبوبم افغانیان همه وقت ملحو ظ داشته خواسته ام به‌معو نه ایزد ی نهضت ومرا تـــب عظمت افغانیه بسر عت ممکنه بـه‌سا حه و جود آید .

بنا علیه چو ن دراین ایام خاطرم‌با لجمله ا زمهمات امور مر کـــز

مطمئن گردید سر کشی با مــــورایا لات سایر ه محرو سه رابا
ضا له تصمیم کردم).

وگفت : (مقصد م از این آمد ن به قندهار ساعت تیری و تفریـــ
نیست بلکه چو ن قندهار از متبرك ترین شهر های افغا نستا ن ویـــك
جا ی مقدس شمرده میشود ، ایــن عاجز در آن به قسم فال نیك بغرض
زیار ت خر قه شریفه وخبرگیر ی حالات حقیقی اینجا آمده ام اولامقص
از آمدن به قندهار تشر ف به خرقه مبار که و باز ملاقا ت نمود ن باشم
مرد م. قندهار و معلوما ت کردن ازاحوا ل شما عزیزا ن بوده است .

امان الله شاه پنج نماز جمعه رادرجامع خر قه شریفه ادا نمود وچو
خود امامت و خطا بت نماز جمعه رامی نمود ـ بروز جمعه (سی) میزا
سا ل ۱۳۰٤ ش در مسجد جا مــــع خر قه ضمن ادای خطبه گفت :

(عزیزا ن من میدانید که مقصداز خطا بت رسانید ن احکا م خدا
رسو ل است برای سا معین پس می باید که خطبه بزبانی گفته شود
بفهم قریب و شنوند ه از آن استفاده کرده بتواند .

ماو شما بدین مر تبه که درعزت وحرمت خر قه مبار که سرو کائنا
که قند هار رایك شرا فت بز رگی بخشیده واین جا مع مبار که رانسب
بدیگر مسا جد اسلامیه بعد ازحرمین شریفین بنظر ما با عظمت نشا
میدهد میکوشیم میدانید که ازچیست؟ ازاین است که این خر قه مطهر ه
وجود پیغمبر ما مشر ف شده وبه عرق پا ك شا ن معنبر و به ا ثـــ
صحبت شا ن یك افتخا ر بزرگی رانایل شده است ـ پس طور ی که
در اعزاز واکرا م این خر قه بدین حیثیت میکو شیم می بایدصد چند
آن در تعمیل آن اوامر و نوا هی که ذا ت اقد س پیغمبر بما امتا ن عاص
خویش فرموده اند ـ جد و جهـــــد کنیم و به قدر یك سر مو ی ا
هدایا ت واحکا ما ت اوشا ن تخلف نورزیم .

بشما بسیار تاکید میکنم که نمازهای پنجگا ه تا ن رابکمال تر تیـــ
و پابندی اداء کنید و بدا نید که مهم ترین و افضلترین عبادا ت نمازبو

بسی فوایدمهمه دینی ودنیو ی درآن‌موجود است تا می توانید نما ز های خود را در مسا جد وبه جماعت‌ادا کنید و نگذ ارید که از شمـــا قضا شود . همچنین در دیگـــرعبا دات خویش‌که روز ه ماه ر مضان وداد ن زکو ت و حج بیت اللـــه‌شریف ودیگر ارکا ن و احکا م دینی است هم سستی و تنبلی نکنید وبدانید که ایزد پا ك از ین چیـــز هایی که بشما عرض کرد م‌علیحده‌علیحد ه از شما در آخر ت مـــی پرسد و در صور ت عد م تعمیل، بدین امر از شما سخت بـــا ز خواست میکند و هم شما توصیـــه‌میکنم که در اتحاد واتفا ق اسلامیت وافغانیت خود بسیار سعی وکوشش‌کنید و بدانید که همه کا میابی و مظفر یت های ماد ی ومعنوی شمامربو ط به اخو ت ومود ت عمو می شما است وقتی که شما با همدیگردر راه تر قیا ت ملت و مملکـت و اسلامیت خود گر مجوشی وهمدردی‌نمودید معلو م است که همه‌برضای خدا و رسو ل نایل میشوید وهـم‌اولو الا مر خود را که شمابه‌اطاعت وفرمانبر دار ی او مکلف میبا شیداز خود خو شنود ساخته اید علاو تا هیچ‌یك دشمن شر ف و عـــز ت‌شما نمی تواند که به آسا نی‌ازمیان شما مطلب خیانت و شرار ت خودراپیش برده بتواند .

ملت ها یی که به پریشانی مبتـلاوبه نکبت و مذلت افتاده اند یگانه سببش علیحده گی ازهم و دیگـــرنفا ق است . چیزی که اسلام رابدین حا لت ر قت آور دچار کرده نفـاق‌است نفا ق بسیار یك حصه مهمه عالم اسلام را مظلو م و مقهـــو ردشمنا ن ، ساخته است .

نفا ق بسیار یك چیز مخر ب ومدهش خانه و یرا ن است .ازبرای خدا عقب اسبا ب نفاق وچیز هایی‌که دربین اسلام شقا ق را می‌افکند هرگز نگردید .

یکی از ارکان مهـمـه اسلامیــه‌مـا و شـــما اقـا مـــۀ جهـــاد وکو شید ن به مال و جان است .در اعلای کلمته الله ـ خدارا شاکرم که ملت غیور قند هار بلند تر ازخیا ل من در جهاد اظهار گـــر م

جو شی دارند ، خورد وبز رگـــک زنو مرد شا ن شو ق و شعـــف
فوق العاد ه شان را در امورغـزانشا ن میدهند . واثرا ت همیـن
جوش و خرو ش شما ملت غیور بودکه بەنعر ه های عدو کوب الله‌اکبر
وجمع آور ی اظهار همت‌ومردانگـی‌شدید خود یعنی استقلال را حاصل
واستر داد کرد ه توانستیم)
ودر خطبه دو مین در مسجدجامع‌خر قه شریفه گفت :
(الهی برای ما امتا ن پیغمبـــــرمحبو بت توفیق استقا مت شریعت
رانصیب گردا ن و تمام مکرو حیله‌دشمنا ن شر ف و عزت واسلامیه
مار نا کا میا ب ثابت نما . الهـی‌ملت و مملکت افغانستا ن را بـــ
ترقیات و مرا تبی که بلندتر از آن‌نباشد از لطف و مکر مت خـــو
موفق‌سازد .
الهی عسکر افغانستا ن را در هرمیدا ن به مقابله اعدا ی شـــا
مظفر و فاتح و سر افراز و تمام‌ملت‌ومامورین و علما وسادا ت افغانستا
را که برای خیر و بهبود مملکـــت‌خود خدمت می کنند قرین لطـــف
ومکر مت خویش داشته با عـزا زدارین شاد کا م گردا ن.
الهی من عاجز خد متگار افغانستان‌را که بجز از رفا ه وتر قیـــا
ملت ومملکت خوددیگرآرزویی‌ندارم، به مقا صد م کا میا ب و فایزالمرا
دار .
الهی عالم اسلام را ازین پریشانی‌ودر ماند گی از فضل ومر حمـــ
خویش وار هانیده مانند قـــرو ن‌او لی به خد مات اسلامیه اوشان
توفیق نصیب کن وتمام دولت های‌اسلامیه را از دست دشمنان‌وخیا
کارا ن محفو ظ دار).

• • •

غاز ی امان الله شاه ـدر خطبه‌نماز جمعه (هفت) عقرب ســـ
۱۳۰٤ شمسی در مسجد جا مــــع‌خر قه شریفه واقع در قند هار
خود امامت و خطا بت‌نمود گفت :
(عزیز ا ن من ! همه تان بخو بی‌میدانید که تمام کائنا ت وسایـ

موجودا ت دلیل برو جـــود ذات‌خداوند (ج) و شاهد معر فت‌کر
گار است .

برگ در ختا ن سبز درنظــرهوشیار
هر ورقش‌دفتر یست معر فت کرد گــار

پس هر قدر ی که در موضو ع‌معر فت کردگار عرض نماییم با
حسب خوا هش من ولزو م آ ن کـم‌است . لهذا به همین یك فرداکتف
کرد ه فقط دربحث اتحاد واتفا ق‌که‌به‌جمعه گذشته اجما لا برای تان‌گفت
بود م چیز ی تو ضیحا ت‌میدهم) .ودر ضمن تو ضیحا ت وارشا دا
فرمود :

(شما را به اتحاد و اتفا ق زیادتوصیه میکنم .اما چه اتفا قی کـ
صورت عملی داشته با وصا ف وصفا ت حقیقی خویش آرا سته‌باش
از شما آرزو مند م که دربین تمام‌اقوا م و طوایف خویش چندا ن
مراتب اتحاد واتفا ق را قایم کنیدتا افغانستا ن مرکز اتفا ق اسـلا
وسلسله پیو ند رشته اتحادعمومی‌عالم اسلام گرد د).

وگفت : (به اشخا صی که دادوستد و معا مله می نمایید طـر
امانت و دیانت را اختیار و بـــاهمگنا ن لطف ومراعا ت رارو ی کا
آورد ه ، کسانیکه به تکلیـــف وزحما ت دچار باشند با آنهامعاون
وهمدرد ی ومریضا ن را پرستاری‌وتیمار دار ی ودرماند گا ن رادست
گیر ی ودلدار ی نمایید . که نتیجه‌وثمره هر کدام ازین‌عملیا ت‌و رفتا
اتحاد واتفا ق رابوجود می آورد .

جمیع احکا م وارشادا تی کـــه‌سرور کائنا ت به ما امتان خویش
فرمود ه اند در هر کدام آن یك‌عالم‌خوبی و یك جها ن باریکی موجو
است . مثلا:

پیغمبر ما تاکید مز یدی‌درمحبت‌نمود ن با همسایگا ن وایفا ی حقوق
آنا ن برما فرموده است) ود رخاتمه‌خطا بت گفت :(خداوند پا كدرهمین
موضو ع اتفا ق به ماو شما چنین‌یك امر تاکید فرموده است که:

واعتصموابحبل الله جميعا و لاتفرقوا ـ چنگ بز نید تمام تان به رشته خداوند ی که اسلامیت استواز هم مفار قت نجویید .

در موقعی که خداوند به ما امراسلامیت را میکند ودرین رهگذر به ما هیچ اجاز ةتفر ق و جدایی نمـی‌دهد . هرکسی که در افغانستا ن سکونت دارد بدو ن استثنا افغا نوتمام طوایف واقوا م آن مسلما ن گفته میشو ند و بشما تاکید میکنماسلامیت را طر ه امتیاز وموجب اعزاز خویش انگاشته تابتوا نیدبرای قـدرت و عظـمت و بزر گـی و شوکت اسلام بکوشید و بدانید که‌همه ماو شما مسلمان و تمام‌سکنه افغانستا ن یك افغا ن گفته مـی‌شویم و اولاد یك پدر می باشیم . مراتب مود ت واخو ت رابین‌خویش‌مستحکم کنید و کسانی را که‌برای عزت و تر قیا ت تا ن بکوشندوشب‌وروز در خدما ت تان سر گرم می باشند بنظر احترا م و تقدیربنگرید)وگفت : (چیزی که عظمت‌وسطوت وشو کت حقیقی رابرا ی انسا نهابهم میرساند ، اخو ت و مود ت‌و محبت اتحاد و اتفا ق و همدرد ی‌باهمدیگر است وبس .

دردی که ازین پریشانی عالـم‌اسلام بد ل دار م مرا مانند آتش میسو زاند و هیچ طاقت اظهار ش‌راندار م .)

وگفت: (بصد عجز و نیاز آرز وداریم که عالم اسلام را به‌مقررا ت صحیحه اسلامیه استقا مت نصیب‌کناد . واین گفتار ی راکه من عاجز نمود م بی اثر نگذارد .)

وگفت : (الهی مارا بدا ن رفتاروکر دار و گفتار ی موفق گردانی‌که درآ ن رضای تو ورضا ی رسول توورضا ی اشخاصی باشد که برا ی سعاد ت و شرافت ما خدمت مـی‌کنند .خداوندا دنیا یك محل‌فانی‌و آخر ت منز لگا ه جاو دانی است ،سوا ل و جوا ب روز قیا مت ما ر آسان و منزل آخر ت‌مارا خـو ب‌بگردانی).

ودر خطبه دوم بعد از حمد ونعت‌ومنقبت بزبا ن عربی گفت :

خداو ندا جهان اسلام را مانندیك دیوار آهنین به مقابل غـدر و خیانت دشمنا ن شا ن بگردا ن ـالهی قو م نجیب افغا ن رابرترقیات

وتعالیا ت که من عاجزخد متگا رشان‌بدل دار م ،موفق گردانی ، الهی عسکر غیور افغانستا ن را در هـرمیدان مظفر و منصور و کا میا ب داری . الهی کسانی راکه بـــرا ی‌ترقیا ت وسعادت افغا نستان‌خدمت می کنند همه شا ن را معزز داریـن‌داشته خود ت مدد گار شـــا ن باشی .

خداوندا خود ت بهتر میدانی که‌مسلك این بند ه عاجز ت به‌مقابل تما م‌او امر محض تسلیم است وبس . اگر به بخشی مر حمت‌است واگر بپر سی شکایتی ندار م .اگرجنتم دهی لطف است واگر بدوزخم افگنی رضا ی ترا می جویم .

من از خود اراد ه واختیار ی‌ندارم‌فقط خورسند ی ترا میخوا هـــم و رشته رضا ، خود م را بدست‌قضای‌تومی سپار م ، هر فرد اسلامی در تمام عملیا ت خودباید عدالت کندوبر احد ی ظلم و تجاوز و زیاد ت نه نماید و کسی را بنظر حقار ت‌ننگردودر داد و ستد برابر ی وانصا ف نماید و باز یر دستا ن خودشیو ه‌مساوا ت و یگرنگی را مر عی‌دارد .)

* * *

غاز ی امان الله شاه بروز جمعه(چهارده) عقــــر ب سا ل ۱۳۰٤ شمسی در مسجد جا مع‌خرقه شریفه‌در قند هار که خود مطابق همه‌وقته وظیفه امامت و خطا بت را داشت،بعد از حمد و نعت‌بزبا ن عربی ــ مطالبی بیا ن کرد که اینك خلصـ‌آنرا در ج‌می نماییم :

(به همه شما معلو م است که‌اسلام یك دین مقدسی است واولین مسلك و مذ هب مهذبی که‌در تمام‌کائنا ت برای ر فاه و بهبودانسا ن ها شر ف نزو ل فرموده است‌همین‌دین مبین محمد ی است که همـــه پیروا ن خودرا بیك قانون درست‌ونظا م خو ب راهبر ی میکند.)

وگفت : (ایزد پا ك در تعریف‌دین اسلام میفرماید که اسلام یـك دین مکمل و پیرو ی آن موجب سرفراز ی دنیا و رستگار ی آخـر ت است)و گفت :

برهرمسلما ن واجب است کـــه‌اسلام رابلند تر از پدر وما در وتمام
کائنا ت بداندو هیچ چیز را به‌مقابل‌اسلام اهمیت نداد ه تما ما گرویده
شریعت بود ه سلسله اسلامیت خودهارا مربوط نمایند .
در دور ه حکومت من قوانین که‌وضع و ترتیب شده اند تما ماهمان
احکا م قرآن پا ك‌ورسو ل اکرم‌بوده‌مطابق به مذهب شریف حنفـــــــی
است).

وگفت : (در نظا منا مه ها_رفاه‌وآباد ی و آسوده حا لی غریب‌ترین
وعاجز ترین طبقه ملت افغا نستا ن‌زیرنظر گر فته شده است .اساس
فکر من تنها بیدا ری‌و خبردار ی‌عامه ملت از حقو ق‌خویش و خو بی
وآسوده حا لی عمو می می باشد .وفقط برای بدست آمد ن همین‌مطلوب
نظا ما ت موجود ه زا و ضع کردیم‌تا دست ظالمان و متجاوزین ازسر
مظلو مین و بیچار ه‌گا ن کو تـــاه‌باشد).

وگفت : یگانه علاج این درد ووسیله دیگر تر قیا ت و بهبود ی
های شما علم است .)

وگفت : (اختلافا ت وپریشا نی‌ها که تماما نتیجه بی علمی است
مرا از حد زیاد ه زیر تاثیر آورده‌است و شبازوز کو شش دار م
ملت خود را ازین مغا ك تیره‌و تاربرون آورد ه به انوار علم وعرفان
ایشا ن را راهنمایی کنم . لهذا ازیکطر ف برای شا ن‌نظا مات‌وقواعد
را وضع کرده ام تا از طبقه‌موجوده‌ملت افغانستا ن دست اذیت کوتاه
شده تماما بواسطه تحقیقا ت‌و عمل‌نمود ن آن از مضرا ت‌بر کنار و
مسر ت سردچار شو ند واز جانب‌دیگر مکاتب ومدارس متعدد ی را در
تمام گو شه های مملکت خودشا ن‌گشاده ام تا طبقه آینده‌مرد م افغا
نستا ن عالم ودانسته شده خوبتر،ازین نظاما ت و قوانین موضوعه
استفاده کرده بواسطه علم وعرفان‌نه تنها درد های ملت افغانستان
دوا بلکه به ترقیا ت و تعالیا ت ،موجود ه جهان نیز آشنا شده ایـ
زحمت کشی مراکه‌برا ی آبادی وبهبود ی افغانستا ن مینمایم تقدیر
خوا هند کرد .

نظا منا مه برای عموم شماآزادی‌اسلامی و حریت شخصی تا ن رااعطا
ده است و شما را از سایر پـریشانی و درمانده گی نجات‌بخشیده
ت .
(به آتیه اولاد خویش دلسوزی‌کنید و آنهارا به مکاتب بفرستید تا
م و دانسته شده برای شماوملت‌ومملکت خود خدمت کنند).
وگفت : (امروز در دنیا تو پ‌های‌موجود است که بیست میل خـا ك
سمن را زیر آتش می گیردوطیاره‌ها یی سا خته شده که از تمـــا م
کا ت وسکنا ت رقیبا ن خـــودکشفیا ت میکنند . مقابله تــــو پ
سو ته و چو ب ممکن نیســـت‌پس ضرور است که ماو شما هـم
مقابل آ ن قو تی داشته با شیم‌واز کید و حیله دشمنا ن خود غافل
سویم و پی تحصیل علوم همـت‌گماریم ، تا ما هم از یمن آن دارای
پ های دور ز ن وطیار ه ودیگرآلات وادوا ت حر بی باشیم .
اگر چه عقا ید ما مسلما نان بلندتر است واز بر کت همین عقایـــد
لامیه همه و قت به معاونت‌خدای(ج) و رو حانیت رسول الله (ص)می
انیم که دشمنا ن شر ف وعز ت‌خود مان را عقب بنشانیم چنانچـه
بار امتحا ن داده ایم .باز هم‌اگرقوه‌ظا هره و معنویا ت وثرو ت‌ماهم
ست باشد . معلو م است که ازهمدستی‌و اجتما ع این دو قــــوه
هر ی و باطنی به بسیار خو بی‌می توانیم دشمنا ن خودرا پسپاکنیم
طلب مقد س خودرا از اوشا ن به‌آسانی بگیریم .)
وگفت : (به مجردی که او لادافغا ن خواننده و نویسنده شدند
یا کلید تمام علو م و فنـون رایافتند و پس از آن برای آنهابسیار
هل و آسا ن است که هر علـــم‌وفنی را که خواهش داشته باشند
دیگر مکاتب عالی تحصیـــــــل‌کنند).
وگفت : (همین اولاد شما کـــه‌تعلیمات ابتدا یی خودرا تکمیـــــل
ردند عالم و متخصص هر فن‌شده‌می توانند .)

وگفت: (مال دنیو ی ضامـــــن‌سعاد ت آیند ه اطفا ل افغا ن د
صور تی که بی علم وبی کمــــا ل‌باشند . هرگز شده نمی تواند)
وگفت : (داشتن علم و کما ل‌یك‌برابر بالای مرد وز ن از طـــــر
خدا فرض است . پس متسا و یانه‌در تعلیم پسرا ن ودخترا ن خـــ
بکو شید و بدانید که احکا م‌واوامردینی و مذهبی بالای زن‌و مردیکس
فرض است). و گفت :(موفقیت‌ما جای امید مسلمانا ن جهان‌است
وگفت : (خدایا الفا ظ عاجزا نه ام‌را که برای تر قی و بیدار ی ما
افغانستا ن میگویم موثر گردان .خدایابه عا مه ملت افغانستا ن توفیـ
را رفیق بگردا ن تا اولاد خودرا به‌مکاتب داخل کنند و از فیوضا
تعلیم بهره و رشوند .

خدا به بر کت رسو ل مقبو ل‌ت‌افغانستا ن را سبب نجا ت عالـ
اسلام گردا ن‌وبه ما توفیق خد مت‌عالم اسلام را عطا فرما).

* * *

در خطبه دوم گفت : (خدایاملت‌نجیب افغانستا ن را توفیق رفیـ
فرما تابرا ی تر قی و تعالی ایـــن‌نقطه مقد سه اسلامیه بجا ن ود
بکو شند و تما می مساعی‌وکوشش‌های شا ن را در سر ســبز ی
آبیاری این مملکت خود مصـــرو ف‌دارند . و به ترقیاتـــی‌که آرزو
خواهش این خد متگار عاجز شـــان‌است کا میا ب شوند .

الهی تمام مامورین و سادا ت وعلما و مشایخ وملت افغانستا ن‌را
در حفظ و حمایت و عزت و شرافت‌مملکت خود کوشش می کنندو جـ
ومال خودرا نثار می فرمایند دردین‌ودنیا سر فراز ونیك نام فرما یـ
عسکر افغانستا ن و کسا نی راکه‌برای اسلام‌وافغانستا ن خدمت
کنند و آرزوی تر قیات اورا بدل‌می‌پرور اننددر هر میدان فاتح‌و سـ
فراز و ممتاز گردانی .

الهی این عاجز راکه به جزازعشق‌آبادی ملت وسر سبز ی مملکت‌خـ
دیگرتمنا یی بدل ندارد به مقا صدش‌موفق گردان ودیگر دولت هـــا
اسلامیه را در حفا ظت‌و حراســت‌خود نگهدار و تمام اقوا م تبعه‌دو

های اسلامی را براه هدایت خود ت‌را هنمایی فرما تا از شر بدخواهان ودشمنا ن خویش محفو ظ بمانند .

الهی به بسیار عجز و نیاز التجامی کنم که افغانستا ن را موجـــب سعاد ت عالم اسلام وسبب نجا ت‌واتحاد واتفا ق اسلامیا ن بگردانی واز آسیب‌و شر ور خائنین دا خلی‌وخار جی اورا همیشه نگهبا نـی فرما).

* * *

امان الله شاه ـ .درادای‌نماز جمعه(بیست‌ویك) عقرب ۱۳۰٤ ش در جامع خر قه شریفه که خوداما مت‌وخطا بت را برذمت داشت،درمسایل جهاد توضیحات داذ گفت:(اوامر پرور دگار تان را برای شماتوضیح وابلاغ میدار م . معلوم است که‌جان‌ومال ما مسلمانها از طر ف‌خداو ند تعالی‌برای اعلای کلمته الله‌و حفاظت‌دین وو طن مخصوص گردیـــد ه است .)

وگفت : (در صورتیکه ماو شمااز تعلیم نظا می بی بهره‌و ازتربیه ودانستن اموراحربی‌و فهمیدن‌اصول‌تعرض ومدافعه آگاه وباخبر نباشیم وقبل از و قو ع واقعه در صددعلاج‌آن نبر آییم . نخوا هیم‌توانست که یك مقابله در ستی با دشمن بکنیم.

خدمت عسکر ی در واقع عمـل‌کرد ن است به همین آیه شریفـــه (وجاهد وا با موا لکم و انفسکم فی‌سبیل الله) و فایده رسانید ن‌است برای اسلام و نو ع انسا ن وملت‌ومملکت خویش . بهتریـــن چاره و وسیله یی که برای تعمیم تعلیم‌نظامی‌وکثرت خدمات عسکر ی در دنیای موجود سنجید ه شده همانا همین‌طریقه نفوس است که درنظا منامه آن توضیح یافته است).

وگفت : (در مسایل زکو ت‌برای‌شما تاکید ز یاد می کنم تا بتوانید هرساله قرار فرمود ه پروردگا ردراعطا ی‌زکو ت اموا ل خویشـــ بکوشید).

وگفت : (مقصد از فرضیـــت زکوت آن است تاماوشما ز کـوة
اموا ل خود مان را هرساله برا ی رفاه وآرا می فقرا وغربا، وبینوایا ن
وبیچاره گا ن مملکت خو دبدهیم).

امان الله شا ه ـ در خصوصـــ فواید زکوت ووارداتقندهار سخنان
زیاد گفت و خطبه اول را خاتمه دادودر خطبه دوم بعد حمد و نعـــت
ومنقبت بزبا نعر بی گفت : (حالادعا می کنم که خداوند برای ماوشما
وتمام ملت افغا ن توفیق نصیـــب کند تابرا ی خیرو بهبود عالم اسلام
خصو صا افغانستا ن خد مت کنیم وسبب بیدار ی مسلما نها یی که به
خوا ب غفلت رفته اند ماو شمـــاشویم).

وادعیه خالصا نه بسیار ی درحق عالم اسلام نمود ودر اخیر گفت :
(الهی پنجه های خونین دشمنان شر فو عزت افغانستا ن و عالـــم
اسلام را از لطف ومکر متی که با مادار ی از سرما دور گردان و تما م
تشبثا ت معاندا نه شا ن راناکا م ثابت بگردانی).

غاز ی امان الله شاه ـ صبـــح یکشنبه (بیست و سه) عـقر ب
۱۳۰٤ شمسی از قند هار به قصد کابل حر کت نمود .

غاز ی امان الله شاه ـ درخصوص احترا م مقا م خر قه متبر که واقع
در قندهار فرمانی به عنوان متولی ونایب الحکو مه قند هار نو شت و
در حفظ و نگاهدار ی آن مقام مقدس وحقو ق اربا ب تولیت وو جـــه
صد قا ت و نذورا ت تاکید فرمود .

محمدحق آخند زاد ه متولی دربرج حمل سا ل ۱۳٤۱ شمسی به نگارنده
این کتا ب (عزیز الدین و کیلـــی پوپلزا یی) حکایت نمود که فرمان
دستخطی غاز ی امان الله شاه درنزدما موجود است .



اهداء پوش جدید

برای صندوق خرقه شریفه

سرور سلطان علیا حضرت سراج الخواتین ـ والده غازی امان الله شاه ـ در برج میزان سال ۱۳۰٤ شمسی ـ به همراه پسر بزرگ ونابغه خود دریك روز وارد قندهار گردید . و به تاریخ (نزده) میزان یعنی در روز اول ورود خود به قندهار ـ به زیارت خرقه شریفه نبویه (ص) مشرف گردیدو پوش خیلی زیبا و نفیسی را که در کابل بامصارف و دقت نهایت زیاد درتحت نظر خود باین حسن نیت و حرمت تهیه نموده واز کابل احتراما باخود به همین عزم خالصانه برده بود ـ به آن بارگاه مبارك مقدس اهداء نمود .

وبعد ادای آن مراسم در صحن میدان پیش روی دالان زیارت خرقه شریفه و هم در طول جاده آن بارگاه که تعداد زیادی از قندهاریان برای ادای احترام استاده بودند علیا حضرت معظمه موصوفه نطقی نمود و گفت :

(عزیزا ن من !الحمد لله که بعدازبسیار آرزو ها چشمم بدیدار تا ن روشن شد وو طن خود قند هارراديد م . بعض شما برای من بمنزله عمو و بعضی بمثابه برادرا ن‌وبعضی‌اولاد می باشید . وازین گر مجوشی شما اظهار بسیار ممنونیت می کنم.

برادرا ن من ! عالم اسلام‌ازاتفاق‌ترقی کرده بود و رخنه هایی کــه دشمنا ن دین‌ما و شما دربین‌اسلام‌پیداکردند از نفا ق است بایدپوره حس کنیم تاهمان اتفا ق برپا گردد وخاك پاك‌افغانستان که‌برای‌ماوشما اولاد وطن امید ترقی و تعا لی‌داردبه تعالی برسد . شکر گذار م‌خداوند خودرا که‌به کوشش های جوانمردانه‌امان الله فرق بسیار پیداشده‌است. از خداوند کریم طول عمرش رابرای‌خدمت شما ملت‌افغانستا ن میخواهم باقی از خالق خود التجا می کنم که‌چنان اعمال در دنیا از شماعزیزان ظا هر شود که روز محشر بحضورخداوند سرخ رو باشید).

* * *

عبدالعزیز خان وزیر دا خله(ابن معاذ الله خان بارکزایی ازبنی‌اعمام علیا حضرت موصوفه) کلمات‌علیـا حضر ت صا حبه را با دقت‌استماع نمود ه و به زبان پشتو باآوازبلندبه عموم حاضرین بیان می نمود .

علیا حضر ت موصو فه دفعه دوم‌دردهه اخیر برج جـدی سال۱۳۰۷ شمسی وارد قند هار گردید و دراول ورود به زیار ت خر قه‌شریفه مشر ف شد و بسیار صد قا ت ونذورا ت نمود .

شرفیابی امان الله شاه به زیارت خرقهٔ شریفه

در ایام قبل وبعداز سفرآسیا واروپا

غازی امان‌الله شاه به تاریخ‌چهارشنبه (هشت) قوس سال ۱۳۰٦ شمسی وارد قندهار گردیدو صبح‌جمعه (هفده) قوس ۱۳۰٦ شمسی‌از روضه باغ(مقام خرقه‌شریفه)به‌طرف قلعه جدید حرکت نمود. در ایام هشت روز اقامت در قندهاردوبار جمعه (ده قوس) و جمعه (هفده) قوس به زیارت خرقه‌مطهره‌مشرف شده ادعیه خالصانه درحق عالم اسلام وافغانستان نمود . وبعد ادای مراسم احترام به آن‌زیارت گاه مبارك و مقدس از گروه‌علماواتقیاء که اهل تولیت نیز حاضر بودند دعا گرفته به سفر دوازده‌کشور آغاز نمود .

بعد طی سفر آسیا و اروپاازطریق‌هرات به تاریخ (پنج) برج‌سرطان سال ۱۳۰۷ شمسی‌وارد شهرقندهاروپس از اندك استراحت به زیارت

خرقه حضرت سیدلولاك (۱)صلی الله علیه و علی آله واصحا به‌وسلم مشر ف شد و بانهایت احتـــرام‌وتعظیم وادعیه و شفقت ومر حمت باحوا ل اهل تولیت‌آن آستا ن‌وعموم‌علما و سادا ت نطق موثر نموده‌از مرام سفر خود چنانکه دربرج قوس‌سال گذشته بیا ن کرده بود ، از گزارش سفر خود شر حداد وگفت:

اگررو ی دنیا را بگردیم ازیـن‌سعاد ت بیشتر نمی یابیم کـــه بحمدالله تعالی مسلما ن و بدیـن‌وایمان خود کاملا پابند و پیـــر و حضرت خیرالبشر و ختم المرسلین‌می باشیم و این حسن اعتقاد مـــا باین خر قه معظمه براساس هما ن‌صد ق دیانت است که قرآن کریم به ما کافه عالم اسلام ارشـــا دفرموده است :

(وما محمد الا رسو ل قد خلت من‌قلبه الرسل) ـچو ن‌ما به حبل ـ المتین دین مبین دست زده‌ایم‌وایمان‌واعتقاد کامل داریم امیدواریم که‌در اساس و بنیاد هستی اسلامی‌وافغانی‌ماهیچگا ه ضعف ومذلت نخوا هـد رسید چرا که خداوند بز رگ (ج)خود حافظ وناصر اسلام است :

وبه فرمود ه حضر ت سید عالم(ص) مو من کامل کسی است کـــه آزار او به همسایه نرسد . مـــاحقو ق همسایه گی را در همه‌وقت رعایت کرده ایم ومی کنیم . وازین‌سفر تجر بتی که آموخته‌واندوخته ام اینـکـه افغـا نـستا ن دارای‌ا ستقلا ل را همه جهان به حیـث مسلما ن حقیقی و پابند تمام آ ن‌رسوم نیف دینی ومذهبی واعتبا ر عنعنات افغانی‌آن می‌شناسندوخوب تر نیزشنا ختند. زنده‌بادافغانستان

---

(۱)لولاك اشار تست به (لو لاك‌لما خلقت الافلاك) به معنی اگر نمی بودی توالبته‌نه‌پیدا می کردمی افلاک‌را ـ واین حدیث قدسی اســت حدیث قدسی آنرا گویند کـــه آن‌حضرت «ص» رابه خواب و حـــ رسیده باشد .

وپاینده‌باد استقلال آن و شادوآبادبادملت مسلمان آن .

ازخدا خواهیم توفیــق اد ب بی ادب محرو م ماندازفضل رب

* * *

یاصب الجمال یاسید البشر من‌و جهك المنیرلقد نور القمر

لایمکن الثسـناء کماکان حقه بعدازخدابزرگ تویی قصه‌مختصر

* * *

بلغ العلی بکما له کشف الد جی بجما له

حسنت جمیع خصا له صلوا علیه و آلــــه

ده نماز جمعه درمسجد جامع
خرقه شریفه

امان الله غازی ـ به فتوا ومشورت عموم اقوام قندهار که از تاریخ پنجشنبه (بیست و هفت) برج جدی سال ۱۳۰۷ شمسی تا پنجشنبه (٤) برج دلو سال مذکور در سلامخانه قندهار ادامه یافت. بنا بدر خواست مردم مجددا قبول پادشاهی نمود . زیرا که اقوام قندهار خلع اورا از سلطنت و پادشاهی برادرش عنایت الله خان را نه پذیرفتند و رای عمومی بدان قرار گرفت که امان الله شاه مجددا اعلان سلطنت نماید و با خذ بیعت از مردم حاضر شود .امان الله شاه از مردم بیعت و عهد موکد به سوگند گرفت و گفت: سلطنت من همیشه دولت و سلطنت اسلامی شرعی بود و حکومت قانونی گذشته من ازروی نظاماتی که نشر کرده ام پوره معلوم میشود و الان هم بعین اساس ومطابق به مقتضیات اسلامی وافغانی و به طوری که همیشه در این جامع خرقه شریفه بیان کرده ام جاری بوده و عهد میکنم که جدا

واکیدا پیرو جمیع احکا م دیـــــن حضر ت سید المر سلین بوده در حفاظت اساسا ت دین وخاك وطن واستقلال کامل آن تاد م آخرین و مطابق به مشور ت شما مردم مسلمان خدمت کنم . اهالی قند هار مجددا بیعت کردند و روز جمعه (پنج)دلو۱۳۰۷ شمسی در خطبه نماز جمعه در مسجد خرقه شر یفه نام امان الله شا ه خواند ه شد (وچنانکه رو ز جمعه (بیست و هشت) جدی درخطبه نماز جمعه نام هیچ یك پادشاه ، خواند ه نشده بود).

امان الله شاه در همین روز بعدادای نماز جمعه در جامع خر قـــه شریفه مطابق رای واتفا ق علمــا ومشایخ واهل تولیت خر قه شریفه وعمو م بزرگا ن اقوا م قند هارمصمم لشکر کشی به طرف غز نی وکابل گردید .

مخالفین در اواسط برج دلو سا ل۱۳۰۷ شمسی از جلوس ثانی امان- الله شاه ومراسم مسجد جا مـــــع خرقه شریفه خبر یافتند ودر پی آن شدند که از کابل تاکلات موانـــــع ایجاد کنند .

امان الله شاه از تاریخ پنجشنبه اول حمل سا ل۱۳۰۸ شمســـــــی (نه شوال المکرم ۱۳٤۷ق) با عزام عساکر به طر ف کلات و مقروغزنی آغاز فرمود وخود به تاریخ سه شنبه(شش) حمل ۱۳۰۸ شمسی به زیارت خرقه شریفه شتا فته دعا نمود .

یعنی امان الله شاه از تاریخ جمعه(بیست و هشت) جدی سال ۱۳۰۷ شمسی تا روزجمعه (نه) حمـــل۱۳۰۸ شمسی نماز های جمعه رادر مسجد جا مع خر قه شریفه درقندهارادا می نمود وادعیا ت وموعظـا ت اودر حق عالم اسلام وافغانستا ن جار ی واز رو حانیت حضر ت سرور کائنا ت (ص) برای خیرو بهبودحال واستقبا ل افغانستا ن استمداد می جست .

اول شوا ل المکر م سنه ۱۳٤۷هجری قمر ی یعنی اول عید سعیـد

فطر که بروز چهار شنبه (بیست‌وسه)بر ج حــو ت سا ل ۱۳۰۷
شمسی تصاد ف نمود .امان‌الله شاه‌نماز عید را به همراه شهر یــا
قند هار ادا نمود و موعظا ت‌خیلی‌سود مند فرمود ومرد م رابه اتح
واتفا ق‌کامل تو صیه وهمان گفتارهای سابقه خودرا تکرار نمود .

وخلص باید گفت که : ازبرکا ت هــمان حسن نیات بودکه خودش
خاندانش از میان آتش نجات یافته‌به امانت وسلامت گذ شتند و ت
آخرین لحظا ت حیا ت از حال‌واحوال‌ملت مسلما ن افغانستا ن غافــ
نبود . در کعبه مظمه وهمه جا دعانمود .

به تاریخ یکشنبه (٦) حو ت‌سال ۱۳۰۷ش(چهارده رمضان۱۳٤۷ق
بیست‌و چار فبروری ۱۹۲۹م)خرقه شریفه نبو یه (ص) از زیار تگاه آ
برآورده بانظار علماء، ســـا دات، مشایخ و به حضور اهالی قندهـ
جلوه داده شد . واز آن تاریـــخ اهالی قند هار قصد لشکر کشـ
برای طرد قوا ی جهل نمودند .

پوش صندوق خرقهٔ شریفه

پوش صندوق مبارک خرقه معظمه در مرور دو صد وبیست و
پنج سال چند بار با مصارف وحسن علایق و دقت زیاد از طرف دولت
افغانستان ترتیب و تجدید شده است. و در دفعات اخیر یکبار در
سال ۱۳۰٤ شمسی از طرف علیاحضرت والده غازی امان الله شاه و
دفعه دوم در سال ۱۳۲۸ شمسی از طرف دولت افغانستان تجدید
شده است.

یاد داشت :

خرقه شریفه در شهر صفر المظفر سنه ۱۱۸۲ قمری به ولایت
درک پرتو و صول بخشید ودروازهٔ نوری محل خرقه شریفه هنوز زیادت
گاه است. ود رهمان شهر صفر المظفر سنه ۱۱۸۲ قمری (جولای
۱۷۶۸م) به شهر غزنی پرتو وصول افگند و به تاریخ نهم ربیع
الاول ۱۱۸۲ قمری ـ اگست ۱۷۶۵م) به شهر جدید قندهار پرتو وصول
برکات بخشید.

القاب متولیان خرقهٔ شریفه

مرد م عر ب ـمتولیا ن خر قـهمتبر که رابه لقب شیخ یاد کرده
وبعد از انتقا ل خر قه‌معظمه از بغدادبه ماوراء النهر (سمر قند)به‌خط
خوا جه و جمع متولیا ن خواجگا ن یاد شده اند و تا سا لیا نی‌که
امانت نهایت بزرگ‌در خطه‌بدخشان‌پرتو نزو ل داشت .

مبتولیا ن آن به لقب خوا جگا ن‌مشهور و موصو ف بودند (س
۱۱۸۱ هجری قمری).

بعد از انتقا ل به خطه زیبا ی‌کابل وو صو ل به قندهار قهرما
امپرا تور بزرگ افغا نستا ن احمدشا ه در درا ن به حسب اصطـ
قبایل محتر م قندهار که علمـــا وروحانیو ن آن دیار راآخو ندوا
واحفاد عالمان بزرگ راآخوند زاده‌می ستایند .

برای اهل تولیت خر قه مشرفه‌متبر که که اصلا از ارغسا ن وا
خانواده روحانی و به احتمال قوی‌درسفر میمنت اثر بدخشا ن (س

۱۱۸۲ق) و شرف حمل و نقل خرقه شریفه (دوبرادر عبدالحق و مولاداد
پسرا ن حا جی ملا شکر ابن حا جی ملا زلال) همراه بودند ـ از تا ریخ
بیست و شش) محرم الحرا م سنه ۱۱۸۳ قمر ی آخو ند زاد ه لقب
داد ه و جمیع افراد این خانواد ه اهل تولیت به خطا ب آخو ند زاده
موصو ف و تاحا ل (برج جـو زا ی سا ل ۱۳۶۶ شمسی ـ شـو ا ل
۱٤۰۷ قمر ی) به همین خطا ب اتصاف دارند . ودر تمام ار قا م واحکا م
دولت و حکومت افغانستا ن به همین خطاب بزرگ آخو ند وآخو ندزاد ه
یاد شده اند .

وتر جمه آن القا ب ازین قـراراست :

۱ـ شیخ به معنی خوا جه و پیر .

۲ـ خوا جه به معنی خدا و ندودرملك تورا ن (یعنی ماوراء النهروهم ولایـات شمـال ا فغا نستـان) القا ب سادا ت است .ودر بعض فرهنگ ها خوا جه به معنی وزیردانسته اند واین لفظ تر کی است. وبهر صور ت لقب بزرگ وبرا ی بزرگا ن علم واد ب وورع و تقـو ی استعمال شده و میشود .

۳ـ آخوند ـ به معنی استادومعلم .

چون خاندا ن متولیا ن قند هار ی شانزد ه نفر ایشا ن بشر فادای فریضه حج نایل شده اند و هم صفت علمیت و رو حانیت دارندو هـم اینکه ازسنه ۱۱۸۲ق تاسنه ۱٤۰۷ق پیوسته به خدمت تولیت آن زیارتگاه بزرگ نسلا بعدنسل خدمت کرده اند. حقوق علمیت و فضیلت ایشان تا امروز در نزد مردم مسلما ن افغانستا ن معنا و هم رسما بهر دوره حفظ و حرمت شده است .



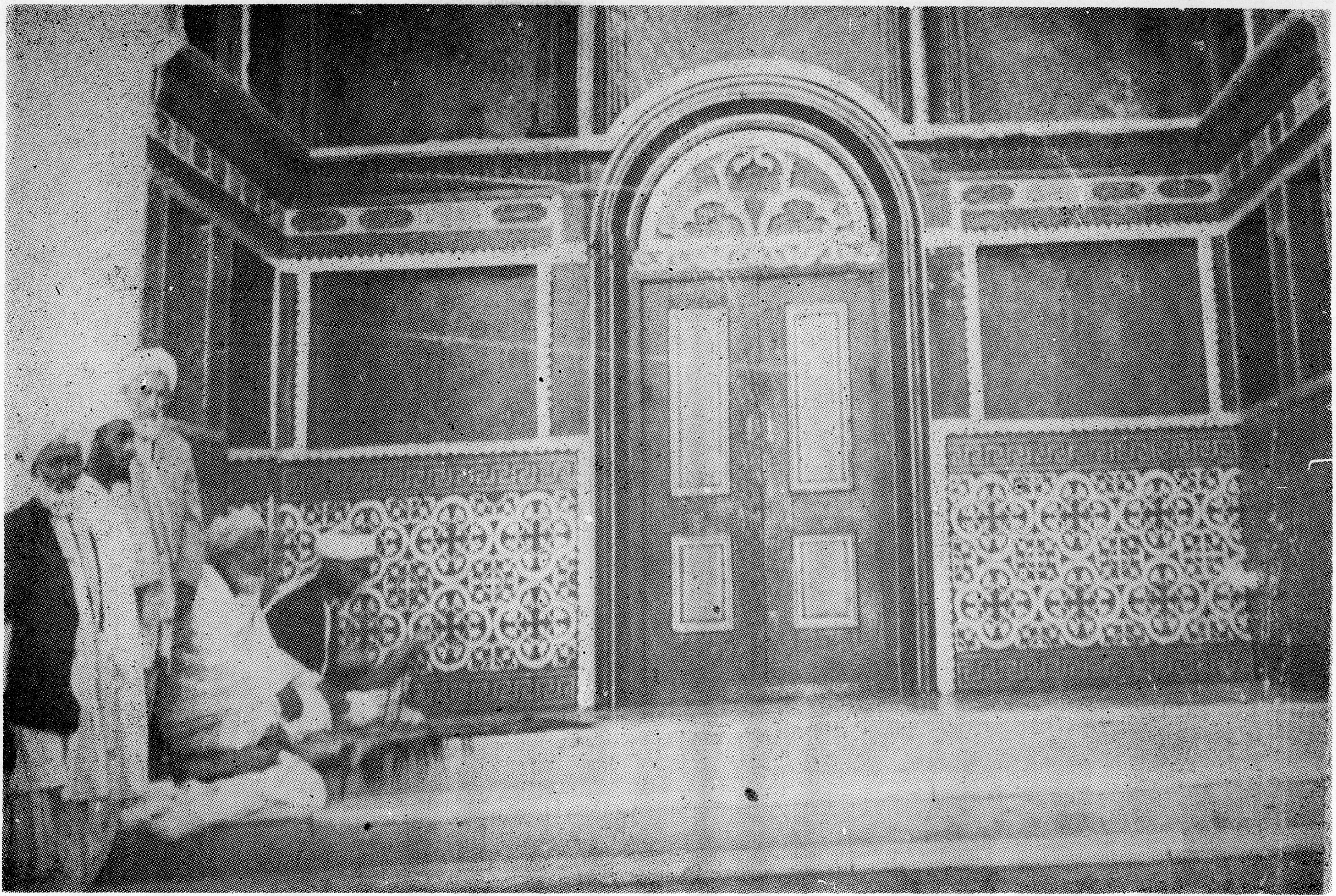
خاندان متولیان خرقهٔ شریفه

در قندهار

برای اینکه سلسله نسب افرا دخاندا ن متولیا ن خر قه مشر فه مطهر ه در قندهار دراین رساله تاریخیه ثابت بماند ـ فهر ستی را که دربرج حمل سا ل ۱۳٤۱ هجری شمسی در خودآن زیارت واز زبان چند نفر موسفید آن خانواده شنیده ودر قید مسودا ت آورده ام دراین صحیفه تصریح میدارم :

آخوند زاده حا جی عبدالحق وآخوند زاده مولاداد پسرا ن حا جی ملا شکرابن حا جی ملا زلال ا زقبیله یعقو ب زایی طایفه الکوزایی در عهد احمد شاه در درا ن د رقندهار میز یستند . به تاریخ (۲٦) محر م الحرا م سنه ۱۱۸۳ هجر ی قمر ی .حاجی عبدالحق الکو زایی به‌قرار فر مان آن‌امپراتوربزرگ افغانستا ن‌برتبه رفیع‌المرتبه تولیت خر قه متبر که‌واقع‌در قندهارمقرر گردید . واو درسنه ۱۲۱٤ هجر ی قمر ی و فات یافت‌ودرهمین‌سنه پسر ش حا جی حفیظ الله به فرما ن امپراتور زمانشا ه برتبه رفیع ا لمر تبه تو لیت خرقه

متبر که مقرر گردید. ونام هـــای‌پسرا ن و نواده گان‌آن دو مرد با
فضیلت دراین‌سلسله نگا شتـــــه‌میشود .
از آخوند زاده حا جی‌عبدالحــق‌چهار پسر ـحا جی حفیظ الله‌ـحاجی
نعمت الله ـملاولی محمد ـ حا جی‌عبدالغیا ث ، به جا ماندند .
از حا جی حفیظ الله ـحا جــی‌عبدالوها ب واز و ی حا جی محمد
نعیم و ازو ی حاجی غلام قا درآخوندزاده وار ث شدند .
از حا جی غلام قادر چهار پسر :
غلام حیدر ـمحمد صدیق ـعبدالرحمن ـمحمدنبی ـبجا ماندند .
از ملا غلام حیدر آ خوندزاده‌پنج‌پسر :
محمدنعیم ـ عبدالکریم ـ فدامحمدولی محمد ، عبدالمنیـــر ، وار ث
شدند .
از محمد عثما ن آخو ند زاد ه محمد صدیق وازو ی حاجی‌عبدا ـ
لحمید وازو ی حاجی عبدا لرزا ق‌وارث شد .
(واین شخص اخیر به عمرهشتادسالگی تابرج حمـل سا ل ۱۳۴۱
شمسی حیا ت داشت).
از محمد صدیق آخو ند زاده(ابن‌حا جی غلام قادر) سه پسر :
محمد رفیق ـ حبیب اللهـ عبید الله ـوار ث شدند .
از عبدالر حمن آخو ند زاد ه‌چهارپسر :
خیر محمد ـعبدالله ـخلیل اللهـمحب الله ـ وارث شدند .
از خلیفه محمدنبی آخو ند زاد ه(ابن حاجی غلام قادر)دوپسر :
شرف الدین ـ محمد سعید ـبه‌جاماند .
(خلیفه محمدنبی آخو نــد زاد ه‌شا م (نزده)ثور ســـال ۱۳۶۶
شمسی در دا خل زیار ت خر قـه‌شریفه بدر جه شهاد ت رسید).
از حا جی نعمت الله آخو ندزاده‌حاجی محمد اعظم وازو ی حا جی



مولوی حاجی عبدالحق آخوندزاده سر متولی خرقهٔ شریفه (قند هار) وهیأت ارباب تولیت در برج حمل ۱۳۴۱ شمسی

محمد سرور وازو ی ـمحمدصاد ق‌ومحمد اسمعیل ـوارث شدند .

از محمد صاد ق آخو ندزاد ه دوپسر : محمد عمر ـصالح محمد ،
وارث **شدند** .

از محمد ا سمعیل آخوند زاده‌سه پسر:

محمد اسحق ـ محمد مو ســی،عبدالستار ، بجا ماندند .

از حا جی رحمت الله (**ابـــن**حاجی عبدالغیا ث آخو ند زاد ه)
حاجی محمد رفیق وازو ی حا جــی‌محمدحق آخو ند زاده وارث شد .
(واین شخص اخیر در برج حمل‌سا ل ۱۳٤۱ شمسی به قید حیا ت
وصحت وبزرگ وسر کرد ه هیا ت‌متولیا ن خر قه شریفه شنا ختــــه
میشد).

* * *

آخوند زاده حا جی عبدالحــــــق‌متو لی ـدر سنه ۱۲۱٤قمر ی وفات
یافت ودر حصه تخته پل ارغسا ن‌بخا ك سپرده شد ـمر قد مر حوم
نمایا ن و بنا م زیار ت سفیـــــــدمشهور و زیارتگا ه است .

حا جی مولا داد آخو ند زاد ه(ابن‌حا جی ملاشکر)در علاقه میل واقع
قریه مدد خان اچك زا یی مدفو ن‌است .

این شخص رتبه تولیت ندا شت‌واما اینکه از اهل علم و عر فا ن
در عهد احمد شاه بزرگ‌وهم اینکه‌سوابق خر قه شریفه را ضمــــن
مکتو بی از جنا ب میا فقیرا للــــه‌شکار پور ی سوا ل نموده بــــود
اسمش در ماخذ مانده‌است .

علی جا ن آخوند زاده ـمتو لی‌خرقه شریفه که مردعالم ـمتصو ف
ومتقی بود به تاریخ جمعه(پانزده)شعبا ن المعظم سنه ۱۳٦۱قمر ی
در قندهار و فا ت‌یافت .

دفن حکمران قندهار

در محوطه خرقه شریفه

سردارمحمد امین خان حکمران‌قندهار که خدمتگار خرقه نبویه واخلاصمند اهل تولیت آن زیارت بود درسنه۱۱۸۲قمری وصیت کرده بود هروقتی که فوت شوم مرا در زیر ناوه بام زیارت خرقه شریفه دفن کنند که آب بام این زیارت بالای قبر من بریزد. مذکور به تاریخ سه شنبه (یازده) شهرمحرم الحرام سنه ۱۲۸۲ قمری در ترنك کلات در جنگ کشته شد. جنازه اورا در قندهار نقل دادند کسانی که وصیت او را، شنیده بودند، درآن روز حاضر نبودند وسایر نفری اورادر صحن میدان سمت شرق خرقه شریفه بخاك سپردند.

یعنی مرقدی که در پیش‌روی‌وی دالان خرقه شریفه دیده میشود بر سردار محمد امین خان برادرسکه امیر شیر علی خان است که‌دیر قتی حکمران قندهار ودر تعمیروترمیم شهر و مقابر تا حد توان خدمت کرده بوده وخود را ازخدام‌اهل تولیت خرقه شریفه می دانست.

حکمنامه‌ها در خصوص وظیفهٔ متولیان خرقهٔ شریفه

سردار محمد امین خان حکمران قندهار نوشته است :

(عالیجاه ناظر امیر محمد خان به‌عافیت باشد ! مبلغ یك تومان وهشت صد دینار برات نقداز بابت مالیات هذه السنه پیچی ئیل و جوه کاکین عوض وظیفه متولیان خرقه‌مبارك رسانیده مجرا و محسوب دانید تحریر فی شهر ربیع‌الثانی سنه ۱۲۷۷)

(محمد امین)

در پشت ورق حکمنامه مذکور سه مهر کوچك دارای این عبارات موجود است :

۱ــعبدالعلی

۲ــسیدنور محمد

۳ــصوبه سنگ ــسنه مهــــــر۱۲۹۳

* * *

حکمنامه دوم

(درین وقت در خصوص یــــك‌تکه زمین میان جوی شاه واقــــع

مزر عه که در تصرف متولیـــا نخر قه شریف میباشد بدون و ظیفه متولیا ن عمد ه سر کار که مالیه‌آن‌تعلق سر کار دارد همان تکه‌مذکور سه حصه می باشد ـ دوحـصه ازفیضلت پنا ه ملا فصیح الله آخوند زاد ه می باشد احد ی از متولیا ن‌وغیر ه غرض ودخل نداشته باشید به زمین نامبرد ه اختیار زمین خودرا خود دارد .

به قرار سر رشته .... تحریرفی‌شهر ذیقعد ه سنه ۱۲۷۵)

(محمد امین)

سردار محمد امین خان حکمرا ن‌قندهار که در شهر ربیع الاول‌سنه ۱۲٦۷ قمر ی دریکی از اسنا دمهرکرد ه نقش مهر او باین سجع بوده است :

نو شته است کلك قضابر نگین که شد در دو عالم محمد امین

* * *

در شهر ذیقعد ة الحرا م سنـــه۱۲۷۸قمر ی امیر دوست محمدخان وارد قند هار شد ـو سر دار محمداسمعیل خان ابن سردار محمدامین خان را به حکومت قند هار وسیدنورمحمد شاه پشیینی را به‌نیا بتش گماشت . و ملا عبدالسلام خان ابـن‌ملامحمد سعید خان را به قضا ی قند هار مقرر نمودو قاضی موصوف‌در خصوص خر قه شریفه‌و ثیقـــــه نوشته که نقش مهر وعبار ت اواین‌طور است :

خاك پای تو یارسو ل انا م سرمهٔ هر دوچشم عبدالسلام
۱۲۷۲

(قبض دارد و قبو ل نمودمتولیان‌خر قه مبار که براینکه مبلغ سیزده توما ن هشت هزا ر نهصدو هفتاددینار و نودو پنج تومان نه هزار ده دینار برا ت غله عوض و ظیفـــــه‌هذاه السنه تخا قو ی ئیل سال‌مرغ به قرار سا ل مذکور به معر فت‌کار کنا ن دفتر واصل دعا شو ند فی شهر صفر سنه ۱۲۷۸).

امیر عبدالرحمن خان با احترام خرقه شریعه (قندهار) حکمنامه یی باین عبارت نوشته است :

(داکی های تنها نه ده حاجی وغلام جان آخندزاده و عطا محمد بارکزایی و بهاء الدین قرین صحت باشد ـ در خصوص سیورسات عبدالله جان آخندزاده مالکی سوخته که آنچه حصه سیورسات آخندزاده مذکور از داکی ها میشود نامبرده را غرض ودخل نداشته واگذار باشید . چرا که آخندزاده مذکور از سیورسات معاف و مرفوع القلم بودند و می باشند ـ لازم آنکه سیورسات شمارا دیگر جای بشما عوض میدهیم وزیاده طلبی نکنید. درین خصوص تاکید دانید تخلف نورزید .

(تحریر فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۳۰۲) .

«مهر حکم علاقه قندهار »

(امیر عبدالرحمن)

حکمنامه ثانی

(ملا زمان سرکار و ملکان قریه پایمال را واضح خاطر باد !

در خصوص احمد جان آخندزاده وغلام قادر آخندزاده متولیان زیارت خرقه مبارک که در قریه مذکور سکونت دارند کاغذ به مهر حکومتی سابقه بدست دارند که بدون مالیه از دیگر تکالیفات مثل سیورسات و جرم مقتول که ازمردم سکنه قریه مذکور سابق ازین مبلغ تحویل شده خلاص میباشند . لهذا الحال نیز مرقوم میشود که به آخندزاده های مذکور از بابت سیورسات تکالیفات غرضدار نشده واگذار باشند و مالیات خود هارا از قرار رجه دفتر به حواله دارسرکار والا میرسانند .ازبابت سیورسات و دیگر غرضدار نشوید.

.درین با ب تاکید دانید فقط تحریریوم شنبه شهر صفر المظفر
(۱۳۱۳

(مهر حکم علاقه قند هار)

(امیر عبدالر حمن)

۱۳۱۲

سفار ش خط ها در باب‌متولیا ن‌خر قه شریفه

از عهد امیر عبدالر حمن خا ن‌سند ی بدست آمد واین طورنوشته است :

(عالیجا ه محمدابرا هیم خـا ن‌ضابط ، عالیحضر ت میرزا علیخا ن خان نو یسند ه بندر تخته پـل‌قرین صحت باشید . دراین‌و قت محمد اسلم آخند زاد ه وعطا محمدآخند زاد ه و حاجی ده وپاینده‌خیل سوخته اظهار نمودند که مایا ن ازقدیم الایا م مرفوع القلم می‌باشیم که هیچو قت با لای مایا ن‌سورسات‌وجغا ت انداز و حوا له نشده‌اکنون برا ی خاصه دار های تخته پـل‌از مایا ن سورسا ت می گیرند . اگرچه قیمت میدهند لاکن بـالای‌مایا ن تکلیف میشود . لهذاتحریر می شود که از اقوام پنج نفر دیگرجغا ت کش های آنجا تحقیق‌کنید هرگا ه چنین باشد که همه سا له‌معا ف بوده‌اند هوش کنید هر گا ه صحیح باشد خوا هان نشو یـدوهر گا ه خلاف باشد از قراراظهار الوسا ت آن که احوا ل اینهابرا ی‌آنها مشخص باشد درست نظـر آوری کنید . هرگا ه به واقعی‌باشدغرضدار نباشید و جه هم میدهید غله رابرا ت خود که سپا هی می‌گیرید چگو نه خلق الله رابجورانید فقط تاکید داند تحریر ۲۳ شهـرصفر المظفر سنه ۱۳۱۲).

مهر : جلال الدین

مهر: عبدالقادر

واقعهٔ شهادت درمقام

خر قه شریفه

تاریخ خر قه شریفه متبر کـــه حضرت فخرعالم رسول اکرم صلی
الله علیه و سلم را که در شهرجدیدقند هار از سنه ۱۱۸۲ هجری قمری
تا این سنه ۱٤۰۷ هجر ی قمری پرتونزول وبر کا ت دارد بحو ل وقو
حضر ت بیچو ن جل شانه و تاییدمفخر کاینا ت علیه افضل التحیا
حبیب خدا (ج) محمد مصطفی (ص)نو شتیم ــ و صحا یف این رس
متبر که پر از اسناد ومدا ر ك مفصلاومتدر جا از نظر اهل دیانت گذش
عمو م اربا ب خبر ت واهل حسن عقید ت دانستند که صحا یف تار
وطن مقدس خود مان را دفعه دو م به تذکار خر قه شریفه زینت فخـر
شرف بخشیدیم واین عطیه پا ك پروردگا ر است که به ما مردم مسلم
افغا ن توفیق ارزا نی فرموده است.

واما مضمو نی که در تاریخ خرقه معظمه از مرور یکهزا رو چهار
سا ل تا امروز قطعا وابدا تکـرارنگردید ه فقط صحیفه واقعه هائلـ
روز شنبه (نزده) برج ثور سا ل ۱۳٦٦ هجر ی شمسی (مطا بـ
یازد ه ر مضان المبار ك سنه ۱٤۰۷ هجر ی قمر ی است .)

که از اثر نهایت ظلم وو حشت وقساو ت قلب عده یی از دشمنا ن دین اسلام و شر ف ونا موس ملی افغانستا ن به ظهور آمده واقعهٔ شهاد ت خلیفه محمد نبی متو لی خرقه مشر فه متبر که در شهر قندهار متصل مقام خرقه حضرت سید الانا م است که قبل از و قت ادا ی نماز شا م و افطا ر ماه صیا م بوقوع رسیده که خبر این واقعه هائله نه تنها باعث نارا حتی عالم احیاء بلکه اروا ح پاك صلحا کرا م عالم اموا ت رانیز بیقرار گردانید .

چرا که قد م ناپا ك دشمنا ن اسلام باین انداز ه جسا ر ت وخیانت در محو طه مقدسه زیار ت یعنی مسجد و حریم مقا م خاص خر قه نبو یه پیش گذ اشتن و مر تکب چنین عمل خیانت و جنایت بز رگ شد ن سبب نارا حتی عموم مسلمین را در همه گو شه های دنیا بار آورد .

وبرادرا ن دور از وطن ما ا ز شنید ن چنین واقعه نسبت به ماکه در خاك مقدس وطن ساکن و متمرکز هستیم ـ بیشتر منزجر و ناقرا ر گردید . چراکه افغان در همه جا افغا ن است . وافغا ن دین ووطن خودرا هیچگا ه فرا موش نمی کند .

* * *

خلیفه محمد نبی شهید (ابن الحاج غلام قادر ابن الحا ج محمد نعیم ابن الحا ج عبدالوها ب ابن الحا ج حفیظ الله ابن الحا ج عبدالحق ـ ابن ملازلال) که شخص عا لم ـ امام ـ خطیب ، واعظ ، صو فی و متو لی ، واین خانواد ه از مرور دو صد وبیست و پنج سا ل به خدمت ذ ی شرافت مر تبه تولیت خر قه نبو یه ومسند نشینی آستا ن آن مقام سعاد ت و شرا فت سر انجا م د رقندهار از پدر ، پدر به صو ر ت خاندانی و مورو ثی باین کسب شرف مطابق و موافق بارقا م دولت کا ملا مستقل افغانستا ن افتخا رخدمت وادا ی حسن امانت دارند .و خود خلیفه موصو ف تا آخرین لحظه ادا مه حیا ت باین شر ف خد مت دینی و اجتماعی اتصا ف داشت .شرح این قصه جانسو ز واقعه

شهاد ت آن اگ رکه بز رگتریـــــن‌مرتبه یی را در عالم آخر ت‌کماهــی کرد ، و ل ی‌در تاریخ خر قه‌شریفه‌شرحی از واقعه شهاد ت وی به‌جا گذاشت که هیچ یك مسمـــلا ن ومخصو صا ملت افغا ن در هیچ یك زما ن فراموش نخواهد کرد .

وچو ن هر فرد نیك دیانـــت وراستی عقید ت از مطا لعه این‌سطور پررنج و فتورتکا ن میخورد ـ درپی‌آن میشود که در جستجو ی کشف این جریمه که قلو ب مسلمیـــن راجریحه دار سا خته است . بـرای همیشه در پی فعالیت هر چه‌تما متر واخذ انتقا م از دشمن دین‌وناموس تا بعین حضر ت سید المر سلیـن‌باشد .

(وجاهد و با موالکم و انفسکـــم‌فی سبیل الله)

وبنا ملت نیك دیانت افغانستا ن‌عمو ما ومرد م دلیر قند ها رمخصو- صا که در شر ف تولیت وخد مت‌پر موا ظبت آستا ن مقد سه‌خر قه نبو یه و محافظت اطرا ف آن‌بارگا ه‌اولیت دارند ـ این عهده بز رگـ را فرا موش نکرد ه از دشمن دین ووطن و استقلال انتقا م این‌جسارت وخیانت قتل نفس مسلما ن عالم وواعظ رابگیرند .

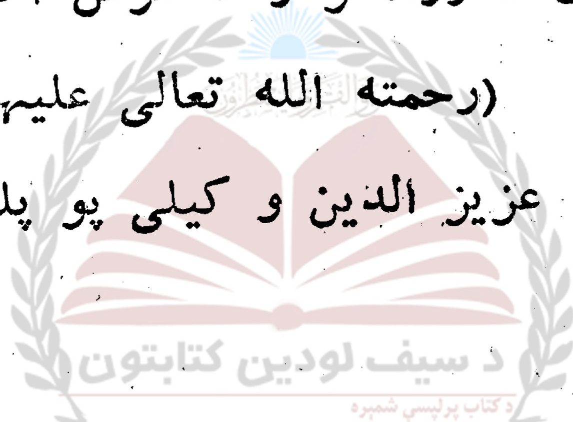
زیرا که تشخیص داد ن دو ست‌از دشمن دراین مر حله حسا س تاریخ از وظایف دینی و فرایضـــی‌اخلاقی هر فرد دیانت شعار افغا- نستا ن آزاد و مستقل و بی طرف‌غیر منسلك است . و کافه مـرد م دیانت شعا ر این خطه مقد سه‌بایدقلبا مصمم این همه جهد و مساعی جد ی در همه امصا ر و اقطا رودیاربود ه در برابر دشمنا ن اسلام که برای قتل و تباهی مسلمین ارتکا ب‌میدارند ـ جدا قیا م واقدام ورزند وشر ف های دینی و اجتماعی‌اسلامی‌خودرا از دستبرد حواد ث و جبـر روز گار تا حد ی که نیرو و توا ن‌دارند با استعانت از فضل ومرحمت آفرید گار دانا ی توانا ، حفـــظ‌نمایند .

وچنانکه مرحوم غاز ی امان اللـه‌شا ه فر مود ه است : بعدازمسجد نبو ی (ص) در مدینه طیبه ایـــن‌مسجد جا مع خر قه شریفه‌درقندهار است . این حر ف آن مجا هدبزرگ‌ورهبر او لی العزم معظم افغا ن را

تصدیق و تایید میداریم . چرا کـه‌بنیا ن گزارا ن ادوار پر افتـــخا ر قند هار هست و بود خودرا در راه‌جهاد فی سبیل الله و حفظ نا موس وطن صر ف کرد ه‌اندو پر تووصول‌خر قه شریفه‌در مرکز قند هار قهر مان ــیکی از آن نشا نه های ثبو ت‌فدو یت مرد م قهر ما ن افغان در برابر کشاکش روز گار است: واین‌شهید خر قه شریفه ــ از جمله آن شهدا یی است که در بهارســا ل۱۲۹۸ شمسی و سنوا ت پیشتراز آن د رراه‌حر ز نا موس اکبر جان‌سپرده اند .

(رحمته الله تعالی علیهم اجمعین)

عزیز الدین و کیلی پو پلزا یـی‌قند هاری



لا اله الا الله محمد رسول الله

عزیزالدین وکیلی پوپلزائی تحریر نمود کابل سال ۱۳۶۶ هجری شمسی

هدیهٔ خرقهٔ شریفه (قندهار)



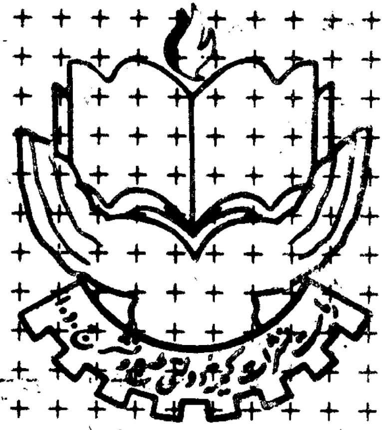
عزیز الدین وکیلی پو پلزائی- بتاریخ ۲۵ برج حمل سال ۱۳۴۱ شمسی بالای ضریح مبارك انتقال دهندهٔ خرقهٔ مبارکه درحق آن خدمتگار عالم اسلام دعا واتهنیت میفرستند.

ماخذو مدارک

زندگانی تیمو ر ــ تالیف شر فالدین علی یزدی ــ
مکتوبات میا فقیر الله شکــارپوری ــ
تاریخ احمد شاهی ــ تا لیــــف محمودِ الحسینی ــ طبع مسکو
تاریخ بدخشا ن ــ تا لیــــــف سنگی محمد
تاریخ سلطانی ــ تالیف **سلطا ن** محمد خالص
سراج التواریخ ــ تالیف فیضــ محمد کاتب
تیمور شاه درانی ــ **طبع ســال** ۱۳۴٦ــ تالیف و کیلی پوپلزا یــی
نجمن تاریخ)
خرقه شریفه ــ طبع سا ل ۱۳٤٦ــ تالیف و کیلی پوپلزا یی (انجمـــن
ریخ)
پراگنده ــ کتا ب مولفه محمو دطرز ی ــ طبع مطبعه عنایت ــ کابل
کلکسیو ن سرا ج الا خبارافغانیه ــ کابل
کلکسیو ن جرید ه امان افغا ن ــ کابل .
کلکسیو ن جرید ه طلو ع **افغان** ــ قندهار
وثایق ــ فرمانها واحکا م دولت افغانستا ن مربو ط خر قه شریفه ــ
ندهار
دیوا ن اقبال ــ طبع هند
کلکسیو ن تصاو یر ــ مناظـــــر داخلی وخار جی خر قه شریفه
غزنه در دوقر ن اخیر ــ تالیــف عزیز الدین و کیلی ــ طبع ســـا ل
۱۳٥ .
سفر ها ی غاز ی امان الله شا ه تالیف عزیز الدین و کیلی طبــــع
ا ل ۱۳٦٤
احمد شاه وارث مجدد امپراتور ی افغا نستا ن د ردو جلــد ــ
یف عزیز الدین و کیلی پوپلزایی.

ابراز سپاس

مرکز تحقیقات علوم اسلامی از کارمندان محترم مطبعه دولتی هریک همایون یوسفی ، عبدالبصیر ، عبداللطیف ، محمد محسن، عبدالمحمد ، شیر محمد، فضل الرحمن ، محمد قاسم، محمد عظیم ، قربان جان ، محمد طاهر و محمد انور که‌در زمینه چاپ و نشر این کتاب مارا یاری رسانیده‌اند ، از صمیم قلب ابراز امتنان میدارد ، صحت و سلامتی دایمی نصیب شان.



مسلسل (۲۳۲)

مطبعهٔ دولتی





مطبعهٔ دولتی

مسلسل (۲۳۳)